

کتاب راهنما در زمینه

پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان

دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل

وین

کتاب راهنما

در زمینه پاسخ‌های مؤثر پلیس

به خشونت علیه زنان

مجموعه کتاب‌های راهنمای دادرسی کیفری



سازمان ملل

نیویورک، ۲۰۱۰

انتشارات سازمان ملل
Sales No. E.10.IV.3
ISBN 978-92-1-130291-2

قدردانی و تشکر

کتاب *راهنمای پاسخ‌های مؤثر پلیس به خشونت علیه زنان* به سفارش دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل (UNODC) تهیه شده است. UNODC مایل است از مشارکت این افراد در تهیه کتاب راهنما قدردانی کند:

مارک لولاند، مشاور از کانادا، که متن نهایی کتاب *راهنما* را بر اساس پیش‌نویس اولیه‌ی ماریا پاسینتو از مرکز مطالعات خشونت از دانشگاه سان‌پائولو و با استفاده از سایر اطلاعات فراهم‌شده توسط سمارا رحمان از UNODC تهیه کرد.

خبرگانی از سراسر دنیا که پیش‌نویس اولیه کتاب *راهنما* را مرور کردند و بازخوردهای ارزشمندی را در جلسه‌ی مشورتی که در ۴ و ۵ ماه می ۲۰۰۷ برگزار شد ارائه کردند. این متخصصان عبارتند از: هلن گودمن، بریژیت هالسنر، دنا کاماشازی، فاطما خافاگی، رز موهیسونی، ماری رینر، ژاکلین سیلی-بورک، و سوزان اشناپدر.

ایوان داندوراند، ریچارد کنارسکی، و ایلین اسکینیدر، که نسخه‌ی آخر را ویرایش کرده و بازخوردهای آخر را دادند.

کارکنان UNODC که در تهیه کتاب *راهنما* مشارکت داشتند: ریکاردا آمیرگ، کلی آرنسن، لارا هاگوپیان، میا اسپولاندر، و ساندرال وال.

این کتاب *راهنما* همراه با درس‌نامه‌ی جداگانه‌ای است که در این آدرس اینترنتی موجود است:

www.unodc.org/unodc/en/justice-and-prison-reform/tools.html?ref=menuse

UNODC همچنین مایل است از حمایت دولت‌های اتریش، کانادا، نروژ و سوئد در تدوین این کتاب *راهنما* تشکر کند.

مقدمه

خشونت علیه زنان خدشه‌دار کردن کرامت، امنیت، و حقوق بشر است. این مشکل، به‌ویژه در بعد خشونت خانگی، بسیار کلان است اما خشونت علیه زنان در وضعیت‌های بعد از نزاع و خشونت علیه قربانیان قاچاق انسان نیز همان‌قدر گسترده‌گی دارد. اما زمانی که این مشکل از ورای درهای بسته گذر می‌کند، اغلب آن را مسأله‌ای خصوصی در نظر می‌گیرند. این مسأله خصوصی نیست، جرم است؛ و کشورها مسؤول حفاظت از قربانیان هستند.

برخی کشورها فاقد قوانینی هستند که خشونت علیه زنان را جرم می‌شمرد. برخی دیگر قوانینی دارند اما ناتوان از اجرای آن هستند. هیچ عذری برای این قصور وجود ندارد. سازمان ملل راهبردهای نمونه و اقدامات عملی برای حذف خشونت علیه زنان در حیطه‌ی پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری را تدوین کرده است. تمام کشورهای عضو باید این راهبردها و اقدامات را به‌کار گیرند.

اکنون سازمان ملل با انتشار کتاب *راهنمای پاسخ‌های مؤثر به خشونت علیه زنان* یک قدم فراتر می‌گذارد. این کتاب که برای افراد در خط مقدم پاسخ به خشونت مانند نیروی‌های پلیس طراحی شده، مشکل را شرح می‌دهد، به مرور هنجارها و استانداردهای مرتبط می‌پردازد، و در مورد نحوه مداخله راهنمایی می‌کند. تمرکز آن به‌ویژه بر تحقیق در مورد اعمال خشونت‌بار علیه زنان است، فرایندی که حساسیت ویژه‌ای را می‌طلبد.

این کتاب *راهنما* تقدیم می‌شود به یاد و خاطره جنی ویتالیا، دستیار تخصصی دفتر منطقه‌ای UNODC در پاسیفیک و شرق آسیا، که هنگام کار روی پروژه‌ی مبارزه با خشونت علیه زنان در ویتنام به علت یک بیماری در ۱۰ اکتبر ۲۰۰۹ ناگهان درگذشت. در آن زمان او تنها ۳۱ سال داشت.

اشتیاق و اراده او برای ساختن جهانی بهتر و امن‌تر، به‌ویژه برای زنان آسیب‌پذیر، در این کتاب *راهنما* زنده است؛ کتابی که او پیوندی قوی با موضوع آن داشت.

آنتونیو ماریو کوستا

۱. مقدمه

- الف. تعیین وضعیت موجود
- ب. زنان با آسیب‌پذیری ویژه
- پ. چرخه‌ی حیات خشونت علیه زنان
- ت. سوءبرداشت‌های متداول در مورد خشونت علیه زنان
- ث. پاسخ‌های نظام دادرسی و حفاظت از قربانیان

۱۱. هنجارها و استانداردهای بین‌المللی

حقوق زنان و تعهد کشورها

۱۱۱. عوامل زمینه‌ساز خشونت علیه زنان

۱۱۴. رویکردهای پیشگیرانه

۱۷. پاسخ به خشونت علیه زنان: نقش پلیس

الف: معرفی

- ب. ضوابط رفتاری برای مسئولان اجرای قانون
- پ. سیاست‌های هدایت‌کننده‌ی نهاد پلیس
- ت. تحقیق در مورد اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان
- ث. ارزیابی تهدید و اداره خطر
- ج. خدمات برای قربانیان و حفاظت از شاهدان
- چ. پاسخ به متخلفان
- ح. حریم و رازداری
- خ. پاسخ‌گویی و نظارت پلیس

۱۶. آیین دادرسی

۱۷۱. مشارکت و حمایت بین‌سازمانی

ضمایم

- ۱. نمونه‌ای از نمودار جراحت برای بازپرسان و متخصصان پزشکی
- ۱۱. منابع و وبسایت‌های آن‌لاین

۱. معرفی

خشونت علیه زنان موضوعی فراگیر با ابعاد یک همه‌گیری جهانی است که بر همه جوامع تأثیرگذار است. این مسأله ناقص حقوق و آزادی‌های اساسی قربانیان خشونت است. این شکل از خشونت می‌تواند تأثیری ویرانگر بر زندگی قربانیان، خانواده، و جامعه‌شان داشته باشد. مطالعات انجام شده در هر پنج قاره نشان می‌دهد که هیچ جامعه‌ای نباید خود را در برابر این خشونت مصون بداند. رویه‌های خشونت‌آمیز که زنان و دختران را قربانی می‌کند از ورای مرزهای اجتماعی، فرهنگی، قومیتی، و دینی گذر می‌کند.

حداقل یک نفر از هر سه زن در سراسر دنیا کتک خورده، مجبور به رابطه جنسی شده، یا به‌نوعی دیگر در طول زندگی مورد سوءاستفاده قرار گرفته است. معمولاً فرد آزارگر آشنای آن زن بوده است (گزارش دبیر کل با عنوان "مطالعه عمیق در مورد همه اشکال خشونت علیه زنان" را ملاحظه کنید)^۱.

رویه‌های خشونت‌آمیز علیه زنان اشکال مختلفی دارد که ممکن است بر اساس زمینه‌ی فرهنگی، اجتماعی، و مذهبی بین کشورها و نواحی مختلف متفاوت باشد. به همین شکل، زنان یک گروه همسان نیستند. تفاوت‌های موجود در قومیت، وضعیت اجتماعی، مذهب، و سن همه به این معنی است که زنان اعمال خشونت‌بار یکسانی را به‌گونه‌ای متفاوت تجربه می‌کنند. برخی از گروه‌های زنان آسیب‌پذیری ویژه‌ای به خشونت دارند و بنابراین برخورد و خدمات حمایتی ویژه‌ای را نیز نیاز دارند.

اعلانیه حذف خشونت علیه زنان در سال ۱۹۹۳ خشونت علیه زنان را این‌گونه تعریف می‌کند: "هر عمل خشونت‌آمیز مرتبط با جنسیت که منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی، یا روانی شده یا احتمالاً می‌تواند چنین عواقبی داشته باشد. این اعمال شامل تهدید به خشونت، محرومیت اجباری یا اختیاری آزادی و اختیار عمل، در جامعه یا در زندگی خصوصی نیز است."^۲

اعلانیه تعریف مشخص‌تری را در ماده ۲ آن ارائه می‌کند که این تعریف خشونت جسمی، جنسی، و روانی را در خانواده و در جامعه دربرمی‌گیرد و شامل این موارد است: کتک زدن، سوءاستفاده جنسی از کودکان، خشونت مرتبط با جهیزیه، تجاوز، معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان و دیگر رویه‌های سنتی آسیب‌رسان به زنان، خشونت غیرمرتبط با همسر و خشونت مرتبط با بهره‌کشی، آزار و ارباب جنسی در محیط کار، مؤسسه‌های آموزشی و هر جای دیگر، قاچاق زنان، روسپیگری اجباری و خشونت که دولت مرتکب می‌شود یا از آن چشم‌پوشی می‌کند.

تعریف جامع‌تر و انسان‌گرایانه‌تر از خشونت را رهبر آمریکایی معروف حقوق مدنی، مارتین لوتر کینگ، ارائه می‌دهد که خشونت هر چیزی است که کرامت انسانی را خدشه‌دار کرده و منجر به احساس بی‌پناهی و ناامیدی شود. این تعریف خشونت جسمی، استفاده از کلمات ناپسند، انزوا و طرد اجتماعی را دربرمی‌گیرد و بر تأثیر مستقیم آن بر قربانی تأکید دارد.

گزارش‌هایی پیرامون خشونت که نشان می‌داد هر روز چه تعداد زن در معرض خشونت قرار می‌گیرند اولین بار در دهه ۷۰ (میلادی) منتشر شد. مطالعات در کانادا، ایالات متحده آمریکا، و برخی کشورهای اروپایی نشان داد آن‌طور که باور می‌شود، خانه مکانی مقدس و برای پناه بردن نیست بلکه در عوض اغلب محیطی است که اعضای مذکر خانواده زنان و دختران را مورد خشونت و تحقیر قرار می‌دهند. چنین رفتاری شامل ضرب‌و‌جرح و سایر اشکال قربانی کردن، مانند

¹ A/61/122/Add.1 and Add.1/Corr.1.

² General Assembly resolution 48/104, article 1.

سواستفاده جنسی نیز می‌شد. در موارد خیلی افراطی زنان کشته شده بودند. اندازه‌گیری عواقب خشونت با بررسی تأثیر آن بر سلامت جسمی و روانی اعضای خانواده آغاز شد. با این که بیش‌تر قربانیان زنان بزرگسال بودند، تأثیرات خشونت را می‌شد بر همه اعضای خانواده، به‌خصوص بر کودکان که دایم شاهد صحنه‌های خشونت بین والدین بودند دید.

سال‌ها بعد از انتشار این گزارش، زمانی فرا رسید که تعریف یک دستور کار سیاسی برای رسیدگی به مسأله خشونت علیه زنان آغاز شد. سازمان ملل، و سازمان‌های منطقه‌ای مانند سازمان کشورهای آمریکایی مسأله‌ی ایجاد حاشیه امن برای زنان و تضمین حفاظت از حقوق آنان را یک معضل اساسی در نظر گرفتند که باید به آن رسیدگی شود. تغییر در شرایط منجر شد که خشونت علیه زنان به عنوان نقض حقوق بشر شناخته شود. به این ترتیب با امضا و تصویب معاهده‌ها و پیمان‌نامه‌های سازمان ملل، مانند معاهده‌ی حذف همه انواع خشونت علیه زنان³، و اعلانیه حذف خشونت علیه زنان، کشورها تعهد کردند که نه تنها از زنان در مقابل خشونت محافظت کنند، بلکه سازوکارهایی برای پیگرد و تنبیه مرتکبان آن تعبیه کنند.

در سال‌های اخیر تلاش کشورها برای محدودسازی و ریشه‌کنی همه رویه‌های خشونت‌آمیز علیه زنان افزایش یافته است. در راستای توصیه‌های مطرح شده در معاهده حذف همه انواع تبعیض علیه زنان، بسیاری از کشورها قوانین اختصاصی برای رسیدگی به خشونت علیه زنان، شامل خشونت خانگی، را تدوین کرده و پذیرفتند. اهمیت اصلاحات قانونی در این است که پیامی روشن به جامعه می‌دهد که خشونت علیه زنان مسأله‌ای خصوصی نیست، با آن مثل یک جرم برخورد خواهد شد، و جامعه دیگر آن را تحمل نخواهد کرد.

حرکت‌های دیگری با هدف تقویت پاسخ نظام دادرسی کیفری به خشونت علیه زنان آغاز شده‌اند که استقرار خدماتی از این دست را در برنامه‌های خود گنجانده‌اند: استقرار واحدهای اختصاصی پلیس برای کمک به زنان قربانی خشونت؛ برقراری دادگاه‌های ویژه خشونت خانگی؛ اقدامات نوین برای جبران مدنی یا حقوقی زیان وارد شده بر زنان و حفاظت از آنان، آموزش مجریان قانون و افسران قضایی؛ نیروی جدید برای پلیس و قوه قضاییه برای پاسخ به زنان قربانی و حمایت از آنان؛ گنجانیدن دیدگاه جنسیتی در تدوین سیاست‌های مرتبط با امنیت؛ و خدمات تخصصی پزشکی، روان‌شناختی، اجتماعی؛ و حمایت حقوقی برای زنانی که با موقعیتی خشونت‌بار مواجه شده‌اند.

با این وجود تجربه نشان داده که تغییر قانون از تغییر رویه و باور آسان‌تر است. در بسیاری از کشورها، سکوت جامعه و سکون دولت اغلب منجر به بالا ماندن نرخ عدم گزارش خشونت علیه زنان و عدم مجازات متخلفان شده است. بدون تلاش‌های مشخص و هدفمند برای تغییر ساختار و طرح مسأله جنسیت در همه بخش‌ها و سطوح فرهنگ و رویه‌های (سنتی)، بیش‌تر اصلاحات حقوقی و سیاسی ارزش کمی خواهد داشت. اقدامات قانون‌گذاری اغلب بی‌تأثیر خواهد بود مگر این که اجرای قانون با تغییراتی در استانداردها، ارزش‌ها، و رفتارها، همانند آنچه در چهارمین راهبردهای نمونه و اقدامات عملی حذف خشونت علیه زنان در حوزه پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری مطرح شده (در این جا "راهبردهای نمونه" خوانده می‌شود)⁴، همراه شود.

این کتاب *راهنما* برای کمک و راهنمایی افسران پلیس برای پیشگیری از خشونت علیه زنان و پاسخ به آن طراحی شده است. با این که در همه‌جای دنیا کاربرد دارد، هدف اولیه آن کشورهای در حال گذار و در حال توسعه است که هنوز ابزارهای سازمانی برای حفاظت از زنان در برابر خشونت را ابداع یا اجرا نکرده‌اند. این کتاب به حقوق قربانیان و متخلفان، هر دو، می‌پردازد.

پلیس در خط مقدم نظام دادرسی کیفری قرار دارد. آن‌ها اغلب در زمان رخداد یک عمل خشونت‌آمیز یا با فاصله کوتاهی بعد از آن فراخوانده می‌شوند. پلیس با قربانی، متخلف، شاهدان، و انواع مختلفی از شواهد روبرو می‌شود. واکنش و پاسخ آنان به همه طرف‌های درگیر می‌تواند تأثیر به‌سزایی در مسیر اتفاقات آینده، مانند پیشگیری از اعمال خشونت‌آمیز بعدی و

³ United Nations, *Treaty Series*, vol. 1249, No. 20378

⁴ General Assembly resolution 52/86, annex.

حفاظت از قربانی داشته باشد. برای مثال، هنگام تکرار يك خشونت خانگی، پاسخ پلیس می‌تواند به قربانیان کمک کند که یک رابطه خشونت‌آمیز را ترک کنند یا برعکس، با ایجاد این باور که هیچ چیز و هیچ‌کس نمی‌تواند کمکی کند و آزارشان کند در آن شرایط خشن و آسیب‌زننده باقی بمانند.

پلیس می‌تواند از طریق بهبود عملکرد خود و تضمین دسترسی بیش‌تر زنان به خدماتی مانند سرپناه، مشاوره و مساعدت حقوقی، ارتقای وضعیت ارایه شواهد در جریان دادگاه، و به‌کارگیری اقداماتی در حفاظت از قربانی و شاهد، هردو، نقش بارزی در بهبود وضعیت زندگی همه زنان داشته باشد.

مدت مدیدی است که از پلیس به‌خاطر حفاظت ناکافی از زنان در مقابل خشونت و نگرش بی‌تفاوت نسبت به این مشکل انتقاد می‌شود. اگرچه، پلیس تنها بخشی از نظامی بسیار وسیع‌تر است و مداخله‌ی هماهنگ، مؤثر و مشارکتی دادگاه‌ها، زندان‌ها، جوامع، سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن)، و جامعه مدنی برای حفاظت از زنان در برابر خشونت الزامی است.

طراحی این کتاب *راهنما* برای آشنایی افسران پلیس با قوانین، هنجارها، و استانداردهای بین‌المللی مرتبط با خشونت علیه زنان و آگاه‌سازی آنان از رویکردهای عملی نویدبخش در پاسخ مؤثر پلیس به اعمال خشونت‌بار علیه زنان است.

امید می‌رود پلیس‌هایی که در خط مقدم پاسخ‌گویی قرار دارند، بازپرسان، سرپرستان، و مدیران همه از توضیحات ارایه شده در این کتاب در مورد راهبردها، تجربه‌ها، و رویه‌های مناسب برای کمک به نیروهای پلیس در ارتقای سطح امنیت و سلامت زنان در جوامع‌شان بهره‌گیرند.

وقتی صحبت از قابلیت انتقال تجربه‌های خوب است باید به خاطر داشت که حتا برای اقتباس و اجرای بهترین و مؤثرترین مدل‌های حوزه‌های قضایی مختلف، باز هم معمولاً تغییراتی برای انطباق با زمینه و شرایط محلی نیاز است.

برای کسانی که درگیر تدوین و اجرای برنامه‌های آموزشی پلیس هستند، یک درس‌نامه آموزشی همراه با این کتاب *راهنما* تدوین شده که آن‌لین در وب‌سایت دفتر مقابله با جرم و مواد سازمان ملل (UNODC) موجود است.

با این که تمرکز این کتاب بر خشونت خانگی و خشونت در روابط (شامل تجاوز) است، سایر اشکال خشونت هم در نظر گرفته می‌شود. امید می‌رود مطالب مطرح شده بتواند زمینه‌ی بحث و بررسی آزاد را در مورد خشونت علیه زنان و آنچه برای کمک به ریشه‌کنی این همه‌گیری جهانی قابل انجام است تقویت کند.

این کتاب *راهنما* به هفت فصل و دو ضمیمه تقسیم شده است. کتاب با توصیف زمینه‌ی موضوع و شرح انواع مختلف خشونت علیه زنان و پاسخ‌های نظام دادرسی به این اعمال شروع می‌شود. هدف این فصل (فصل ۱-الف) ارتقای سطح آگاهی عمومی خواننده در مورد اشکال مختلف خشونت علیه زنان است. سپس کتاب معاهده‌ها و استانداردهای قابل اجرا را در سطح بین‌المللی و تعهدات کشورها، به‌خصوص موارد کاربردی آن را برای پلیس مشخص می‌کند. تمرکز کتاب *راهنما* عمدتاً بر انواع پاسخ‌های پلیس به خشونت علیه زنان، شامل نقش پلیس در پیشگیری از جرم، تحقیق در مورد آن، و حفاظت از قربانیان و شاهدان است. مسائلی مانند ارزیابی و اداره تهدید (علیه شاهدان و قربانیان)، همچنین برنامه‌ریزی امنیت شخصی قربانیان و نقش نهادها و خدمات حمایتی در حفاظت از زنان نیز بررسی شده است. پیگرد قانونی نیز در کتاب بحث شده چرا که به مشارکت بین‌سازمانی و نیاز به هماهنگی خدمات مختلف برای کمک به تقویت ایمنی زنان مرتبط است. ضمائم کتاب به پلیس در تحقیقات و یادگیری‌های آینده کمک می‌کند.

الف. تعیین وضعیت موجود

خشونت علیه زنان و دختران هنوز به همان شدت گذشته در همه قاره‌ها، کشورها، و فرهنگ‌ها ادامه دارد. خشونت آسیب‌های مخریبی به زندگی زنان، خانواده‌شان، و کل جامعه وارد می‌آورد. بیش‌تر جوامع خشونت را نهی می‌کنند، با این وجود حقیقت این است که اغلب بر آن سرپوش گذاشته یا به‌طور ضمنی از آن چشم‌پوشی می‌کنند.

پیام دبیر کل در روز جهانی زن، ۸ مارس ۲۰۰۷

خشونتی که متوجه زنان است می‌تواند اشکال مختلفی داشته و عواقب مهلکی را به همراه آورد و در واقع نیز چنین می‌کند. می‌تواند آشکار یا نهان باشد، کلامی، روانی، یا جسمی بوده، و متوجه هر یک از افراد جامعه شود. خشونت علیه زنان می‌تواند اشکال مختلفی به‌خود بگیرد مانند جنسی، بهره‌کشی، اقتصادی، یا سوءاستفاده مذهبی/معنوی. ممکن است همراه با قاچاق انسان، معیوب‌سازی اجباری دستگاه تناسلی، یا به شکل تجاوز به‌عنوان سلاحی برای ایجاد رعب یا تصفیه قومی، یا آزار (جنسی) باشد. خشونت ممکن است در خانه، محل کار، مؤسسه‌های عمومی مانند زندان‌ها اتفاق افتد، و می‌تواند در تمام طول زندگی یک زن رخ دهد. خشونت از همه سنین، فرهنگ‌ها، و گروه‌های فرهنگی و اعتقادی گذر می‌کند.

با توجه به این که خشونت خود را به شکل‌های مختلفی آشکار می‌کند، هیچ تعریف واحدی که مورد قبول همگان باشد در مورد این پدیده وجود ندارد. اصول راهنمایی که در تهیه این کتاب راهنما استفاده شده بر مبنای تعریف ارائه شده در ماده ۱ و ۲ اعلانیه حذف خشونت علیه زنان (بالا را ملاحظه کنید) است که مجدداً در اعلانیه پکن و خط‌مشی برای اقدام، پذیرفته شده در چهارمین کنفرانس جهانی زنان تأیید شده است.^۵

برای مقابله با همه اشکال خشونت علیه زنان که در اعلانیه پوشش داده شده است، لازم است در سطح ملی طرح‌های عملی که دربرگیرنده وجوه مختلف است طراحی و اتخاذ شود. در سال ۱۹۹۷، ضمیمه‌ای با عنوان "راهبردهای نمونه و اقدامات عملی برای حذف خشونت علیه زنان در حوزه پیشگیری از جرم و دادرسی کیفری" به قطع‌نامه ۸۶/۵۲ مجمع ملی در زمینه پیشگیری از جرم و اقدامات دادرسی کیفری برای حذف خشونت علیه زنان منضم شد. آن سند مجموعه‌ای جامع از راهبردها و اقدامات عملی برای پاسخ به همه اشکال خشونت علیه زنان را عرضه می‌کند. پلیس بخشی از این رویکرد جامع، اما تنها یک جزء آن است.

هزینه اقتصادی خشونت علیه زنان قابل ملاحظه است. برای مثال، در ایالات متحده آمریکا، گزارش سال ۲۰۰۳ مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری‌ها تخمین زد که هزینه خشونت علیه شریک زندگی تنها در ایالات متحده بیش از ۵٫۸ بلیون دلار است که ۴٫۱ بلیون دلار آن مستقیماً صرف خدمات پزشکی و سلامت می‌شود و هزینه از دست دادن کارایی تقریباً ۱٫۸ بلیون دلار است.^۶

- در سراسر دنیا حداقل یک زن از هر سه زن و دختر در تمام طول عمر کتک خورده یا مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفته است^۷
- مرگ نیمی از زنانی که به علت خشونت جان خود را از دست داده‌اند به دست کسی بوده که با او رابطه‌ای نزدیک داشته‌اند^۸

⁵ Report of the Fourth World Conference on Women, Beijing, 4-15 September 1995 (United Nations publication, Sales No. E.96.IV.13), chap. 1, resolution 1, annexes I and II.

⁶ United States of America, Department of Health and Human Services, Centers for Disease Control and Prevention, *Costs of Intimate Partner Violence against Women in the United States* (Atlanta, National Center for Injury Prevention and Control, 2003): As cited in United Nations Development Fund for Women, "Violence against women: facts and figures", November 2007. Available from www.unifem.org/gender_issues/violence_against_women/facts_figures.php.

⁷ State of World Population 2000: *Lives Together, Worlds Apart: Men and Women in a Time of Change* (United Nations publication, Sales No. E.00.III.H.1). Available from www.unfpa.org/swp/2000/english/index.html.

- خشونت بین فردی یکی از علل عمده مرگ در زنان سنین ۱۵-۴۴ سال است^۹
- سالانه بین ۶۰۰،۰۰۰ تا ۸۰۰،۰۰۰ نفر از مرزهای بین‌المللی قاچاق می‌شوند. تخمین زده می‌شود که حدود ۸۰٪ آن‌ها زنان و دختران، و بالغ بر ۵۰٪ آن‌ها از اقلیت‌ها هستند.^{۱۰}
- مطالعات ارتباط فزاینده‌ای را بین خشونت علیه زنان و گسترش اچ‌آی‌وی/ایدز آشکار کرده‌اند

عواقب خشونت برای قربانیان می‌تواند بسیار مخرب باشد؛ هم قربانیان اولیه و هم قربانیان ثانویه مانند کودکانی که شاهد این صحنه‌ها بوده‌اند. زنانی که خشونت را تجربه می‌کنند از طیفی مشکلات سلامت رنج می‌برند و توانایی‌شان برای امرار معاش و مشارکت در جامعه کاسته می‌شود. فرزندان آن‌ها به میزان قابل ملاحظه‌ای در خطر مشکلات سلامت، عملکرد ضعیف در مدرسه، و اختلالات رفتاری هستند.^{۱۱}

در بسیاری از کشورها برخی زمینه‌های مشترک بین زنان قربانی مشهود است:

- الف. گزارش خشونت خانگی و تهاجم جنسی (از قبیل تهاجم بدنی به کودکان) به نظام‌های دادرسی کیفری (و سایر سیستم‌ها مانند بخش سلامت و رفاه کودک) بسیار پایین‌تر از موارد وقوع آن است؛
- ب. وقتی موارد به نظام دادرسی گزارش می‌شود، همیشه رفتار با قربانیان با رویکردی حساس به جنسیت نیست، که می‌توان دسترسی به مساعدت قضایی و خدمات سلامت را مثال زد؛
- پ. مرتکبان خشونت مرتبط با جنسیت اغلب به مقامات معرفی نمی‌شوند.

خشونت بدنی

خشونت بدنی نسبت به زنان شامل مشت، لگد، سیلی، و سایر اشکال تهاجم جسمی است که می‌تواند نشانه‌هایی مانند اثر زخم، خراشیدگی، کبودی، و شکستگی به‌جا گذارد. شدت جراحات می‌تواند متفاوت باشد. برخی اثرات گذرا دارد در حالی که برخی دیگر نشانی دایمی به‌جا می‌گذارد مانند اثر سوختگی، و در برخی موارد منجر به مرگ زنان می‌شود.

چنین حمله‌هایی می‌تواند در خانه، اجتماع، محل کار، یا حتا در مؤسسه‌های دولتی رخ دهد.

خشونت ممکن است به شکل ضربه زدن، لگد زدن، خراش دادن، گاز گرفتن، فشار دادن گلو، کتک زدن، کشیدن مو، هل دادن، خفه کردن یا نیشگون گرفتن باشد. مهاجم ممکن است از سلاح‌های مختلف (چاقو، خنجر، اسلحه، و غیره)، اشیاء (صندلی، لیوان، بطری شیشه‌ای، کمر بند و کفش، وسایل آشپزی، دسته جارو، و غیره) یا ابزار (بیل، بیلچه، چکش، آچار یا سیم) استفاده کند. مهاجم ممکن است با استفاده از موادی مانند الکل، نفت، اسید، آب یا روغن داغ ایجاد سوختگی کند. زنان ممکن است مجبور به خوردن داروهای غیرضروری، مصرف مشروبات الکلی، مواد روان‌گردان یا سایر مواد شوند.

زنان در همه سنین ممکن است قربانی خشونت مرتبط با جنسیت شوند که شامل نوزادان، کودکان، دختران جوان، زنان حامله و شیرده، و افراد مسن نیز می‌شود. هیچ زنی از تهدید خشونت در امان نیست.

⁸ Etienne G. Krug and others, eds., *World Report on Violence and Health* (Geneva, World Health Organization, 2002).

⁹ World Health Organization, "Violence against women", Fact sheet No. 239, November 2008. Available from www.who.int/mediacentre/factsheets/fs239/en

¹⁰ United States, Department of State, Office of the Under Secretary for Democracy and Global Affairs and Bureau of Public Affairs, *Trafficking in Persons Report: June 2007* (Washington, D.C., 2007).

¹¹ *Ending Violence Against Women: From Words to Action. Study of the Secretary-General* (United Nations publication, Sales No. E.06.IV.8).

خشونت خانگی/ خشونت در روابط/ خشونت نسبت به شریک زندگی/ آزار همسر

خشونت خانگی شامل حمله بدنی، روانی، و جنسی به زنان در خانه یا در محیط خانواده است. خشونت را ممکن است فرد دیگری در خانواده غیر از همسر مرتکب شود (مانند پسر، مادر شوهر، یا سایر بستگان) و همچنین ممکن است شوهر مرتکب خشونت شود که آن را " همسرآزاري " می‌نامند.

در خانواده آزار همسر می‌تواند به شکل بهره‌کشی جنسی از زنان، مضایقه از فراهم کردن پول، سرپناه، غذا، یا مراقبت پزشکی، یا ممانعت از کار کردن یا کنترل انتخاب نوع کار باشد. خشونت می‌تواند به شکل استفاده از باورهای معنوی یا دینی زنان برای به بازی گرفتن، کنترل و تسلط بر آنان باشد. می‌تواند به شکل منع انجام فرایض دینی یا معنوی، یا به مسخره گرفتن آن باشد.^{۱۲}

مفهوم خشونت علیه زنان در همسرآزاري در واقع سوءاستفاده از قدرت و کنترل است و در نتیجه گاهی خشونت نه تنها متوجه زنان در رابطه‌ای نزدیک می‌شود، بلکه اغلب کودکان، حیوانات خانگی، بستگان، دوستان، خانواده و سایر حمایت‌کنندگان را نیز دربرمی‌گیرد.

به دلایل زیر گزارش خشونت، تعقیب عمل قانونی، یا خاتمه‌ی رابطه اغلب برای یک زن دشوار است:

- ترس از سلامت خود و فرزندان
- ترس از این که همسر ابراز کند او مادر خوبی نیست و با ایجاد هراس در کودکان آن‌ها را از او دور کند
- تأثیر بستگان و فرزندان
- وابستگی عاطفی و وفاداری به فرد آزارگر
- اعتماد به نفس پایین و سرزنش خود
- وابستگی اقتصادی به فرد آزارگر
- ارزش‌های دینی یا فشار فرهنگی جامعه
- در مورد زنان مهاجر، ترس از اخراج از کشور
- انزوای اجتماعی و نبود سیستم حمایتی
- انکار، کوچک‌شماری، یا توجیه شدت خشونت از طرف مسؤلان
- نبود اطلاعات حقوقی در مورد حقوق قربانی.^{۱۳}

¹² Canada, Department of Justice, "Spousal abuse fact sheet from the Department of Justice Canada", modified on 31 July 2009. Available from www.justice.gc.ca/eng/pi/fv-vf/facts-info/sa-vc.html (accessed 30 September 2009).

¹³ Canada, British Columbia, Ministry of Public Safety and Solicitor General, "Violence against women in relationships: information bulletin for police", 2006. Available from www.pssg.gov.bc.ca/victim_services.

سوءاستفاده جنسی و تجاوز

سوءاستفاده جنسی مجموعه‌ای از اعمال جنسی، روان‌شناختی، و جسمی است که به زور علیه زنان در همه سنین-از نوزادی تا پیری- اعمال می‌شود. این اعمال شامل همه اشکال رابطه جنسی بدون رضایت طرفین، آزار جنسی و بهره‌کشی جنسی و شامل تجاوز، اجبار به شرکت در رابطه‌ی جنسی ناخواسته، پرخطر، و تحقیرآمیز، و روسپیگری اجباری است.

ارتکاب خشونت جنسی می‌تواند توسط یک شریک جنسی، از جمله همسر باشد، یا فردی از خانواده، دوست، همکار، آشنا، یا غریبه آن را مرتکب شود.

بر اساس مطالعه‌ی عمیق دبیر کل در سال ۲۰۰۶، تخمین شیوع خشونت جنسی توسط افرادی غیر از شریک جنسی دشوار است چون در بسیاری از جوامع زنان و خانواده‌ها خشونت جنسی را موضوعی می‌دانند که عمیقاً موجب شرمساری است و آن را نزد خود نگه می‌دارند. برای مثال، آمار استخراج‌شده‌ی تجاوز از پرونده‌های پلیس به علت عدم گزارش بسیاری از موارد آشکارا غیر قابل اعتماد است.^{۱۴} تخمین زده می‌شود که در سراسر دنیا یک زن از هر پنج زن در طول زندگی قربانی تجاوز یا تلاش برای تجاوز می‌شود.^{۱۵}

در بسیاری از جوامع زنانی که خشونت جنسی را تجربه می‌کنند به‌خاطر ترس از شرمساری، انزوا، طرد، یا انتقام، و ترس از جدی گرفته نشدن گزارش یا عدم اقدام مقام‌های قضایی، جرم را گزارش نمی‌کنند. رسیدگی مناسب به آسیب وارد آمده بر تعداد بی‌شماری از قربانیان وجود ندارد و هیچ التیامی به جراحات جسمی و روانی آنان داده نمی‌شود. در برخی محیط‌ها، فرهنگ‌ها، و کشورها، ممکن است قربانی را در قبال خشونت روا شده مسؤول بدانند و در این شرایط شاید قربانی خشونت بیشتری را هم متحمل شود. در برخی فرهنگ‌ها، یک فرد مذکر خانواده با ادعای یک مسأله ناموسی قربانی را به قتل می‌رساند. در سایر جوامع، قانون تجاوز توسط همسر را جرم نمی‌شناسد.

خشونت علیه زنان در شرایط بعد از نزاع، و جوامع در حال گذار

زنان در شرایط نزاع و بعد از نزاع و در حکومت‌های در حال گذار در خطر چشمگیر خشونت هدفمند هستند. زنان ممکن است در شرایط مختلفی قربانی شوند؛ در شرایط نزاع و بعد از آن در سرزمین مادری، در خانه یا به‌عنوان آوارگان داخلی یا پناهندگانی در کشور دیگر.

در وضعیت بعد از نزاع یا در شرایط در حال گذار ممکن است با گذر زمان خطر خشونت کاهش یابد اما هنوز ممکن است دولت نتواند حفاظتی برای زنان فراهم کند یا اگر هم خدماتی موجود باشد بسیار ناچیز است. دسترسی به خدمات اجتماعی، حفاظتی، جبران قانونی خسارت، منابع پزشکی، و مکانی برای پناهجویی اغلب برای بسیاری از قربانیان فراهم نیست. قوانین ضعیف، ناکارآمد، و ناموجود می‌تواند فرهنگ مصونیت برای متخلفان را ایجاد کند.

طبق مطالعه دبیر کل در سال ۲۰۰۶ با عنوان *پایان دادن به خشونت علیه زنان: از صحبت تا عمل* (صفحه ۵۳):

"در شرایط نزاع مسلحانه، زنان همه اشکال خشونت جسمی، جنسی، و روانی را که هم عاملان حکومتی و هم غیرحکومتی مرتکب می‌شوند تجربه می‌کنند. این اشکال شامل قتل، کشتار غیرقانونی، شکنجه، و سایر رفتارها و تنبیه‌های ظالمانه، غیرانسانی، و تحقیرآمیز، آدم‌ربایی، ایجاد ضرب‌وجرح و قطع عضو، سر بازگیری اجباری از بین زنان، تجاوز، بردگی جنسی، بهره‌کشی جنسی، ناپدید شدن اجباری، حبس اختیاری، ازدواج اجباری، روسپیگری اجباری، سقط اجباری، حاملگی اجباری، و عقیمی اجباری است.

¹⁴ *Ending Violence against Women*, p. 48.

¹⁵ United Nations Development Fund for Women, "Violence against women: facts and figures", November 2007. Available from www.unifem.org/gender_issues/violence_against_women/facts_figures.php

"خشونت جنسی در زمان نزاع مسلحانه به دلایل مختلفی اعمال می‌شود. ممکن است به شکل نوعی شکنجه، برای ایجاد جراحت، کسب اطلاعات، تحقیر و ارباب، و یا نابودی جوامع باشد. از تجاوز به زنان برای تحقیر مخالفان، بیرون راندن جوامع و گروه‌ها از سرزمین‌شان، و برای گسترش عامدانه اچ‌آی‌وی استفاده می‌شود."

در برخی نزاع‌ها، از تجاوز به‌عنوان ابزار تصفیه قومی استفاده می‌شود.

تخمین زده می‌شود که در نسل‌کشی سال ۱۹۹۴ در رواندا به ۲۵۰،۰۰۰ تا ۵۰۰،۰۰۰ زن تجاوز شد، در بوسنی و در دوره نزاع در اوایل دهه ۹۰ میلادی به ۲۰،۰۰۰ تا ۵۰،۰۰۰ زن تجاوز شد، و در دوره نزاع مسلحانه در سال ۱۹۷۱ در بنگلادش به حدود ۲۰۰،۰۰۰ زن و دختر تجاوز شد.^{۱۶}

گزارش‌هایی از برخی کشورهای در شرایط نزاع یا در حال گذار وجود دارد که نیروهای حافظ صلح مرتکب اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان شده‌اند که شامل تجاوز و اجبار کودکان به روسپیگری نیز بوده است.

پلیس در جوامع در دوره بعد از نزاع یا در حال گذار، برای حفاظت از زنان در برابر خشونت و پاسخ مؤثر به چنین اعمالی با چالش‌های زیادی مواجه می‌شود. قوانین مرتبط یا وجود ندارد یا بی‌تأثیر است، منابع ممکن است قلیل باشد، ممکن است فرهنگ مصونیت (متخلف) شایع باشد و نهادها و خدمات حمایتی برای حفاظت از زنان ممکن است بسیار محدود باشد.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

صندوق توسعه ملل متحد برای زنان در لیبریا در کمک به تضمین حفظ حقوق زنان توسط حافظان صلح و به منظور ارتقای وضعیت زنان در مقام‌هایی با اقتدار و قدرت آشکار، اقدام به ایجاد نیرویی از حافظان صلح کرده که تماماً از زنان تشکیل شده است. این نیرو که از ۱۰۰ افسر پلیس زن هندی با تعلیمات عالی تشکیل شده به زنان لیبریایی کمک می‌کند تا برای طرح شکایت‌های خود از قربانی شدن قدم جلو گذاشته و همچنین برای دسترسی به خدمات لازم به آن‌ها کمک می‌کند. در عین حال این زنان پلیس به عنوان الگو عمل می‌کنند تا دیگر زنان را به پیوستن به خدمات پلیس لیبریا تشویق کنند. هدف محلی این است که زنان با مدرک دیپلم دبیرستان ۲۰ درصد نیروی پلیس را تشکیل دهند و برای رسیدن به این هدف تلاش‌هایی در حال انجام است.

مبنای این برنامه قطع‌نامه شماره ۱۳۲۵ شورای امنیت (سال ۲۰۰۰) است که در آن درمورد تأثیرات مخرب نزاع مسلحانه بر زنان و کودکان ابراز نگرانی شده و از کشورهای عضو خواسته شده است افزایش حضور زنان را در همه سطوح ملی، منطقه‌ای، و بین‌المللی تصمیم‌گیری در همه‌ی سازمان‌ها و سازوکارهای مرتبط با پیشگیری، اداره و حل نزاع تضمین کنند، هنگام مذاکره و استقرار توافقات صلح از تمام عاملان بخواهند که دیدگاه جنسیتی را در تصمیم‌گیری‌ها وارد کنند، و تمام طرف‌های درگیر در نزاع مسلحانه را به حفاظت از زنان و دختران در برابر خشونت مرتبط با جنسیت، به‌خصوص تجاوز و سایر اشکال سوءاستفاده جنسی، و سایر اشکال خشونت در شرایط نزاع مسلحانه فرا خوانند.

در رواندا، صندوق سپرده ملل متحد در حمایت از فعالیت‌های مرتبط با حذف خشونت علیه زنان پروژه‌ای را برای آموزش در زمینه حقوق بشر زنان و خشونت علیه زنان برای زنانی که پیش‌تر جنگجو بودند پیش برد. بسیاری از این زنان خود در دوره نزاع مسلحانه قربانی خشونت جنسی شده بودند. آموزش فضای امنی برای زنان ایجاد کرد که بتوانند در مورد خشونت و آسیبی که دیده بودند صحبت کنند. همچنین تلاش بر این بود که زن‌ها برای ایفای نقشی پیشرو در مبارزه با خشونت جنسی و اچ‌آی‌وی/ایدز در جوامع‌شان توانمند شوند.

¹⁶ NGO Working Group on Women, Peace and Security, "Fact sheet on women and armed conflict", 23 October 2002. Available from www.iwtc.org/212.html

قاچاق زنان و دختران جوان^{۱۷}

در پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان، مکمل معاهده سازمان ملل در مورد جنایات سازمان‌یافته فراملیتی،^{۱۸} "قاچاق انسان" چنین تعریف شده است: "جمع کردن، حمل‌ونقل، انتقال، پیاده کردن، و دریافت افراد با استفاده از تهدید یا اجبار یا سایر اشکال توسل به زور، آدمربایی، شبادی، فریب، سوءاستفاده از قدرت یا از موقعیت آسیب‌پذیر افراد یا دادن و گرفتن مبالغی یا منافعی برای کسب رضایت فردی که کنترل فرد دیگری را در دست دارد، به منظور بهره‌کشی" (ماده ۱۳ (a)). قربانی کردن زنان و کودکان دختر شامل بهره‌کشی جنسی، کار یا خدمات اجباری، یا اعمالی مشابه بردگی و رعیتی یا برداشتن اعضا می‌شود.

آنچنان که در پروتکل قاچاق انسان تعریف شده است، عنصر رضایت اجباری، عمل قاچاق انسان را از قاچاق مهاجران متفاوت می‌کند (هرچند وقتی صحبت از قاچاق مهاجران است مسأله "رضایت" دیگر وارد نیست). با این که قاچاق مهاجران اغلب در شرایطی پست و خطرناک صورت می‌گیرد اما مهاجرانی که خود را در آن درگیر می‌کنند به این عمل رضایت دارند. از سوی دیگر، قربانیان قاچاق انسان یا به این عمل رضایت نداشته یا اگر در ابتدا راضی بوده‌اند، این رضایت با اعمال اجباری، فریبکارانه و همراه با سوءاستفاده قاچاق‌چیان بی‌معنی می‌شود.

قاچاق مهاجران همیشه بین‌کشوری است اما قاچاق انسان ممکن است این‌طور نباشد. قاچاق انسان می‌تواند از کشوری به کشور دیگر باشد یا در همان کشور از نقطه‌ای به نقطه دیگر باشد.^{۱۹}

در تمام موارد قاچاق انسان، کودکان قربانی محسوب می‌شوند. مبنای این وضعیت حقوق و معاهده‌های بین‌المللی است. اگرچه در بسیاری از کشورها کودکان قاچاق‌شده توقیف و محبوس شده و با آن‌ها مانند مجرمان رفتار می‌شود. اغلب حمایت، مراقبت، و آموزش یا توجه پزشکی در زمان حبس برای آن‌ها فراهم نمی‌شود و گاهی سریعاً استرداد می‌شوند.

علی‌رغم تلاش فراوان کشورها، قاچاق انسان سومین فعالیت جنایی سودآور فراملیتی بعد از قاچاق مواد و تجارت غیرقانونی اسلحه است.^{۲۰} گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۰۴ مطرح کرد که سود بین‌المللی سالانه از قاچاق انسان بین ۷ میلیارد تا ۱۰ میلیارد دلار است. سازمان بین‌المللی مهاجرت تخمین می‌زند که نزدیک به یک سوم کل موارد قاچاق انسان مربوط به زنان و کودکانی از جنوب شرق آسیا است. حدود ۶۰ درصد این موارد به‌تنهایی در منطقه اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا رخ می‌دهد و ۴۰ درصد بقیه مربوط به سایر مناطق دنیا است.^{۲۱} این باور وجود دارد که تعداد زیادی از مردمی که قاچاق می‌شوند، از جمله کودکان، نهایتاً مجبور به وارد شدت در نوعی بهره‌کشی جنسی تجاری می‌شوند.

قاچاق و بهره‌کشی از کودکان، به‌خصوص دختران، به دلایل مختلف از جمله موارد زیر رخ می‌دهد:

الف) فرهنگ مصونیت. در برخی مناطق و کشورها نوعی فرهنگ اجتماعی، سیاسی، و قانونی مصونیت برای بهره‌کشی وجود دارد که منجر به ترغیب تقاضا برای خدمات بهره‌کشی جنسی مانند روسپیگری کودک می‌شود؛

ب) تقاضای مشتری برای روسپیگری کودک؛

¹⁷ While this Handbook is not meant to deal with the problems of human trafficking in detail, readers can refer to the *Toolkit to Combat Trafficking in Persons* (United Nations publication, Sales No. E.08.V.14). Available from www.unodc.org/documents/human-trafficking/HT_Toolkit08_English.pdf

¹⁸ United Nations, *Treaty Series*, vol. 2237, No. 39574

¹⁹ leaflet entitled "Trafficking in persons" is available from www.unodc.org/documents/human-trafficking/HtleafletA5EnglishupdatedAugust09.pdf.

²⁰ Cheah Wuling, "Assessing criminal justice and human rights models in the fight against sex trafficking: a case study of the ASEAN region", *Essex Human Rights Review*, vol. 3, No. 1 (2006), pp. 46-63.

²¹ International Organization for Migration, *Combating Trafficking in South East Asia: A Review of Policy and Programme Responses*, IOM Migration Research Series No. 2, (2000).

پ) نگرش‌های تبعیض‌آمیز و پیش‌داوری مشتریان، شامل ترجیح برخی از آن‌ها برای گروه‌های سنی، جنسیتی، نژادی، قومی، دارای رنگ پوست و وضعیت اجتماعی خاص که در ایجاد نیاز برای بهره‌کشی جنسی نقش دارد. به این شکل که یک انسان (کودک) را "قابل استفاده" تعریف می‌کند. این تبعیض برخی از قربانیان، به‌خصوص دختران جوان را از دایره عمل حفاظتی دولت‌ها پنهان و خارج می‌کند؛

ت) نزاع مسلحانه و بی‌ثباتی سیاسی باعث می‌شود کودکان به چنگ قاچاق‌چینی بیافتند که آن‌ها را با وعده‌ی زندگی بهتر در جای دیگر تطمیع می‌کنند. در واقع، قربانیان به محل جدیدی منتقل می‌شوند که در آن قربانی شده و مورد بهره‌کشی قرار می‌گیرند. در برخی مناطق از روسپیگری اجباری و تجاوز به‌عنوان ابزار سیاسی برای ایجاد وحشت، انقیاد، و تحقیر استفاده می‌شود. ممکن است قربانیان حس احترام به خود و ارزش برای خود را از دست دهند، جامعه و خانواده آن‌ها را از حقوق‌شان محروم کند و به عنوان تنها راه بقا و داشتن سرپناه به روسپیگری کشانده شوند.

در برخی موارد پاسخ پلیس به قاچاق زنان و کودکان به‌علت حضور گروه‌های درگیر در جنایات سازمان‌یافته فرامی‌تواند، فقدان یا ضعف قوانین مرتبط و پاسخ غیرمؤثر دولت با پیچیدگی‌هایی مواجه است. در بسیاری موارد قربانیان می‌ترسند با پلیس همکاری کنند که می‌تواند به‌خاطر هراس از انتقام قاچاق‌چیان یا ترس از استرداد به کشور خود باشد، جایی که ممکن است با آن‌ها مثل بیگانه‌ها رفتار شود یا در معرض خشونت و سوءاستفاده بیشتر قرار گیرند. در مناطق دیگر پلیس ممکن است حتا از وسعت قاچاق آگاه نبوده یا برای مقابله با آن به‌خوبی مجهز نباشد.

ارتکاب خشونت توسط افراد در مصدر قدرت یا توسط دولت

دولت از طریق نهادها یا به‌واسطه ختمشی عمومی خود می‌تواند مرتکب خشونت جسمی، جنسی، و روانی علیه زنان شود.^{۲۲} این خشونت ممکن است در پاسگاه‌های پلیس، بازداشتگاه‌ها، زندان‌ها،^{۲۳} ایستگاه‌های مرزی، مراکز خدمات سلامت یا دفاتر مددکاری اجتماعی رخ دهد و می‌تواند به صورت تجاوز، آزار جنسی یا سایر اشکال تحقیر باشد.

بر اساس مطالعه دبیر کل (صفحه ۵۲):

" دولت ممکن است خشونت علیه زنان را از طریق قوانین و سیاست‌هایش اعمال کند. مثال‌هایی از این قوانین و سیاست‌ها شامل جرم‌انگاری رفتار جنسی زنان که با رضایت خودشان بوده به‌عنوان ابزاری برای کنترل آنان؛ سیاست‌های عقیم‌سازی اجباری، حاملگی و سقط اجباری؛ سیاست‌های حضانت حفاظتی از زنان که در واقع آن‌ها را به‌نحو مؤثری زندانی می‌کند؛ و سایر قوانین و سیاست‌ها شامل آزمایش باکرگی و و دادن مجوز قانونی به ازدواج اجباری است که خودمختاری و عاملیت زنان را در عمل به رسمیت نمی‌شناسد و کنترل مردان بر زنان را مشروع می‌داند. همچنین دولت‌ها ممکن است به‌واسطه قوانین ناکافی یا اجرای ناموفق قوانین از خشونت علیه زنان چشم‌پوشی و مصونیت مؤثری برای اعمال مرتکبان خشونت علیه زنان فراهم کنند."

هرجا که زنان از آزادی‌هایشان محروم می‌شوند آسیب‌پذیرتر می‌شوند. اعمال خشونت‌بار علیه زنان محبوس در همه کشورهای دنیا گزارش شده است.

زنان خطر خشونت را توسط دولت و افراد در مصدر قدرت نیز لمس می‌کنند. این اتفاق ممکن است در محیط‌های حفاظتی مانند بازداشتگاه، زندان، تسهیلات مراقبت سلامت، مراکز نگهداری مهاجران، تسهیلات بهداشتی و اردوگاه‌های پناهمجویان و آوارگان رخ دهد. در چنین مکان‌هایی خشونت می‌تواند شکلی آشکار مانند تجاوز، آزار و تحقیر جنسی داشته باشد، یا

²² Ending Violence against Women ... , op. cit., p. 51.

²³ UNODC has recently published a Handbook for Prison Managers and Policymakers on Women and Imprisonment (United Nations publication, Sales No. E.08.IV.4). Available from www.unodc.org/documents/justice-and-prison-reform/women-and-imprisonment.pdf.

زمانی که نظارت ناکافی است مثلاً در حمام یا دستشویی بوده و یا به شکل برهنه کردن و جستجوی غیرضروری افراد یا حضور کارکنان مرد در آن زمان و مکان باشد.

رویه‌های سنتی آسیبرسان

در بسیاری از مناطق دنیا هنوز رویه‌های سنتی آسیبرسان برای زنان و دختران در برخی فرهنگ‌ها رسوخ دارد. مبنای این رویه‌ها می‌تواند فرهنگ یا مذهب باشد و اغلب از دید جامعه محلی از نظر فرهنگی پذیرفته شده است. آن‌ها می‌تواند شامل قتل ناموسی، قتل برای جهیزیه، معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان، آزمایش اجباری باکرگی، ازدواج، آیین‌های بیوگی، سقط انتخابی جنین‌های مؤنث، ارجح دانستن شیرخواران مذکر برای تغذیه و مراقبت و آیین‌های سن تکلیف برای دختران از قبیل داغ زدن، سوزاندن، خالکوبی یا اثر زخم باشد.

پرداختن به رویه‌های سنتی این‌چنین آسیبرسان که ریشه‌های عمیق فرهنگی و مذهبی دارد حساسیت زیادی را می‌طلبد. هرچند به کشورها خاطر نشان شده که/علائیه حذف خشونت علیه زنان همه دولت‌ها را به تقبیح و محکومیت همه اعمال خشونت‌آمیز علیه زنان فرامی‌خواند و آن‌ها نباید برای فرار از تعهدات خود در قبال حفاظت از زنان در برابر خشونت به رسوم، سنت‌ها و ملاحظات مذهبی متوسل شوند (ماده ۴).

پاسخ پلیس به رویه‌های سنتی آسیبرسان در برخی کشورها با چالش‌هایی مواجه شده چون قوانین ناتوان از شناختن این رویه‌ها به عنوان جرم یا ارایه حفاظت مناسب برای زنان است. گاهی پلیس با این اعمال مدارا می‌کند و یا حتی در آن دست دارد. در برخی شرایط وقتی جامعه مهاجران این رویه‌های سنتی آسیبرسان را به کشور جدید آورده ممکن است پلیس از آن‌چه در حال رخداد است مطلع نباشد یا برای تحقیق در مورد این جرایم و حفاظت از قربانیان و شاهدان با موانع زبانی و اجتماعی مواجه شود.

جرایم ناموسی

جرایم ناموسی، از جمله قتل، از قدیمی‌ترین اشکال خشونت مرتبط با جنسیت در تاریخ است. در این جرایم فرض بر این است که رفتار یک زن بر تمام خانواده و جامعه تأثیر دارد. اگر زنی عاشق شود، به دنبال طلاق حتماً از همسری خشن و آزارگر باشد، یا وارد رابطه‌ای خارج از چارچوب ازدواج شود، او را خدشه‌دار کننده آبروی خانواده و حتی کل جامعه می‌دانند. وقتی زنی درگیر چنین مسائلی شود در معرض خشونت اعضای خانواده خود قرار می‌گیرد که می‌تواند همسر، برادرها، عموزاده‌ها، عموها یا پدر باشد. در برخی فرهنگ‌ها، اگر خانواده نتواند جهیزیه مناسبی برای دختر فراهم کند او را به قتل می‌رساند تا موجب شرم و ننگ آنان در چشم جامعه محلی نباشد.

قتل ناموسی در میان همه انواع جرایم نزدیک‌ترین نوع آن (از نظر رابطه قربانی و مهاجم) محسوب می‌شود به این معنی که مرتکبان آن با عشق یا علاقه با آن زن پیوند دارند ولی حال لازم است حکم را اجرا و او را در خون خود بغلطانند. در برخی جوامع، پدر، برادر، یا عموزاده آشکارا اعلام می‌کند افتخار ارتکاب قتل را برای حفظ ناموس و آبروی خانواده داشته است. در برخی از این موارد، مسؤولان دادرسی محلی جانب خانواده را گرفته و هیچ اقدام رسمی برای پیشگیری از مرگ‌های مشابه انجام نمی‌دهند.

جرایم ناموسی هم‌چنین می‌تواند شامل از شکل انداختن زنان و اغلب از ناحیه صورت باشد. این کار گاهی با پاشیدن اسید، روغن داغ یا آب جوش به طرف آن‌ها انجام می‌شود. چنین جرایمی به دلایل مختلفی مانند عداوت‌های فامیلی، مشاجرات ملکی، امتناع از رابطه جنسی، امتناع از رابطه‌ای عاشقانه، ناتوانی از تأمین جهیزیه‌ی مطالبه شده، مشاجرات خانوادگی، رد یک خواستگاری، عداوت سیاسی، و غیره باشد. علاوه بر درد و رنج بی‌اندازه‌ی حمله با اسید، قربانیان برای تمام عمر از این انگ رنج می‌برند که به از دست دادن اعتماد به نفس و ناتوانی از کار و تحصیل، زندگی در شرمساری، پوشاندن بدشکلی با نقاب یا گزیدن گوشه عزلت می‌انجامد.

معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان

یکی از ظالمانه‌ترین اشکال کنترل تمایل جنسی در زنان و دختران معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان است. این عمل شامل همه روش‌های برداشتن کامل یا ناکامل دستگاه تناسلی خارجی زنان یا سایر جراحات به اعضای جنسی زنان است.²⁴ دلیلی که اغلب برای چنین آسیب‌هایی اظهار می‌شود کنترل میل جنسی زنان برای حفظ و حراست از بکارت آنان و در برخی جوامع برای کاهش میل جنسی زنان و حفاظت از وفاداری در ازدواج است.²⁵

در بدترین شرایط معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان می‌تواند مرگ‌آور باشد، منجر به خون‌ریزی، درد شدید، خطرانی برای سلامت جنسی و باروری زنان و خطر عفونت با بیماری‌های منتقل‌شونده از راه جنسی و اچ‌آی‌وی/ایدز شده و هم-چنین موجب آسیب‌های شدید روان‌شناختی شود. این کار اغلب در محیطی تاریک، در شرایط غیربهداشتی، و اغلب توسط زنان مسن که بینایی ضعیف دارند انجام می‌شود. در جوامع فقیرتر ابزاری مانند یک قطعه شیشه شکسته استفاده می‌شود. وقتی این کار روی نوزدانی انجام می‌شود که هنوز دستگاه تناسلی آنان تکامل کافی را ندارد، ممکن است اشتباهاتی رخ دهد چون بخش‌هایی از دستگاه تناسلی هنوز تمایز پیدا نکرده است.

در بخش‌هایی از دنیا که معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان رواج دارد، عبارت محلی "ختنه زنان" استفاده می‌شود و برای این که دختر در نهایت ازدواج کند و در جامعه به‌عنوان فردی بالغ پذیرفته شود رویه‌ای ضروری تلقی می‌شود.

هرجا که قانون معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان را منع می‌کند، از پلیس انتظار می‌رود تحقیقات کاملی انجام دهد، شواهد را جمع کند، از قربانیان و شاهدان محافظت کند، و نتایج تحقیق را به دادگاه تسلیم کند.

آیین‌های بیوگی

آخرین شکل رویه‌های آسیب‌رسان سنتی که در این‌جا بررسی می‌شود آیین‌های بیوگی است. در برخی فرهنگ‌ها هنگامی که شوهر زنی از دنیا می‌رود از او انتظار می‌رود یا حتا مجبور می‌شود مرتکب نوعی خودکشی آیینی شود. در برخی دیگر زنی که بیوه می‌شود باید به همسری نزدیک‌ترین خویشاوند مذکر شوهرش درآید. در معدودی از فرهنگ‌های دیگر زن بعد از مرگ شوهر از خانه و روستایش بدون هیچ حمایت و سرپناهی اخراج می‌شود. در هریک از این مثال‌ها حق یک زن برای تعیین سرنوشت از او سلب می‌شود که نوعی تجاوز بنیادی به حقوق بشر است.

مجددا انتظار می‌رود هرجا قانون چنین رویه‌هایی را ممنوع می‌کند پلیس تحقیقات کاملی انجام دهد. جرم‌شماری چنین رویه‌هایی و پاسخ مؤثر پلیس می‌تواند به پیشگیری از قربانی‌های آینده کمک کند.

جنایت علیه دختران جوان و کودکان

کودکان و دختران جوان به علت وابستگی به دیگران و عدم رشد و تکامل لازم آسیب‌پذیری ویژه‌ای به خشونت، سوء-استفاده و بهره‌کشی دارند. این‌ها شامل اشکال مختلف سوءاستفاده‌ی جنسی، بهره‌کشی جنسی تجاری، و قاچاق انسان است.

²⁴ World Health Organization, "Female genital mutilation", Fact sheet No. 241, May 2008. Available from www.who.int/mediacentre/factsheets/fs241/en/

²⁵ Anika Rahman and Nahid Toubia, *Female Genital Mutilation: A Guide to Laws and Policies Worldwide* (London, Zed Books, 2000).

این جرایم اغلب از انظار عمومی پوشیده است و در خانه‌ها، روسپی‌خانه‌ها، تالارهای ماساژ، و مهمان‌خانه‌ها نهان می‌شود.

گاهی خویشاوند نزدیک کودک مانند پدر، برادر، عمو، یا دایی برای دوره‌ای چند ساله از او سوءاستفاده جنسی می‌کند. به خاطر احساس شرم و ترس از تهدید انتقام در صورت آشکار کردن موضوع، بسیاری از این کودکان آسیب هیجانی بی‌اندازه‌ای را تجربه می‌کنند که ممکن است برای همه عمر ادامه یابد.

کودکانی که وادار به روسپی‌گری می‌شوند ممکن است خود را در این وضعیت بیابند که به قاره‌ای بسیار دور قاچاق شده‌اند و احتمال بازگشت دوباره به خانه و خانواده وجود ندارد. آن‌ها در خطر بالای خشونت جنسی و قرار گرفتن در خطر بیش‌تر اچ‌آی‌وی/ایدز هستند.

اغلب تصور می‌شود چون آن‌ها دست‌هایی کوچک دارند قادر به انجام کارهایی هستند که نیاز به دقت و ظرافت دارد و اغلب مجبور می‌شوند از سنین پنج یا شش سالگی کار کنند. گاهی این کار تنها در ازای غذا و سرپناه بوده و ممکن است قربانیان مجبور به کار در شرایطی کثیف، خطرناک، و ظالمانه شوند. در برخی کشورهای کمتر توسعه‌یافته خانواده‌ها برای بقای بقیه اعضای خانواده کودکان خود را به این شرایط برده‌وار می‌فروشند.

اغلب در شرایطی این‌چنین حمایتی برای این کودکان فراهم نیست. پلیس و سایر مسئولان قضایی ممکن است درگیر برخی روندهای فاسد باشند که منجر به ادامه این وضع می‌شود یا ممکن است این کودکان را به‌عنوان "مشکل" یا جانی بدانند و بنابراین برای حفاظت از آن‌ها در برابر خشونت اقدامی نکنند. با این که بیش‌تر کشورهای قوانینی در منع بردگی، روسپیگری و کار کودک دارند، اغلب فاقد منابع لازم برای اقدام مؤثر هستند.

سوءاستفاده از سالمندان

همانند کودکان، بسیاری از زنان سالمند برای مراقبت، سرپناه، غذا، و حفاظت به دیگران وابسته هستند. گاهی این امر منجر به سوءاستفاده می‌شود. برخی از آنان می‌بینند که کسی صدای آن‌ها را نمی‌شنود یا جدی نمی‌گیرد. آن‌هایی که از یک بیماری یا نسیان رنج می‌برند حتی ناتوان از رساندن صدای اعتراض خود بوده و بنابراین آسیب‌پذیرتر هستند.

زنان سالمند گاهی مشکلات جسمی دارند که مانع از تحرک آن‌ها شده و نمی‌توانند برای خود به‌دنبال کمک و حمایت بیرونی باشند.

افرادی به دنبال تسلط بر زنان سالمند هستند خانه و دارایی آن‌ها را تحت کنترل خود درمی‌آورند. توجه پزشکی، غذا، و سرپناه از برخی مضایقه می‌شود. بعضی دیگر کتک می‌خورند و عده‌ای هم از سوءاستفاده جنسی رنج می‌برند.

بهره‌کشی جنسی تجاری از زنان و کودکان

تفاوت بهره‌کشی جنسی تجاری با تجاوز و سوءاستفاده جنسی در سودآور بودن این نوع جرایم است. این نوع از جرایم شامل اعمالی اجباری از قبیل روسپیگری و یا تولید هرزه‌نگاری است. علت شرکت زنان و کودکان در این اعمال ترس از آزار جسمی در صورت امتناع یا محرومیت از غذا و سرپناه، و یا در برخی موارد ترس از به قتل رسیدن است. زنانی که برای بهره‌کشی جنسی تجاری قاچاق شده‌اند می‌ترسند در صورت عدم همکاری دستگیر، زندانی، یا به کشور خود مسترد شوند.

اغلب خود قربانیان مانع از پاسخ مؤثر پلیس به بهره‌کشی جنسی تجاری زنان می‌شوند چرا که از قدم پیش گذاشتن و همکاری هراس دارند یا می‌ترسند گرفتار انتقام آزارگران شوند. برخی پلیس‌ها به این نوع قربانی‌ها بی‌تفاوت هستند و در برخی شرایط قوانینی که پاسخ پلیس را مشخص می‌کند ضعیف یا ناکارآمد است.

ب. زنان با آسیب‌پذیری ویژه

برخی سازمان‌ها مانند صندوق کودکان ملل متحد به دنبال تعریف گروه‌های خاصی از کودکان بوده‌اند که نیاز به حمایت ویژه دارند. این گروه شامل کودکان خیابانی، بی‌خانمان، آواره یا پناهنده به علت جنگ یا نزاع، کودکان کار، کودکان محبوس یا زندانی، قربانیان قاچاق انسان و بهره‌کشی جنسی، اقلیت‌ها و کودکان با ناتوانی، و گروه‌های متعدد دیگری است که این‌جا مجال نام بردن از همه نیست.

در زمینه خاص خشونت علیه زنان، به گروه‌های خاصی بیش‌تر توجه شده است که می‌توان از مهاجران (قانونی و غیرقانونی)، زنان همجنس‌گرا و دوجنسی، و تن‌فروشان نام برد. آنچه بین هریک از این گروه‌ها و دیگران مشترک است افزایش سطح آسیب‌پذیری به سوءاستفاده و خشونت است.

زنان مهاجر اغلب با موانعی مواجه می‌شوند که دسترسی آن‌ها را به خدمات محدود می‌کند؛ موانعی مانند نیاز به مترجم، نیاز به اطلاعات، خدمات متناسب با وضعیت فرهنگی، و سرپناه‌های فردی. آن‌ها ممکن است با انزوای اجتماعی مواجه شده و به نحوی از انحاء به فردی که از آن‌ها سوءاستفاده می‌کند وابسته باشند. ممکن است از حقوق خود آگاه نبوده و از مساعدت و حمایتی که در محل ارایه می‌شود مطلع نباشند. بنابراین آن‌ها اغلب ناتوان از جستجوی حمایت رسمی بیرونی بوده یا از آن اکراه دارند. گاه این وضعیت با ترس یا بی‌اعتمادی دیرینه نسبت به مسئولان قضایی کشور خود یا ترس از زندان و استرداد بدتر می‌شود. بنابراین ضروری است که با زنان مهاجر قربانی خشونت همانند قربانیان خشونت رفتار شود و خدمات و حمایت‌های ویژه در دسترس آن‌ها قرار گیرد.

در چنین شرایطی لازم است پلیس اطمینان حاصل کند که همه حقوق افراد، از جمله حق حفاظت در برابر همه انواع خشونت، تأمین شود.

پ. چرخه حیات خشونت علیه زنان

زنان و دختران در طول حیات، از جمله پیش از زمان تولد با اشکال مختلفی از خشونت مواجه می‌شوند.²⁶ برخی از این خشونت‌ها جزیی و پنهان و برخی دیگر عیان و آشکار است. خشونت در هر شکلی که باشد، زن قربانی است و هریک از انواع نیاز به پاسخ تخصصی و اقدام پیشگیرانه دارد.

مرحله عمر	نوع خشونت
پیش از تولد	کتک خوردن (مادر) طی حاملگی مضایقه از غذا و خدمات پزشکی

²⁶ See Lori L. Heise, Jacqueline Pitanguy and Adrienne Germain, *Violence against Women: The Hidden Health Burden*, World Bank Discussion Paper No. 255 (Washington, D.C., World Bank, 1994)

حاملگی اجباری (تجاوز در دوران جنگ یا شورش یا تجاوز در کاست‌ها)	
نوزادی	دسترسی متفاوت به غذا و خدمات پزشکی برای نوزادان دختر (مرگ به علت سوء‌تغذیه) سوءاستفاده جسمی و روانی از نوزادان مؤنث کشتن نوزاد دختر قاچاق
مرحله عمر	نوع خشونت
کودکی	ازدواج کودکان بهره‌کشی تجاری جنسی دسترسی متفاوت به غذا، مراقبت پزشکی و آموزش معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان و سایر رویه‌های سنتی آسیب‌رسان قتل‌های ناموسی زنای با محارم سوءاستفاده جنسی قاچاق انسان
نوجوانی	جرایم (با پاشیدن) اسید خشونت به دنبال گذاشتن قرار عاشقانه و ابراز عشق معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان و سایر رویه‌های سنتی آسیب‌رسان ازدواج اجباری بهره‌کشی تجاری جنسی قتل‌های ناموسی تجاوز سوءاستفاده جنسی در محل کار یا مکان‌های عمومی آزار جنسی قاچاق
دوره بزرگسالی/باروری	سوءاستفاده از زنان توسط شریک جنسی سوءاستفاده از زنان توسط افراد غریبه جرایم (با پاشیدن) اسید قتل و آزار برای جهیزیه سوءاستفاده اقتصادی زن‌کشی ازدواج اجباری بهره‌کشی تجاری جنسی

قتل‌های ناموسی و سایر رویه‌های سنتی آسیب‌رسان

تجاوز در ازدواج

قتل شریک جنسی یا شریک جنسی قبلی

سوءاستفاده روان‌شناختی

تجاوز

سوءاستفاده جنسی در محل کار

آزار جنسی

تحت نظر گرفتن

قاچاق

استفاده از زنان بیوه و زنان مسن

مضایقه از سرپناه و غذا

از دست دادن کنترل اقتصادی

آیین‌های بیوگی

تخریب اموال شخصی

بی‌خانمانی اجباری

سنین پیری

سوءاستفاده عاطفی و جسمی

کشتن نوزاد دختر

معیوب‌سازی دستگاه تناسلی زنان و سایر رویه‌های سنتی آسیب‌رسان

بهره‌گشی تجاری جنسی

قتل‌های ناموسی

سوءاستفاده روانی

تجاوز

سوءاستفاده و آزار جنسی

موارد مشترک در همه سنین

کشور می‌تواند با جرم انگاشتن تمام انواع این خشونت‌ها به آن‌ها رسیدگی کند. این کار می‌تواند برخورد رسمی پلیس را امکان‌پذیر کند. هر چند پلیس به‌تنهایی نمی‌تواند به همه انواع خشونت که در بالا عنوان شد رسیدگی کند، بلکه رویکردی هماهنگ، جامع، و چندجانبه لازم است. چنین رویکردی نیاز به به تدوین و اجرای سیاستی عمومی، حمایت از نهادهای درگیر، و مداخله جامعه مدنی، سازمان‌های مردمنهاد، گروه‌ها و رهبران مذهبی، شهروندان معمولی، و بیش‌تر از همه زنان دارد.

اگر عمده‌ی بار پاسخ کشور به خشونت علیه زنان تنها بر دوش پلیس باشد، این پاسخ محکوم به شکست است. در عوض، نیاز به اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر وجود دارد که متضمن ایجاد فرهنگی باشد که خشونت علیه زنان را به هیچ شکلی برنمی‌تابد.

ت. سوء برداشت‌های معمول درباره خشونت خانگی

در تلاشی برای رفع سوء برداشت‌های متداول در مورد خشونت خانگی، یک سازمان غیردولتی آفریقایی مطالب زیر را برای استفاده در منطقه جمع‌آوری و منتشر کرده است²⁷:

- برخی زنان خود خشونت خانگی را برمی‌انگیزند یا فکر می‌کنند این نوع خشونت نوعی ابراز عشق است و دوست دارند مورد سوءاستفاده قرار گیرند.

محققان یافته‌اند بسیاری از زنانی که در سکوت از سوءاستفاده رنج می‌برند، متحمل آسیب جسمی می‌شوند ولی به دلایل متعددی شامل موارد زیر در رابطه باقی می‌مانند:

جایی برای رفتن ندارند

به همسری که آن‌ها را آزار می‌دهد وابستگی مالی دارند

فکر می‌کنند این‌طور برای بچه‌ها بهتر است

از انگ اجتماعی هراس دارند

- الکل و مواد علل اصلی خشونت خانگی هستند

اگرچه الکل در حدود ۵۰ درصد موارد خشونت خانگی دخیل است، مهاجمان اغلب وقتی مست نیستند نیز به شریک جنسی خود تهاجم می‌کنند. سوء مصرف الکل با کم کردن سطح مهارهای رفتاری عامل خطر برای سوء رفتار با شریک جنسی است اما الکل و مواد نیستند که موجب خشونت خانگی می‌شوند.

- آسیب جسمی شدیدترین شکل خشونت خانگی است.

تحقیق‌ها نشان می‌دهد که طبیعت خشونت خانگی می‌تواند جسمی، عاطفی/روان‌شناختی، اقتصادی و جنسی باشد. بیش‌تر قربانیان اقرار می‌کنند که تأثیرات سوءاستفاده عاطفی/روان‌شناختی جدی‌تر و عمیق‌تر از آسیب جسمی است.

- مردانی که از شریک جنسی خود سوءاستفاده می‌کنند معمولاً بیماری روانی دارند.

مطالعات بالینی در مورد مردانی که از شریک جنسی خود سوءاستفاده می‌کنند این نظر را تأیید نمی‌کند. اکثر این مردان هیچ بیماری روانی ندارند: اغلب به‌نظر می‌رسد مردانی معمولی هستند.

- بیشتر کسانی که زنان خود را آزار می‌دهند مردان ناموفق هستند که در تمام روابط خود با دیگران خشونت می‌کنند.

مطالعات نشان می‌دهد مردان آزارگر، همانند زنان آزار دیده، ممکن است هر نوع سبک و سیاقی در زندگی داشته باشند.

- سوءاستفاده در برخی فرهنگ‌ها پذیرفته است.

²⁷ See the website of the project It's time: African women join hands against domestic violence. Publication (2007) available from www.itstimeafrica.org.

خشونت هیچگاه روشی پذیرفتنی در حل تعارض نیست. زوجها حق ندارند به یکدیگر حمله کنند، صرف نظر از این که تحریکی وجود داشته است یا خیر.

- مشاجره خانوادگی موضوعی خصوصی است که باید بین زوجها حل و فصل شود و نباید آن را به پلیس، متخصصان سلامت، و مددکاران اجتماعی کشاند.

قربانیان خشونت خانگی اغلب ماه‌ها و سال‌ها پیش از آن که در جستجوی کمک برآیند شدیدترین خشونت جسمی، بد رفتاری، و آسیب عاطفی را تجربه کرده‌اند. اغلب قربانیان بعد از تلاش‌های ناموفق برای حل خصوصی مشکل، آن را به پلیس، متخصصان سلامت، و مددکاران اجتماعی گزارش می‌کنند.

- اگر قربانیان خشونت خانگی واقعا می‌خواستند می‌توانستند آن رابطه خشونت‌آمیز را ترک کنند.

به دلیل باورهای مذهبی و/یا فرهنگی، قربانیان خشونت خانگی ممکن است باور داشته باشند که سوء رفتار بخشی از هر ازدواج است. اگر قربانی در محیطی بزرگ شده باشد که از خشونت چشم‌پوشی می‌شود، بیش‌تر احتمال دارد در آن رابطه ناسالم باقی بماند. به علاوه، معمولا عوامل مختلفی مانع می‌شود زن آسیب‌دیده به راحتی خانه را ترک کند. از جمله این عوامل می‌توان ترس از انتقام، انزوای اجتماعی، وابستگی اقتصادی، انگ اجتماعی، وابستگی عاطفی، و اعتماد به نفس پایین را نام برد.

- کودکان عموماً تحت تأثیر خشونت خانگی قرار نمی‌گیرند و به همین دلیل بهتر است پدري در خانه باشد حتی اگر خشونت کند.

وقتی محیط خانه‌ای آسیب‌زا است، احتمال سوء استفاده از کودکان در آن خانه بیش‌تر است، در معرض آسیب حوادث خشونت‌بار قرار می‌گیرند، و همچنین در خطر بروز نشانه‌های آسیب در آینده هستند. مطالعات نشان داده‌اند کودکانی که از خانه‌های پر خشونت می‌آیند بیش‌تر در خطر سوء مصرف مواد و/یا الکل و بزه کاری نوجوانی هستند. آن‌ها هم-چنین ممکن است یاد بگیرند که آزار دیگران در درسی برای‌شان درست نمی‌کند.

ث. پاسخ‌های نظام دادرسی و حفاظت از قربانیان

عاملان مختلفی در نظام دادرسی نقش دارند که می‌توان به شاخه‌های اجرایی و قانون‌گذاری دولت، پلیس، دادستانی، قوه قضاییه، مسؤولان زندان و افسران بخش تعلیق مجازات و آزادی مشروط (با قید حسن رفتار و با قید نظارت)، و همچنین در برخی شرایط جامعه مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد اشاره کرد.

نظام دادرسی، عاملان مختلف آن و همچنین نقش‌ها، مسؤولیت‌ها، قدرت و حیطه عمل این عاملان از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. نظام‌های دادرسی مختلف حمایت‌های مختلفی برای زنان در معرض خشونت فراهم می‌کنند. برخی کشورها قوانین و نظامی پیشرفته برای پاسخ و حمایت از زنان دارند در حالی که دیگران کاملاً در پاسخ‌دهی ضعیف و ناتوان هستند.

عاملان نظام دادرسی بسته به شرایط محلی برای پاسخ به اعمال خشونت‌بار علیه زنان انتخاب‌های مختلفی می‌توانند داشته باشند که می‌توان از احکام اصلاحی، بازداشت و احکام ممانعتی، قرارداد آشتی، حبس و زندانی کردن، و سایر احکام برای محدودیت اعمال مهاجم در دوره آزادی با قید حسن رفتار یا نظارت را نام برد. ماهیت پاسخ‌های قانونی می‌تواند جنایی یا مدنی باشد.

در برخی کشورها اگر پلیس فکر کند زنی قربانی خشونت است، قدرت و اختیار وارد شدن به خانه و صحبت با او را دارد. حتی اگر ساکنان مذکر خانه مخالف باشند. پلیس ممکن است اختیارات بیشتری برای ضبط سلاح، وادار کردن مهاجم به ترک خانه، یا توقیف او حتی بدون تأیید قربانی داشته باشد. در بعضی حوزه‌های قضایی پلیس به‌طور خودکار هر فردی را که مشکوک به تهاجم و آزار زنی است متهم می‌داند. چنین اقداماتی برای تأمین حاشیه امن‌تر برای زنانی است که از انتقام و قربانی شدن مجدد می‌ترسند.

واحدهای تخصصی در نهادهای دادرسی می‌تواند شامل تیم‌های متعهد و تعلیم‌دیده از بازپرسان پلیس و دادگاه‌های مجزا باشد. مشاوره، خانه‌های امن، و سرپناه ممکن است برای برخی قربانیان و اقدامات بازتوانی برای برخی متخلفان فراهم باشد. در برخی کشورها، واحدهای تخصصی پلیس وجود دارد که عمدتاً از افسران زن با تعلیمات ویژه تشکیل می‌شود.

اگرچه، در برخی جوامع نظام دادرسی کیفری اغلب به موضوع جنسیت به‌طور کل و به‌طور خاص نسبت به رویکرد حساس به جنسیت در قبال زنان قربانی جنایت، زنان با مشکل حقوقی، و یا زنان متخصص در نظام دادرسی بی‌توجه است. در برخی جوامع زنان را "اشخاصی" با حقوق برابر در برابر قانون نمی‌شناسند. موضوع جنسیت و حفاظت از زنان ممکن است هنوز در بحث‌های سیاست اجتماعی و توسعه آن وارد نشده باشد.

پاراگراف ۷ راهبردهای نمونه (معرفی را ملاحظه کنید) اصرار دارد هر جا که مقتضی است کشورها فرایندهای (دادرسی) جنایی خود را مرور، ارزشیابی، و بازبینی کنند تا اطمینان حاصل شود:

الف) هر جا قوانین داخلی الزام می‌کند، پلیس در موارد خشونت خانگی علیه زنان مجوز قانونی و اقتدار لازم را برای ورود به خانه‌ها و اعمال حکم توقیف و ضبط از جمله ضبط اسلحه را دارد؛

ب) مسؤلیت اولیه برای آغاز پیگرد قانونی با مقام‌های دادستانی است و لزوماً به اقدام زنی که در معرض خشونت قرار گرفته وابسته نیست؛

پ) همانند سایر شاهدان به زنان در معرض خشونت فرصت شهادت در مراحل دادگاه داده می‌شود و برای تسهیل این فرایند و حفاظت از حریم آن‌ها اقدامات لازم انجام می‌شود؛

ت) اصول و قواعد دفاع از خود در مراحل دادگاه علیه زنان تبعیض‌آمیز نیست و ادعای ناموس و تحریک شدن برای دفاع از خود به مرتکبان خشونت علیه زنان اجازه فرار از مسؤلیت جنایی را نمی‌دهد؛

ث) کسانی که با اختیار خود الکل و مواد مصرف کرده و در حالی که تحت تأثیر آن بوده‌اند مرتکب خشونت علیه زنان می‌شوند از هیچ مسؤلیت جنایی و یا مسؤلیت دیگری مبرا نمی‌شوند؛

ج) مطابق با اصول قانون جنایی داخلی، شواهد اعمال قبلی از قبیل خشونت، سوءاستفاده، تحت نظر قرار دادن، و بهره‌کشی در مراحل دادگاه در نظر گرفته خواهد شد؛

چ) دادگاه، براساس قانون اساسی کشور، اختیار صدور احکام محافظتی و ممانعتی را در موارد خشونت علیه زنان دارند که شامل دور کردن متهم از محل ارتکاب جرم، منع تماس بیشتر با قربانی و سایر افرادی که داخل و خارج از محل بروز خشونت تحت تأثیر آن قرار گرفته‌اند، و وضع جریمه برای تخطی از این احکام است؛

ح) هر جا لازم است باید اقداماتی برای تضمین امنیت قربانیان و خانواده‌شان و حفاظت در برابر تهدید و انتقام صورت گیرد؛

خ) وقتی احکام غیر تأدیبی یا نیمه تأدیبی، سپردن وثیقه، آزادی مشروط، آزادی با قید حسن رفتار یا نظارت صادر می‌شود باید به خطر افتادن امنیت قربانی مد نظر قرار گیرد.

بعضی کشورها برخی یا تمام انواع اقدامات پیشنهاد شده را اتخاذ کرده اما بسیاری دیگر هنوز هیچ اقدام خاصی نکرده‌اند.

عموماً نظام‌های حقوقی در سراسر دنیا در یکی از چند تعریف کلی ارایه شده در زیر می‌گنجند:

الف) حقوق عرفی. حقوق عرفی بدنه‌ی قانونی بر مبنای عرف و اصول عمومی است که در قانون منعکس شده و به‌عنوان سابقه قضایی استفاده می‌شود و یا از آن در موقعیت‌هایی که توسط قانون موضوعه پوشش داده نمی‌شود استفاده می‌شود.

ب) حقوق مدنی. حقوق مدنی بدنه قانونی است که یک کشور و ملت آن را به‌عنوان قوانین خود حاکم می‌کنند؛

پ) حقوق سنتی. خاستگاه حقوق سنتی در رویه‌های سنتی است و بیشتر فرایندهای اجتماعی آن را اعمال می‌کند تا مؤسسه‌های رسمی. آن‌ها شامل حقوق و تعهدات سنتی است که در جوامع، فرهنگ‌ها، و اجتماعات مختلف مقتضیات خود را دارد و در صورتی که این حقوق خدشه‌دار شود، گروهی از افراد در جامعه که این امر به آن‌ها مرتبط می‌شود احکام لازم را که مقبول جامعه است اجرا می‌کنند. کشورهایی که قانون سنتی و مذهبی را دنبال می‌کنند گاهی به‌خاطر نداشتن قوانین کافی برای حمایت از زنان قربانی خشونت و یا برای تشویق خشونت علیه زنان مورد انتقاد قرار می‌گیرند؛

ت) حقوق مذهبی. حقوق مذهبی از متون دینی نشأت می‌گیرد و در بیشتر موارد مفاد آن تمام جنبه‌های قانون را پوشش می‌دهد؛

ث) حقوق مختلط یا موازی. بهترین نمونه نظام‌های سنتی مختلط نظام‌هایی است که در آن اجزایی از بیش از یک منبع حقوقی مرسوم با هم حضور دارد یا با یکدیگر مزوج شده است.²⁸

در کشورهای زیادی، اما نه بیشتر آن‌ها، زنی که گزارش کند قربانی خشونت بوده می‌تواند انتظار پاسخی مناسب و کامل را داشته باشد. بعد از بازپرسی و جمع‌آوری شواهد (شامل مصاحبه با قربانی و شاهد و استنتاج از فردی که مهاجم معرفی شده)، مظنون ممکن است دستگیر شود و پلیس ممکن است مظنون را متهم بداند یا خیر.

مظنون ممکن است حبس، یا به قید نوعی وثیقه، تعهد، یا ضامن آزاد شود. این احکام ممکن است شروطی را به‌همراه داشته یا نداشته باشد. شروط می‌تواند شامل حکم عدم تماس با قربانی یا، در موارد خشونت خانگی حکم اقامت دور از خانه باشد. سایر شروط می‌تواند پرهیز از الکل یا سایر مواد و عدم مالکیت اسلحه گرم و سایر سلاح‌ها باشد.

بسته به شرایط آن کشور، پلیس می‌تواند تحقیقات خود را ادامه دهد تا مشخص کند آیا اقدامات بیشتری برای حفاظت از قربانی در برابر ادامه قربانی شدن لازم است یا خیر. این اقدامات می‌تواند شامل ابداع برنامه امنیت شخصی، کمک و مشاوره توسط مشاورانی با تعلیمات ویژه، انتقال به سرپناه‌های ویژه، یا در موارد خیلی جدی اسکان در محلی خارج از اجتماع است.

بسته به شرایط آن کشور، دادستان ممکن است تنها مقام تصویب یا لغو یک اتهام باشد. ممکن است در کشور سیاست عمومی بر این باشد که تمام موارد خشونت خانگی وارد جریان محاکمه شود حتی اگر قربانی اکره داشته باشد یا اظهار کند که شهادت نمی‌دهد. در بسیاری از کشورها نه پلیس نه دادستان اجازه ندارند سابقه یا "اختصاصات فردی" قربانی را برای تصمیم‌گیری در مورد ادامه رسیدگی به اتهام در نظر بگیرند.

²⁸ Esin Örcü, "Public law in mixed legal systems and public law as a 'mixed system'", *Electronic Journal of Comparative Law*, vol. 5, No. 2 (May 2001). Available from www.ejcl.org/52/art52-2.html.

کسی که متخلف و متهم معرفی شده ممکن است در برابر قاضی حاضر شود یا مورد خود را با استفاده از برخی اشکال جایگزین حل مناقشه از جریان محاکمه منحرف کند. برخی کشورها تیم‌های اختصاصی متشکل از دادستان‌ها و دادگاه‌ها دارند که جرایمی مانند خشونت خانگی به آن‌ها محول شده است.

ممکن است محاکمه افرادی که در برابر قاضی حاضر می‌شوند معوق شود یا به قید نوعی وثیقه، تعهد، یا ضامن آزاد شوند. مجدداً ممکن است برای حفاظت از زنان درگیر در مورد شرایطی به این امر الحاق شود.

در زمان محاکمه، عموماً از پلیس انتظار می‌رود تمام شواهد گردآوری شده طی بازپرسی را ارائه کند. ممکن است از قربانیان و شاهدان خواسته شود که شهادت دهند. در برخی کشورها برای حفاظت از قربانی در جریان محاکمه خدمات تخصصی برای مساعدت آن‌ها ارائه می‌شود؛ قربانیان شهادت را از پشت پرده ارائه می‌کنند (برای کمک به حفظ حریم و رازداری قربانی و ایجاد حفاظ برای آنان در برابر مهاجم) یا شواهد را به صورت نوار ضبط شده ارائه می‌دهند. در برخی کشورها قربانیان اجازه دارند اظهارات خود را برای سیستم ضبط صدای دادگاه بخوانند و تأثیر آن مهاجم را بر خود و فرزندان‌شان شرح دهند. قاضی‌ها می‌توانند این اطلاعات را در اتخاذ و ابلاغ شرایط حکم مد نظر قرار دهند.

پیش از زمان دادگاه و در زمان آن ممکن است اقدامات خاصی برای حفاظت از قربانی و شاهد در برابر تهدید، ارباب، و انتقام لازم باشد. تهدید ممکن است از طرف مهاجم، خانواده و یا دوستان او باشد. در برخی شرایط ممکن است خود اجتماع برای ممانعت از صحبت آشکار در مورد آنچه رخ داده، قربانی را تهدید کند.

اگر مهاجم متهم شناخته شود ممکن است محبوس شده یا برای گذراندن نوعی از خدمات اجتماعی آزاد شود. شرایط آزادی می‌تواند شامل وضع برخی محدودیت‌ها و الزام برای گرفتن مشاوره باشد. اگر مهاجم زندانی شود ممکن است به مشاوره و سایر خدمات در زمان حبس دسترسی داشته باشد. هرچند بسیاری کشورها توان ارائه این خدمات تخصصی را ندارند.

معدودی از کشورها به سیستمی مجهز هستند که پیش از آزادی متهم از زندان قربانی را مطلع می‌کند. در برخی دیگر اگر مهاجم تقاضای آزادی با تعهد یا آزادی زودهنگام داشته باشد قربانی حق دارد از آن مطلع شود.

راهبردهای نمونه کشورها را به تدوین و اجرای راهبردهایی برای حفاظت از زنان در برابر خشونت فرامی‌خواند. این اقدامات می‌تواند رویکردی همه‌جانبه به نظام دادرسی، درخواست از همه عواملان برای درگیر شدن در این اقدامات برای تأمین امنیت و سلامت زنان، شامل رسیدگی به علل و عواقب خشونت باشد.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

اجزای ضروری پاسخ مؤثر به خشونت خانگی

دولت بریتیش کلمبیا (کانادا) بعد از مشورت با تعداد زیادی از سازمان‌های مردم‌نهاد محلی^۱ چارچوبی برای رویکردی جامع، هماهنگ و تخصصی برای پاسخ به خشونت خانگی علیه زنان ابداع کرد. این رویکرد برای پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه شهری، محلی، و افرادی که به‌تازگی به تبعیت کانادا درآمده و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر طراحی شده و شامل هشت جزء برای پاسخ مؤثر و همه‌جانبه به خشونت خانگی است:

۱. اداره خطر و امنیت قربانی، شامل رویکردی جامع، هماهنگ، به ارزیابی خطر و برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت قربانی.
۲. پاسخ‌گویی مهاجم، شامل محکومیت متناسب و بدون تناقض، اجرای ثابت و مستمر احکام محافظتی و درمان قابل دسترسی برای فرد آزارگر.
۳. حمایت تخصصی از قربانی، شامل حمایت جامع، فعال، و به‌هنگام همراه با ارائه حمایت در مناطق دور از دسترس و به گروه‌های به حاشیه رانده شده.

۴. *اشتراک اطلاعات*، شامل اشتراک مداوم و به‌هنگام اطلاعات بین نهادهای مختلف و با قربانی، با تأکید ویژه بر موارد پرخطر.
۵. *هماهنگی*، شامل هماهنگی و مشارکت در همه سطوح و بین همه حوزه‌های مرتبط، رهبری در سطح ارشد و منابع برای حمایت کافی از رویکردی هماهنگ.
۶. *سیاست خشونت خانگی*، شامل پایبندی به سیاست جامع نظام دادرسی که در همه اجزای نظام دادرسی کاربرد دارد و مستلزم رویکردی ثابت و مطلع از شرایط اتهام، بازپرسی، و پاسخ‌گویی متهم است.
۷. *استفاده از کارشناسان متخصص*، شامل رویکردهای تخصصی مانند گماشتن کارکنان خاص این امر در نظام دادرسی و تخصیص زمان خاص در دادگاه، سرمایه‌گذاری کافی برای آموزش‌های تخصصی، و اگر مقدور بود رویکردی دقیق و مبتنی بر اصول برای دایر کردن دادگاه‌های خشونت خانگی.
۸. *پایش و ارزشیابی*، شامل پایش و ارزشیابی به‌عنوان بخشی لاینفک از همه اجزای اصلی که در پایش ذکر شد و رویکردی نظام‌مند و جامع در گردآوری، تحلیل، و انتشار آمار در مورد همه اجزای نظام دادرسی.^۲

¹ Including the Ending Violence Association of British Columbia, the British Columbia Yukon Society of Transition Houses and the British Columbia Institute against Family Violence.

² Canada, British Columbia, Critical Components Project Team, Keeping Women Safe: Eight Critical Components of an Effective Justice Response to Domestic Violence (Victoria, 2008)

۱۱. هنجارها و استانداردهای بین‌المللی

حقوق بشر مطالباتی است که هرکس در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند می‌تواند داشته باشد. آن‌ها همگانی و غیر قابل لغو، متعلق به همه انواع بشر در هر جامعه‌ای صرف نظر از جغرافیا، تاریخ، خرده‌فرهنگ، طرز تفکر، سیاست، نظام اقتصادی یا مرحله رشد و تکامل است.

حقوق اساسی بشر به جنس، نژاد، طبقه و وضعیت اجتماعی بستگی ندارد اگرچه در بسیاری از کشورها همه این عوامل در تعیین این که چه کسی می‌تواند از این حقوق برخوردار شود و چه کسی از آن محروم می‌شود نقش دارد. یک زن یا کودک تنها به دلیل انسان بودن همانند یک مرد مستحق زندگی فارغ از آسیب است.

در زمینه خشونت علیه زنان، هم قربانی و هم مهاجم حقوقی دارند. در بسیاری کشورها عدم مراعات حقوق مهاجم همانند عدم مراعات حقوق قربانی، یک معضل محسوب می‌شود.

منشور سازمان ملل که در سال ۱۹۴۵ اتخاذ شد عموماً سند پایه برای تدوین سایر قوانین بین‌المللی، هنجارها، و استانداردهای مرتبط با حقوق بشر محسوب می‌شود. منشور کرامت ذاتی همه انواع بشر و حقوق برابر و لغونشدنی آنان را به رسمیت شناخته و آن را اعلان کرده، و مشخصاً ابراز می‌کند که این حقوق دغدغه جامعه بین‌المللی است و بنابراین دیگر انحصاراً در حوزه قضایی داخلی کشورها قرار ندارد. ماده ۱۳، پاراگراف ۱ منشور اعلام می‌کند که آزادی‌های اساسی بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان، یا دین به همگان تعلق دارد.

متعاقباً اعلانیه جهانی حقوق بشر^{۲۹} که در سال ۱۹۴۸ صادر شد در مقدمه خود مشخص می‌کند که به رسمیت شناختن کرامت ذاتی و حقوق برابر و لغونشدنی همه اعضای خانواده بشر بنیاد آزادی، عدالت و صلح در دنیا است. پیش‌تر مشخص می‌کند که کشورهای عضو سازمان ملل باور خود را به حقوق بشر و حقوق برابر همه مردان و زنان مجدداً ابراز کرده‌اند.

ماده ۱ اعلانیه جهانی مشخص می‌کند که همه موجودات بشری آزاد و برابر و دارای کرامت زاده می‌شوند، و در ماده ۲ معین شده که همه شایستگی برخورداری از تمامی حقوق و آزادی‌های مطرح شده در اعلانیه را بدون تمایز از نظر نژاد، جنس، زبان، دین، دیدگاه سیاسی یا سایر دیدگاه‌ها، خاستگاه ملی یا اجتماعی، اموال، تولد یا سایر وضعیت‌ها دارند.

پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^{۳۰} در سال ۱۹۶۶ معین می‌کند که همه موجودات انسانی ذاتاً حق حیات دارند و هیچ‌کس نباید خودسرانه از این حق خود محروم شود (ماده ۶)، و همچنین حقوق زنان و مردان را در سنین ازدواج برای ازدواج و تشکیل خانواده مشخص می‌کند و این که هیچ‌یک از طرفین نباید بدون رضایت آزاد و کامل در ازدواج وارد شوند (ماده ۲۳).

سایر ابزارها و استانداردهای سازمان ملل که اختصاصاً به حفاظت از حقوق زنان (و کودکان) و حفاظت از آنان در برابر خشونت و سایر آسیب‌ها و به راهبردهای نمونه اشاره دارد عبارت است از:

- پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل‌های اختیاری مرتبط به آن^{۳۱}

²⁹ General Assembly resolution 217 A (III).

³⁰ General Assembly resolution 2200 A (XXI), annex.

³¹ A (XXI), annex; Second Optional Protocol to the International Covenant on Civil and Political Rights, aiming at the abolition of the death penalty (resolution 44/128, annex).

- پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی^{۳۲}
 - معاهده حذف همه انواع تبعیض علیه زنان و پروتکل‌های اختیاری مرتبط به آن^{۳۳}
 - معاهده حقوق کودک^{۳۴}
 - معاهده حقوق سیاسی زنان^{۳۵}
 - معاهده توقف قاچاق انسان و توقف بهره‌کشی از روسپیگری دیگران^{۳۶}
 - معاهده علیه شکنجه و سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، و تحقیرکننده^{۳۷}
- در چهارمین کنفرانس زنان بر اساس موارد عنوان شده در بالا یک برنامه کاری اتخاذ شد که در آن سه هدف راهبردی مهم در مورد خشونت علیه زنان برای کشورهای عضو تعیین شد:
- الف) اقدامات کامل و منسجمی را برای پیشگیری و حذف خشونت علیه زنان اتخاذ کنند؛
 ب) علل و عواقب خشونت علیه زنان و اثربخشی اقدامات پیشگیرانه را مطالعه کنند؛
 پ) قاچاق زنان را ریشه‌کن و قربانیان خشونت ناشی از روسپیگری و قاچاق انسان را مساعدت کنند.
- بر مبنای این اهداف، خطمشی برای اقدام مجموعه‌ای از اقدام‌های عملی مشخص را مطرح و کشورها را ملزم به اجرای آن می‌کند. این اقدام‌ها عبارتند از: استقرار ابزارهای بین‌المللی حقوق بشر؛ اقتباس و مرور دوره‌ای قوانین مربوط به خشونت علیه زنان؛ دسترسی به دادرسی و اقدامات جبرانی مؤثر؛ برنامه‌ها و سیاست‌های حفاظت از زنان قربانی خشونت؛ و آگاه‌سازی و آموزش.
- علاوه بر موارد فهرست‌شده در بالا، سازمان ملل ابزارها و استانداردهای متعدد دیگری دارد که مرتبط با حفاظت از زنان، کودکان و گروه‌های آسیب‌پذیر است، شامل:
- اعلانیه حذف خشونت علیه زنان
 - معاهده بین‌المللی حذف همه انواع تبعیض نژادی^{۳۸}
 - معاهده بین‌المللی حفاظت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آن‌ها^{۳۹}
 - احکام سازمان ملل برای حفاظت از نوجوانان محروم شده از آزادی^{۴۰}
 - خطمشی اقدام، پکن

³² Resolution 2200 A (XXI), annex.

³³ United Nations, *Treaty Series*, vol. 2131, No. 20378.

³⁴ *Ibid.*, vol. 1577, No. 27531.

³⁵ General Assembly resolution 640 (VII), annex

³⁶ United Nations, *Treaty Series*, vol. 96, No. 1342

³⁷ *Ibid.*, vol. 1465, No. 24841.

³⁸ *Ibid.*, vol. 660, No. 9464.

³⁹ *Ibid.*, vol. 2220, No. 39481

⁴⁰ General Assembly resolution 45/113, annex

- پروتکل پیشگیری، توقف، و مجازات قاچاق انسان، به‌خصوص زنان و کودکان، مکمل معاهده سازمان ملل علیه جنایت سازمان‌یافته فراملیتی
- قانون موضوعه رم در مورد دادگاه جنایی بین‌المللی^{۴۱}
- معاهده ژنو وابسته به محافظت از شهروندان در زمان جنگ، ۱۲ اگوست ۱۹۴۹^{۴۲} معاهده چهارم ژنو
- ضوابط رفتاری برای مجریان قانون^{۴۳}
- حداقل احکام استاندارد سازمان ملل برای اجرای دادرسی در مورد نوجوانان (احکام پکن)^{۴۴}
- احکام سازمان ملل برای حفاظت از نوجوانان محروم شده از آزادی^{۴۵}
- دستورالعمل اقدام برای کودکان در نظام دادرسی کیفری^{۴۶}
- اعلانیه اصول اساسی دادرسی برای قربانیان جرم و سوءاستفاده از قدرت^{۴۷}
- دستورالعمل دادرسی در مسایل مربوط به کودکان قربانی و شاهد جرم^{۴۸}
- پروتکل اختیاری مرتبط به معاهده حقوق کودک در مورد فروش کودکان، روسپگیری کودک، و هرزمنگاری کودک^{۴۹}

علاوه بر این‌ها، ابزارهای منطقه‌ای مانند آنچه در آفریقا، و توسط کشورهای عضو اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا، اروپا و آمریکا در ارتباط با حفاظت از حقوق زنان و دختران تدوین شده است وجود دارد.

نهادهایی مانند صندوق کودکان ملل متحد نیز اعلانیه‌های بین‌المللی صادر کرده‌اند؛ شورای اقتصادی و اجتماعی نیز قطع‌نامه‌هایی تصویب کرده؛ سازمان بین‌المللی کار معاهده‌هایی را اتخاذ کرده؛ و دفتر کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل برنامه‌هایی را تهیه کرده؛ که همه موارد ذکر شده به‌نوعی به حفاظت از حقوق زنان و دختران و حفاظت از آنان در برابر آسیب مرتبط است.

حقوق زنان و تعهد کشورها

با این که ابزارهای سازمان ملل عموماً برای همه افراد تعریف می‌شود، زبان این ابزارها در موارد خاصی بر زنان و دختران تمرکز دارد.

⁴¹ United Nations, *Treaty Series*, vol. 2187, No. 38544.

⁴² *Ibid.*, vol. 75, No. 973

⁴³ General Assembly resolution 34/169, annex

⁴⁴ Resolution 40/33, annex

⁴⁵ Resolution 45/113, annex

⁴⁶ Economic and Social Council resolution 1997/30, annex

⁴⁷ General Assembly resolution 40/34, annex

⁴⁸ Economic and Social Council resolution 2005/20, annex.

⁴⁹ United Nations, *Treaty Series*, vol. 2171, No. 27531.

ماده ۳ اعلانیه حذف خشونت علیه زنان مقرر می‌کند که زنان حق بهره‌گیری برابر از همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی یا سایر زمینه‌ها و حفاظت از این حقوق را دارند. این حقوق شامل حق حیات، حق برابری، حق آزادی و امنیت فردی، حق حفاظت برابر تحت لوای قانون، و حق قرار نگرفتن در معرض شکنجه، یا سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی، یا تحقیرآمیز است.

ماده ۴ اعلانیه مطرح می‌کند که کشورها باید خشونت علیه زنان را محکوم کرده و نباید برای اجتناب از تعهدشان برای حذف خشونت متوسل به هرگونه ملاحظات سنتی، عرفی، یا مذهبی شوند. کشورها باید با همه ابزارهای متناسب و بدون تأخیر سیاست حذف خشونت علیه زنان را تعقیب کنند. برای رسیدن به این اهداف کشورها علاوه بر سایر اقدام‌ها باید:

- از مشارکت در خشونت علیه زنان خودداری کنند.
- صرف نظر از این که دولت یا افراد خصوصی مرتکب اعمال خشونت‌بار علیه زنان شده‌اند، کوشش لازم را برای پیشگیری، تحقیق، و مطابق با قوانین داخلی، تنبیه آن نشان دهند؛
- احتمال تدوین طرح‌های اجرایی ملی برای ارتقای حفاظت از زنان در برابر همه انواع خشونت را در نظر گرفته، یا به همین منظور تمهیداتی را در طرح‌هایی که از پیش وجود داشته بگنجانند. هر جا که متناسب بود، مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد، به‌خصوص آن‌هایی که به موضوع خشونت علیه زنان توجه دارند را مد نظر قرار دهند.
- رویکردهای پیشگیرانه برای ارتقای حفاظت از زنان در برابر هر نوع خشونت تدوین کرده، و تضمین کنند که قربانی شدن مجدد زنان به‌خاطر عدم حساسیت قوانین به ملاحظات جنسیتی، و روندهای اعمال قانون و سایر مداخلات روی نخواهد داد.
- تلاش کنند که دریافت کمک تخصصی برای زنان در معرض خشونت، و هر جا متناسب بود، کودکان آن‌ها تضمین شود. این کمک‌ها شامل بازتوانی، کمک به مراقبت و نگهداری از کودک، درمان، و برنامه‌ها، تسهیلات، و خدمات اجتماعی، سلامت و مشاوره است.
- اطمینان حاصل کنند که افسران مجری قانون و مقامات دولتی مسئول اعمال سیاست‌های پیشگیری، تحقیق، و مجازات خشونت علیه زنان به نیازهای زنان حساس هستند و برای آموزش آنان در این زمینه اقدام کنند.
- تحقیق، جمع‌آوری داده‌ها و گردآوری آمار به‌خصوص در مورد خشونت خانگی و در رابطه با شیوع اشکال مختلف خشونت علیه زنان را ارتقا دهند و تحقیق در مورد اثربخشی اقدامات پیشگیری و جبرانی خشونت علیه زنان را تشویق و یافته‌های تحقیقات را به اطلاع همه برسانند.
- اقداماتی اتخاذ کنند که متوجه حذف خشونت علیه زنان، به‌خصوص زنان آسیب‌پذیر به خشونت است.
- اهمیت نقش جنبش زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد را در سطح جهانی در آگاه‌سازی و کاهش مشکل خشونت علیه زنان به رسمیت بشناسند.
- فعالیت جنبش زنان و سازمان‌های مردم‌نهاد را تسهیل و تقویت و با آن‌ها در سطح محلی، ملی، و منطقه‌ای همکاری کنند.

در رابطه با حقوق کودک، معاهده حقوق کودک اظهار می‌کند که کشورها باید اطمینان حاصل کنند که تمام اقدامات در رابطه با کودکان، که توسط دولت یا مؤسسه‌های رفاه اجتماعی بخش خصوصی، یا دادگاه‌های حقوقی، مقامات اجرایی یا بدنه قانونی به اجرا گذاشته می‌شود باید بیشترین مصلحت کودک را به‌عنوان اولین ملاحظه در نظر بگیرند (ماده ۳، پاراگراف ۱).

کشورها باید اطمینان حاصل کنند که کودکان حفاظت و مراقبت لازم را برای رفاه و سلامت‌شان دریافت می‌کنند، و حقوق و وظایف والدین، سرپرستان قانونی یا سایر افرادی که قانوناً مسؤول آن‌ها هستند را مشخص کنند (ماده ۳، پاراگراف ۲). مؤسسه‌ها، خدمات و تسهیلات مسؤول مراقبت و حفاظت از کودکان، به‌خصوص در حیطة امنیت و سلامت، باید مطابق با استانداردهای وضع شده توسط مسؤولان دارای صلاحیت بوده و به تعداد کافی کارکنانی با شایستگی لازم را داشته باشند. مسؤولان اجری قانون که با کودکان کار می‌کنند باید آموزش‌های ویژه دریافت کنند.

معاهده تفاوتی بین کودکان دختر و پسر نمی‌گذارد.

ماده ۱۹ معاهده کشورها را ملزم به حفاظت از همه کودکان در برابر این موارد می‌داند: همه انواع خشونت جسمی و روانی، آسیب یا سوءاستفاده، غفلت یا رفتار اهمال‌گرانه، بدرفتاری و بهره‌مکشی، شامل سوءاستفاده جنسی، از طرف والدین، سرپرست قانونی، یا هر فرد دیگری که مراقبت از کودک را برعهده دارد. ماده ۳۴ همه کشورها را ملزم به مراقبت از کودکان در برابر همه انواع بهره‌مکشی و سوءاستفاده جنسی می‌کند. به‌خصوص آن‌ها باید مانع از فراهم شدن موجباتی برای ورود کودک در هر نوع فعالیت جنسی غیرقانونی، بهره‌مکشی از کودک در روسپیگری یا سایر رویه‌های جنسی غیرقانونی، و بهره‌مکشی از کودک در اجراها و مواد هرزه‌نگاری شده یا کودک مجبور به این کار شود. ماده ۲۵ کشورها را به اتخاذ همه اقدامات ملی، دوجانبه و چندجانبه برای پیشگیری از ربایش، فروش یا قاچاق کودک به هر منظور و به هر شکلی فرا می‌خواند.

در رابطه با حفاظت از زنان در برابر تبعیض، معاهده‌ی حذف همه انواع تبعیض علیه زنان، تبعیض را این‌گونه تعریف می‌کند: هرگونه فرق، استثنا یا محدودیت که بر اساس جنس بوده و تأثیر یا هدف آن تخریب یا لغو به رسمیت شناختن، بهره‌مندی، و تمرین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی زنان در زمینه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، مدنی، یا هر زمینه دیگر صرف نظر از وضعیت تأهل و بر اساس برابری مردان و زنان است (ماده ۱).

مواد ۶-۲۷ پیمان بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حقوق مدنی و سیاسی را مطرح می‌کند که عبارتند از:

- حق حیات، آزادی، و امنیت
- آزادی از بردگی و بندگی
- آزادی از شکنجه یا مجازات و رفتار ظالمانه، غیرانسانی، و تحقیرآمیز
- حق به رسمیت شناختن افراد در برابر قانون، جبران قانونی، آزادی از دستگیری خودسرانه، حبس یا تبعید، حق برخورداری از محاکمه عادلانه و استماع عمومی توسط محکمه مستقل و بی‌طرف، حق بی‌گناه فرض شدن تا زمان اثبات تقصیر
- آزادی از مداخله خودسرانه در حریم افراد، خانواده، خانه یا متعلقات آن‌ها، از حمله‌های انجام‌شده بر اساس ادعای ناموس و شهرت، حق برخورداری از حفاظت قانونی در برابر چنین حمله‌هایی
- آزادی در جابجایی و تغییر محل زندگی
- حق پناهندگی
- حق داشتن یک ملیت، ازدواج و تشکیل خانواده
- حق مالکیت
- آزادی تفکر، ضمیر باطن و دین، آزادی عقیده و ابراز آن، آزادی اجتماع و گردهمایی مسالمت‌آمیز
- حق شرکت در دولت و دسترسی برابر به خدمات دولتی

مواد ۳-۱۵ پیمان بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی که همه افراد بشر من جمله زنان حق برخورداری از آن را دارند شامل این موارد است:

- حق امنیت اجتماعی
 - حق کار و دریافت حقوق مساوی برای کار مساوی، و حق تشکیل و الحاق به اتحادیه‌های کارگری
 - حق استراحت و تفریح
 - حق زندگی استاندارد و مناسب و داشتن بالاترین استاندارد قابل دستیابی سلامت جسمی و روانی
 - حق تحصیل
 - حق شرکت در زندگی فرهنگی اجتماع
- اساسا هر فردی، شامل زنان و دختران، بدون وجود تمایزی از نظر نژاد، جنس، زبان، یا مذهب دارای این حقوق است:
- حیات
 - آزادی و امنیت فردی
 - دریافت حمایت قانونی برابر
 - کرامت
 - حفاظت در برابر آسیب، از جمله خشونت، شکنجه یا سایر رفتارها و مجازات‌های ظالمانه، غیرانسانی و تحقیرآمیز
 - تصمیم‌گیری در مواردی که مستقیما بر آنها تأثیر دارد، شامل فردی که می‌خواهند با او ازدواج کنند
- لازم است کشورها این حقوق را فراهم کرده و از آن محافظت کنند و برای تضمین حفاظت از این حقوق دسترسی برابر به آن را ایجاد کنند.

۱۱۱. عوامل زمینه‌ای خشونت علیه زنان

هیچ علت منفردی وجود ندارد که بتوان آن را علت قطعی خشونت علیه زنان دانست. هر زنی، صرف نظر از سن، نژاد، قومیت، تحصیلات، هویت فرهنگی، وضعیت اقتصادی-اجتماعی، اشتغال، جهت‌گیری جنسی یا توانایی‌های جسمی و روانی، می‌تواند به خشونت آسیب‌پذیر باشد.

خشونت علیه زنان، به‌خصوص خشونت خانگی، مشکلی پیچیده است. عوامل بسیار متفاوتی در سطح فردی، ارتباطی و اجتماعی/فرهنگی ممکن است در آن دخیل باشد. اگرچه، بسیاری از کارشناسان باور دارند که خشونت خانگی به نابرابری بین افراد و عدم توازن قدرت در روابط مرتبط است.

انزوای اجتماعی، عدم دسترسی به خدمات و حمایت اجتماعی، و به نظام دادرسی کیفری، می‌تواند آسیب‌پذیری زنان را به خشونت بیش‌تر کند یا تأثیرات سوءاستفاده را بدتر کند.

عوامل خطری که می‌تواند منجر به افزایش آسیب‌پذیری زنان به خشونت، خصوصاً خشونت خانگی شود، شامل این موارد است هرچند محدود به آن نیست:

- تغییر در وضعیت روابط یا قطع قریب‌الوقوع یک رابطه
 - تغییر نزولی ناگهانی در وضعیت اقتصادی (برای مثال زن یا همسرش کار خود را از دست بدهند)
 - حاملگی
 - حضور الکل و/یا مواد
 - حضور اسلحه گرم
 - سابقه‌ی قبلی سوءاستفاده و/یا خشونت
 - تغییر ناگهانی در وضعیت سلامت (برای مثال بیماری مزمن یا ناتوانی)
 - حضور بیماری روانی
 - درگیری در مسایل حقوقی/دادگاه
 - عوامل استرس‌زای خانوادگی اخیر یا مزمن
- هیچ یک از این‌ها عذری برای خشونت خانگی نیست.
- فردی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرد ممکن است به دلایل مختلف ناتوان از صحبت یا گزارش آن به هر مرجعی از جمله به پلیس بوده یا از آیین کار اکراه داشته باشد. این دلایل می‌تواند شامل موارد زیر باشد:
- وابستگی عاطفی به شریک آزارگر
 - اعتقاد قوی مبنی بر این که باید رابطه یا خانواده را حفظ کرد

- ترس از انتقام فرد آزارگر نسبت به خود یا نزدیکان
- وابستگی اقتصادی به شریک آزارگر
- زندگی در منطقه‌ای دورافتاده
- انزوای اجتماعی
- مواجهه با موانع ارتباطی، زبانی، یا فرهنگی
- احساس شرمندگی یا ناتوانی و عدم دسترسی به اطلاعات، منابع، و حمایت

قربانیان به‌ویژه ممکن است از مداخله مقامات اکراه داشته باشند چون:

- نمی‌خواهند فرد آزارگر از خانه دور شود، به زندان رود و سابقه جنایی پیدا کند.
- باور ندارند که مداخله نظام دادرسی کیفری سوءاستفاده را متوقف می‌کند.
- باور ندارند که نظام دادرسی کیفری می‌تواند به حفاظت از آنان کمک کند.⁵⁰

دلایل متعددی وجود دارد که زنان در رابطه‌ای توأم با سوءاستفاده باقی می‌مانند. قربانیان ممکن است از امنیت فردی خود و فرزندان‌شان هراسان باشند. آن‌ها همچنین ممکن است بترسند امنیت مالی در خانه را از دست دهند یا ناچار شوند کودکان خود را به فرد آزارگر بسپارند.

پلیسی که به خشونت خانگی پاسخ می‌دهد و در مورد آن تحقیق می‌کند لازم است به‌خاطر داشته باشد که برای یک زن ترک شریک آزارگر بیش‌تر یک فرایند است تا عملی که در لحظه اتفاق افتد. بسیاری از زنان ممکن است بعد از سوءاستفاده یا تحمل خشونت شریک را ترک نکنند، یا در صورت انجام این کار با فاصله کوتاهی برمی‌گردند. پیش از ترک همیشگی ممکن است چندین اتفاق از این دست روی دهد و تلاش‌هایی برای مداخله صورت گیرد. داشتن جای امنی برای رفتن، مانند سرپناه، به بسیاری از زنان در گرفتن تصمیم نهایی برای ترک کمک می‌کند.

مداخله زود هنگام، به‌ویژه توسط پلیس، مسیر حمایت از زنان (و کودکان آنان را) هموار می‌کند، به پیشگیری از تشدید خشونت کمک می‌کند، احتمال قتل خانگی و تهاجم جدی را کاهش می‌دهد، و هر جا که ممکن است به حفظ ثبات خانوادگی کمک می‌کند.

مؤسسه ملی قضایی خشونت خانگی در کانادا، پنج مشخصه محوری برای خشونت خانگی برمی‌شمرد:

- خشونت خانگی رفتاری آموختنی است.
- خشونت خانگی مشخصاً همراه با رفتارهای تکراری و شامل انواع متعددی از سوءاستفاده است.
- ضارب، نه سوءمصرف مواد، عامل خشونت خانگی است.

⁵⁰ Canada, Alberta Justice Communications, *Domestic Violence Handbook for Police and Crown Prosecutors in Alberta* (2008), p. 25.

• خطر برای قربانی و کودکان احتمالاً در زمان جدایی افزایش می‌یابد.

• رفتار قربانی اغلب راهی برای تضمین بقا است.⁵¹

علاوه بر ترک نکردن، پیچیدگی‌های موجود در رابطه می‌تواند چالش‌های دیگری برای پلیس ایجاد کند که شامل اکراه قربانیان از همکاری با پلیس یا انکار بعدی اظهارات خود در شرح خشونت است.

عواملی که خشونت علیه زنان را تداوم می‌بخشند

فرهنگی

- تأثیر خاص جنسیت بر فرایند اجتماعی شدن
- تعاریف فرهنگی در مورد نقش جنسی مناسب
- انتظارات از نقش‌های تعریف‌شده در روابط
- باور به برتری ذاتی مردان
- ارزش‌هایی که به مردان حقوقی مقدم بر زنان و دختران می‌دهد
- تصور این که خانواده محیطی خصوصی و تحت کنترل مردان است
- آیین‌های ازدواج (شیربها/جهیزیه)
- پذیرفته بودن خشونت به عنوان ابزار حل مناقشه

اقتصادی

- وابستگی اقتصادی زنان به مردان
- دسترسی محدود به پول و اعتبار مالی
- قوانین تبعیض‌گذار در رابطه با وراثت، حق تملک، استفاده مشترک از ملک و نفقه
- بعد از طلاق و بیوگی
- دسترسی محدود به اشتغال در بخش‌های رسمی و غیررسمی
- دسترسی محدود به تحصیل و آموزش برای زنان

حقوقی

- شأن حقوقی پایین‌تر برای زنان در قوانین مکتوب و/یا در عمل
- قوانین مربوط به طلاق، حضانت کودک، نفقه و وراثت
- تعاریف حقوقی از تجاوز و سوءاستفاده در محیط خانه
- سطح پایین سواد حقوقی در زنان

⁵¹ Ibid., p. 29.

- برخورد شدید پلیس و قوه قضاییه با زنان و دختران

سیاسی

- حضور کم‌رنگ زنان در قدرت، سیاست، رسانه‌ها و تخصص‌های حقوقی و پزشکی
- جدی نگرفتن خشونت خانگی
- باور به این که خانواده محیطی خصوصی و ورای حوزه کنترل دولت است
- خطر به چالش افتادن وضعیت موجود/چالش با قوانین مذهبی
- نهادهای محدود زنان به‌عنوان نیروی سیاسی
- مشارکت محدود زنان در نظام‌های سیاسی سازمان‌دهی شده^۱

^۱ "Causes of domestic violence", *Innocenti Digest*, vol. 6, June 2000, p. 7.

مثال‌هایی از بهترین تجربه‌ها

در روز جهانی زن در مارس ۲۰۰۳، با مشارکت بانک جهانی و کنسرسیوم سازمان‌های غیردولتی، و ائتلاف برای توان‌مندسازی مناطق روستایی، پلیس دهلی (هند) اولین کارگاه از ۱۱۴ کارگاه حساس‌سازی جنسیتی را که باید در طول سال برای ۱۲۴ پاسگاه و ۶۰۰۰ نیروی پلیس برگزار می‌شد افتتاح کرد. برنامه برای پاسخ به عدم آگاهی پلیس از قوانین مرتبط با حقوق زنان و تعیین راه‌های رسیدگی بهتر به سطح بالای جرم علیه زنان در شهر، شامل خشونت خانگی بود.

کارشناسان جنسیتی، کارکنان سازمان‌های غیردولتی، فعالان زنان، مسئولان قضایی و افسران ارشد پلیس آموزش را در زمینه طیف وسیعی از موضوعات شامل جنسیت و اچ‌آی‌وی/ایدز ارایه کردند. چون آموزش در خانه‌ی سرپناه سادینالای (محل بازتوانی زنان و کودکان و محل فعالیت ائتلاف برای توان‌مندسازی مناطق روستایی) برگزار می‌شد، شرکت‌کنندگان پلیس فرصت داشتند اطلاعات دست اولی را از قربانیان و تأثیر خشونت بر زندگی آنان بیاموزند.

ناظرانی از سایر نیروهای پلیس ایالتی با هدف اجرای برنامه‌های مشابه در ایالت‌های خود در آموزش حضور یافتند. در نتیجه این ابتکار عمل، پلیس دهلی از آن زمان یک بخش آموزشی عمده را در رابطه با حساس‌سازی نسبت به جنسیت در برنامه منظم آموزش خود برای نیروی پلیس در دانشکده پلیس دهلی وارد کرده است.^۱

در اسلام‌آباد، یک سازمان غیردولتی به نام روژان با همراهی پلیس کارگاه‌هایی برای حساس‌سازی در مورد خشونت جنسیتی برگزار می‌کند که هدف آن کمک به تغییر شیوه تفکر پلیس درباره خشونت مرتبط با جنسیت و پاسخ به آن است. این کارگاه‌ها بر کاربرد جنسیت در هر دو حیطه‌ی فردی و تخصصی زندگی افسران پلیس و کمک به دیدن ارتباط بین این دو تأکید دارند.^۲

¹ World Bank, Gender and Development Group, *Improving Women's Lives: World Bank Actions since Beijing* (Washington, D.C., January 2005). Available from <http://siteresources.worldbank.org/INTGENDER/Resources/Beijing10Report.pdf>.

² James L. Lang, "Working with men to end gender-based violence: lessons for the South Asian Context", background document prepared for the subregional training workshop on elimination of violence against women in partnership with men, New Delhi, 2-5 December 2003. Available from www.unescap.org/ESID/GAD/Publication/DiscussionPapers/15/series15-main-text.pdf; and Economic and Social Commission for Asia and the Pacific, "Involving men in eliminating violence against women: examples of good practices", background document prepared for the subregional training workshop on elimination of violence against women in partnership with men, New Delhi, 2-5 December 2003. Available from www.unescap.org/ESID/GAD/Publication/DiscussionPapers/15/series15-main-text.pdf.

IV. رویکردهای پیشگیرانه

پیشگیری از خشونت علیه زنان، از جمله خشونت خانگی، اشکال مختلفی دارد و به همان نسبت می‌تواند عوامل مختلفی داشته باشد. اجرای برنامه‌ها می‌تواند با هدف پیشگیری از خشونت یا بعد از آن پیشگیری از قربانی شدن بیشتر و یا پیشگیری از احتمال بالقوه افزایش شدت رفتار خشونت‌آمیز باشد. برای مثال پیشگیری می‌تواند شامل این موارد باشد:

- طرح مسایل مرتبط با جنسیت در سیاست ملی و محلی، اصلاح قانون، و رویه‌های سازمانی
- ارتقای فرهنگی که خشونت علیه زنان را بر نمی‌تابد
- به حرکت درآوردن جوامع، سازمان‌های مردم‌نهاد و جامعه مدنی برای اجرای اقدامات هماهنگ که به پیشگیری از خشونت خانگی کمک کرده و به قربانیان و خانواده‌شان کمک می‌کند
- پرداختن به عواملی که (درون خانواده، اجتماع، و ملت) می‌تواند منجر به خشونت شود، فقدان ارتباط و مهارت-های حل نزاع، فقر، الکل و سوءمصرف مواد، بی‌سوادی، بی‌خانمانی و فقدان دسترسی به پلیس و نظام دادرسی
- اجرای برنامه‌های اجتماعی آموزشی وسیع که موضوع خشونت خانگی را پررنگ می‌کند، استفاده از رسانه، جامعه مدنی، گروه‌های مذهبی و رهبران اجتماعی برای هدف قرار دادن جامعه و علاوه بر آن قربانیان و مهاجمان بالقوه
- اتخاذ سیاستی در پلیس در جهت پاسخ به ادعای خشونت علیه زنان و هر جا شواهد کافی باشد داشتن مجوز برای دستگیری
- سیاست دادستانی مبنی بر رسیدگی و به جریان انداختن تمام اتهامات مرتبط با خشونت علیه زنان⁵²
- به‌کارگیری مستمر واحدهای مخصوص پلیس و سیاست‌های ویژه دادگاه‌ها برای حفاظت از زنان
- آموزش ویژه و ایجاد حساسیت در متخصصان نظام دادرسی مانند افسران پلیس
- ابداع سیاست عمومی جدید توسط مقام‌های اجرایی و قضایی و با همکاری جوامع، برای تقویت سیستم‌هایی که به قربانیان خشونت پاسخ می‌دهند
- ایجاد گروه‌های تخصصی پلیس که اختصاصاً بر خشونت علیه زنان تمرکز دارند
- گشایش پاسگاه پلیس اجتماعی در محله‌ها به منظور افزایش دسترسی به پلیس
- گماشتن مددکاران ویژه برای کمک به قربانیان در دفاتر پلیس
- گماشتن مددکاران ویژه برای کمک به قربانیان در دادگاه

⁵² It is not necessary for all charges to go to trial, as a guilty plea prevents the need for a victim to face her abuser in public and possibly also to relive the trauma of the event.

- پلیس و نهادهای خدمات اجتماعی برای زنان قربانی خشونت خانگی، برنامه‌ریزی امنیتی فردی برای کمک به کاهش خطر وقایع آینده
 - استفاده‌ی پلیس از ابزارها و آموزش ویژه برای ارزیابی خطر تا مشخص شود که احتمال و شدت حملات بالقوه در آینده برای زنی که قربانی خشونت خانگی بوده چقدر است
 - سرپناه‌های اختصاصی برای زنانی که به آن‌ها حمله شده است
 - ایجاد مرکز تخصصی معاینه و درمان قربانیان در یک بیمارستان محلی با کارکنان زن
 - مراکز و برنامه‌های آموزش قانون برای اجتماع که آگاهی در مورد حقوق افراد و جبران‌های قانونی را افزایش می‌دهد
 - انجام مطالعات محلی و ملی و مرور اطلاعات موجود برای تعیین عواملی که منجر به خشونت علیه زنان می‌شود و سپس تدوین سیاست و راهبردهای عمومی برای رسیدگی به این عوامل
 - استقرار استانداردها و سازوکارهایی برای جمع‌آوری داده‌های مرتبط آماری در مورد خشونت علیه زنان
 - پایش سالانه آمار انحصاری جرایم مربوط به قربانی شدن زنان برای استفاده بهتر از سیاست‌ها، رویه‌ها، و منابع
- مانند بسیاری دیگر از انواع تغییرات فرهنگی، تشویق و تنبیه به یک میزان لازم است. وارد شدن نیازهای جدید مردم باید تشویق شود و از طرفی لازم است کسانی که خلاف فرهنگ قانونمندی رفتار می‌کنند آشکارا عواقب آن را ببینند. این امر یعنی زنان و مردانی که زنان را آزار می‌دهند در قبال عمل‌شان مسوول هستند.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در کاستاریکا، یک کمیته ویژه با شرکت مقامات ردیبالا تشکیل شده است تا به پیشگیری از قتل زنان در روابط نزدیک کمک کند. مؤسسه‌هایی که مستقماً در این هدف درگیر بودند پروتکلی را برای استفاده در موارد پرخطر برای زندگی یا سلامت زنان امضا کردند. وزارت امنیت و اطلاعات، وزارت دادگستری (مسئول زندان‌ها)، نظام ملی سلامت کاستاریکا، نظام قضایی، خدمات دولتی و مؤسسه ملی زنان همگی توافق کردند در همه مواردی که تهدیدی اتفاق افتاده یا شناسایی شده این پروتکل را دنبال کنند. هر دفعه که این نهادها به یک موقعیت خشونت علیه زنان برخورد می‌کنند، باید ارزشیابی خطر انجام شود تا اگر موقعیت پرخطر تشخیص داده شد اقدامات لازم شروع شود. یک پایگاه اطلاعاتی مشترک اطلاعات را از همه نهادها جمع‌آوری می‌کند و به این ترتیب اقدامات حفاظتی و همچنین تخطی از احکام و سایر اعمال و عوامل افزایش‌دهنده خطر قتل خانگی ثبت، به اشتراک گذاشته شده، و تعقیب شود.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

کشورهای متعددی (شامل آرژانتین، بولیوی (ایالت چندملیتی)، برزیل، هند، پرو، فیلیپین و اروگوئه) رویکرد راه‌اندازی واحدهای زنان یا پاسگاه‌های پلیس با کارکنان زن را اتخاذ کرده‌اند تا توانایی پلیس را برای پاسخ به نیازهای منحصر به فرد زنان قربانی ارتقا بخشند. فعالیت این واحدهای تخصصی بیشتر به خشونت علیه زنان، به‌خصوص خشونت خانگی مرتبط است. گزارش‌های شفاهی مطرح می‌کند که زنان از بسیاری از این ابتکارات استقبال می‌کنند چون آن‌ها معمولاً پذیرا و حامی زنان قربانی هستند.¹

این واحدهای تخصصی زنان همچنین به ارتقای حضور زنان در سیستم انتظامی کمک کرده و زنان بیشتری را به این حرفه جلب می‌کند چرا که آن‌ها می‌توانند آشکارا نشانه‌های مشارکت برابر زنان در امنیت جامعه، پیشگیری از جرم و پاسخ به جرم را ببینند.

1. Organization for Economic Cooperation and Development, "Conflict, peace-building, disarmament, security: (b) the police and equality between women and men", November 1998. Available from www.oecd.org/dataoecd/2/44/1896480.pdf.

۷. پاسخ به خشونت علیه زنان: نقش پلیس

در راهبردهای نمونه از کشورهای عضو مصرانه خواسته می‌شود که در چارچوب نظام قانونی ملی خود (پاراگراف ۸):

(الف) اطمینان حاصل کنند که ضوابط، رویه‌ها، و تمهیدات قانونی کاربردی مرتبط با خشونت علیه زنان مستمرا اعمال شده و متعاقبا به تمام اعمال جنایی خشونت‌بار علیه زنان مطابق با احکام نظام دادرسی رسیدگی می‌شود؛

(ب) سازوکارهای تحقیقی تدوین کنند که ضمن دارا بودن بهترین استانداردهای جمع‌آوری شواهد اجرای آن برای زنان در معرض خشونت خفت‌بار نبوده و در زندگی آنان دخالت نکند؛

(پ) از اجرای رویه‌های پلیس شامل تصمیم برای دستگیری، حبس و شرایط آزادی متخلف اطمینان حاصل کنند، برای قربانی و سایر افراد مرتبط در خانواده، اجتماع، یا هر فرد مرتبط دیگری نیاز برای امنیت را در نظر بگیرند، و هم-چنین اطمینان حاصل کنند که این رویه‌ها از اعمال خشونت‌بار آینده پیشگیری می‌کند؛

(ت) پلیس را برای پاسخ فوری به وقایع خشونت‌بار علیه زنان توانمند کنند؛

(ث) اطمینان حاصل کنند که پلیس از قدرت خود بر اساس حاکمیت قانون و ضوابط رفتاری استفاده می‌کند و پلیس در برابر هر نوع تخطی از آن مسؤول شناخته می‌شود؛

(ج) زنان را به الحاق به پلیس، از جمله در سطح اجرایی تشویق کنند.

بسیاری از کشورها هنوز راه زیادی برای رسیدن به هدف‌های مطرح در دستورالعمل در پیش دارند که شامل پاسخ ثابت و مستمر پلیس به وقایعی است که زنان را در معرض خشونت قرار می‌دهد.

این فصل راهنمایی و مثال‌هایی از تجربه‌های خوب ارائه می‌کند که نشان می‌دهد چگونه پلیس می‌تواند پاسخ بهتری به اعمال خشونت‌بار علیه زنان، از جمله خشونت خانگی داشته باشد. محتوای این فصل اختصاصا مرتبط با رفتار پلیس، نیاز برای سیاست‌های راهنما، فرایند و مراحل بازپرسی، شامل جمع‌آوری و حفظ شواهد، انجام مصاحبه، کمک به قربانیان و شاهدان و حفاظت از آنها، ارزیابی تهدید، پاسخ به متخلفان، حریم و رازداری، و سازوکارهای نظارت بر پلیس است.

هدف کتاب *راهنما* بررسی ملال‌آور رویکردهای پلیس در مورد بازپرسی موارد خشونت علیه زنان نیست، بلکه قصد آن معرفی و مرور رویکردهای پاسخ به خشونت علیه زنان، به‌خصوص برای استفاده‌ی آن دسته از ارگان‌های پلیس است که تا کنون رویکرد نظام‌مندی را در این رابطه اتخاذ نکرده‌اند.

منابع بین‌المللی ارزنده‌ای وجود دارد که عمیقا هریک از عناوین مطرح در بالا را کاوش می‌کند که مناسب است خوانندگان برای مطالعه بیشتر به آنها رجوع کنند (ضمیمه II را ملاحظه کنید).

الف) معرفی

از نظر تاریخی در بسیاری از کشورها پاسخ معمول پلیس به خشونت علیه زنان ارایه متغیر خدمات، عدم گزارش برخی موارد هم توسط پلیس و هم قربانیان، و نارضایتی قربانی است. بسیاری از مقامات پلیس خشونت خانگی را "موضوعی خصوصی" می‌دانند که بهتر است پشت درهای بسته باقی بماند. این دیدگاه منجر به نگرش‌ها و سیستم‌هایی شده است که پاسخ پلیس را به حداقل می‌رساند و پاسخ‌های تخصصی به زنان قربانی خشونت را سست می‌کند. افسرانی که واقعا برای برطرف کردن نیازهای زنان قربانی خشونت تلاش می‌کنند گاهی با تهمت و انزوای اجتماعی مواجه شده که تلاش‌های آن‌ها را بدنام می‌کند.

وظایف معمول پلیس عبارت است از:

الف) تحقیق مؤثر درباره موارد گزارش شده خشونت علیه زنان؛

ب) انجام بازپرسی همراه با احترام به حقوق و نیازهای هر زن، بدون افزودن بیهوده‌ی باری بر مشکلات قبلی؛

پ) اقدام برای حفاظت و حمایت از همه قربانیان جنایت؛

ت) پیشگیری از جرم، حفظ نظم عمومی، و اعمال قانون

در گذشته در بسیاری از کشورها، پلیس همه‌ی وظایف خود را در ارتباط با خشونت علیه زنان به انجام نمی‌رساند. اغلب پلیس قدم‌های اختصاصی لازم را برای پاسخ یا پیشگیری از خشونت علیه زنان بر نمی‌داشت. در برخی شرایط، مشکل اصلی زنان ارایه متغیر خدمات یا گاهی عدم پاسخ به شکایت‌های مرتبط با خشونت بود. این مسأله گاهی با دسترسی محدود به پلیس یا ناتوانی زنان در گزارش قربانی شدن پیچیده می‌شود.

اخیرا در بسیاری بخش‌های دنیا تغییرات زیادی ایجاد شده است. برخی دولت‌ها و نهادهای پلیس تعاریف استاندارد شده‌ای از خشونت خانگی را پذیرفته‌اند، دسترسی به پلیس و سایر خدمات برای قربانیان ارتقا پیدا کرده است، تعداد بیش‌تری افسران پلیس استخدام شده و ارتقا درجه یافته‌اند، پروتکل‌های استاندارد شده برای گزارش و مکتوب‌سازی تحقیق استفاده می‌شود، و اقداماتی پیشرفته برای پاسخ به نیازهای قربانیان و تأمین حفاظت در برابر آسیب بیش‌تر به‌کار گرفته می‌شود.

آموزش‌های پیشرفته برای پلیس و ابداع واحدهای تخصصی تحقیق برای پاسخ به گزارش‌های خشونت خانگی فراهم شده است. قوانین جدید اعمال می‌شود و در برخی کشورها دادگاه‌های تخصصی ویژه‌ی خشونت خانگی مستقر شده است.

برنامه‌هایی که آموزش اجتماع، آگاهی بیش‌تر، و پیشگیری از خشونت خانگی را ارتقا می‌دهند نیز طراحی و اجرا شده‌اند. مقامات محلی و دولت‌ها در بسیاری از کشورها اکنون به جمع‌آوری و پایش آمار مربوط به خشونت علیه زنان پرداخته‌اند.

پلیس نقش حیاتی در پیشگیری از خشونت علیه زنان بازی می‌کند. بخشی از این نقش چگونگی پاسخ به وقایع خشونت‌بار و اقداماتی است که باید برای حفاظت از زنان بلافاصله بعد از آن اتفاق، قبل و طی محاکمه، و بعد از آن اتخاذ شود.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

برای کمک به تضمین برابری استخدام در نیروی پلیس و قابل دستیابی کردن آن برای زنان، سازمان امنیت و همکاری اروپا تلاش‌هایی را در کوزوو مناطق دیگر بالکان شروع کرده تا استخدام پلیس زن در اولویت باشد. در کلاس‌های دانشکده ملی پلیس به‌طور متوسط ۱۸ درصد زن حضور داشت که پیش‌تر امری بی‌سابقه در منطقه بود. هم‌زمان، موضوع خشونت خانگی در آموزش دانشکده پلیس، هم به‌عنوان مشکل اجتماعی و هم به‌عنوان جرمی که باید در مورد آن تحقیق شود قویا مورد تأکید قرار گرفت.

ب. ضوابط اخلاقی برای مسوولان مجری قانون

در سال ۱۹۷۹، مجمع ملی (سازمان ملل) ضوابط رفتاری برای مجریان قانون را اتخاذ کرد که اظهار می‌داشت:

- پلیس باید با حفاظت از همه افراد در برابر اعمال غیرقانونی به اجتماع خدمت کند که این امر منطبق با سطح بالایی از مسوولیت است که مستلزم حرفه آنان است.
- مجریان قانون باید در اجرای وظایفشان به کرامت انسانی احترام گذاشته و آن را حفاظت کنند و از حقوق انسانی همه افراد نگهداری و پشتیبانی کنند.

هدف از ضوابط رفتاری اطمینان از انطباق مجریان قانون با اصول حقوق بشر، شامل احترام به همه افراد، مطابقت با قانون در همه زمان‌ها، و حفاظت از حقوق همه افراد، شامل کسانی که به قانون تجاوز می‌کنند، افراد آسیب‌پذیر مانند کودکان و نوجوانان، و زنانی است که مورد خشونت قرار گرفته‌اند.

قصور پلیس در مطابقت با این احکام ساده عواقب منفی زیادی در پی دارد که شامل اعمال مجازات قانونی/انضباطی برای خود افسران پلیس، از دست رفتن احترام، حمایت و همکاری اجتماع، و از دست رفتن باور عمومی اجتماع به پلیس و احترام به آن و در مقیاس بزرگتر به نظام دادرسی کیفری است.

پ. سیاست‌های راهنمای نهاد پلیس

حضور سیاست‌های راهنما برای پاسخ مؤثر و مناسب پلیس به وقایع خشونت خانگی و پیشگیری از افزایش وقایع مشابه در آینده حیاتی است. سیاست‌ها جهت را مشخص کرده و باور یک نهاد را به تجربه‌های خوب اعلام می‌کند.

اظهارات مقام‌های ارشد دولت در مورد سیاست عمومی می‌تواند از سیاست‌های پلیس پشتیبانی کند. این سیاست‌ها می‌تواند خشونت علیه زنان و خشونت خانگی را تخلفات جنایی شناخته و بر دستگیری مستقیم و بازپرسی از متخلفان تأکید کند. دامنه چنین سیاست‌هایی می‌تواند آنقدر وسعت داشته باشد که حتا مشخص کند چه اقدام‌های حمایتی از طرف پلیس، دادستان، دادگاه و زندان‌ها برای تضمین حفاظت از زنان و کودکان در خطر لازم است.

سیاست عمومی پلیس می‌تواند در این موارد هدایت‌کننده باشد: اجرای مستمر اقدامات قانونی، دستگیری‌های اجباری و طرح اتهام (هرجا قانون و شواهد اجازه دهد)، درخواست برای وثیقه/شرایط آزادی یا حبس با دستور دادگاه، تحقیق کامل و تأمین مساعدت برای قربانیان که همه این موارد به حمایت از آنان کمک خواهد کرد.

سیاست‌های عملیاتی نهاد پلیس باید به تعاریف حقوقی از خشونت علیه زنان رجوع کند و وقوع آن را در روابط عرفی، ازدواج، و رابطه بین همجنس به رسمیت بشناسد. به این موارد باید رابطه به‌صورت قرار ملاقات، روابط پایان‌یافته، و همچنین اعمال خشونت‌باری که در جامعه نسبت به زنان رخ می‌دهد را اضافه کرد. علاوه بر اعمال خشونت‌آمیز عمومی نسبت به زنان، بیانیه‌های سیاست‌گذاری می‌تواند به اشکال مختلف خشونت خانگی از جمله تحت نظر گرفتن و آزار جنایی اشاره کند.

در سیستم انتظامی، بیانیه‌های سیاست‌گذاری نه تنها می‌تواند به پلیس در خط مقدم پاسخ‌گویی جهت دهد، بلکه برای بازپرسان و ناظران ثانویه، کسانی که به تلفن‌ها جواب می‌دهند، افرادی که نیرو به محل اعزام می‌کنند، و کارکنان پذیرش که ممکن است اولین نقطه تماس با قربانی باشند نیز تعیین جهت می‌کند. راستای این سیاست باید در جهت اولویت پاسخ/تمرکز بر همه گزارش‌های خشونت خانگی، حساسیت‌های منع شده، نیاز به اطمینان از امنیت قربانی، شواهد لازم،

طرح اتهام برای متخلفان، اقداماتی برای کاهش اعمال خشونت‌بار در آینده، گنجاندن فرایندهای اداره مورد و پیگیری، ارجاع به خدمات دیگر و نقش پلیس در محاکمه باشد.

سیاست‌ها می‌تواند جزییات بیشتری را در مورد هدایت پاسخ افسران ارائه کند. آنان باید:

- سریعاً طرفین دعوا را جدا کنند.
- برای اطمینان از امنیت قربانی، از جمله کودکانی که ممکن است حضور داشته باشند، اقدام کنند.
- اگر لازم بود به هریک از طرفین برای گرفتن کمک پزشکی کمک کنند.
- اگر مانع زبانی وجود دارد حتماً در زمان لازم ترتیبی برای حضور یک مترجم داده شود. کودکان و اعضای خانواده نباید به‌عنوان مترجم استفاده شوند.
- مطابق با روند تحقیق در واحد خدمات پلیس شواهد را جمع‌آوری و حفظ کنند. این شواهد می‌تواند شامل ذکر رفتار و گفته‌های طرفین دعوا و گزارش دقیق اتفاقات، صرف نظر از وارد شدن اتهام یا گزارش تخلف باشد.
- اطمینان حاصل کنند هر کودکی که در صحنه حضور داشته حمایت/کمک مناسب را در صورت لزوم دریافت می‌کند که شامل ارجاع به نهادهای مناسب است.
- یادداشتهای دقیق بردارند که شامل یادداشت اعمال و گفتار همه طرفین درگیر است.
- مصاحبه‌های دقیق با همه قربانیان و شاهدان انجام دهند.
- به قربانی در برنامه‌ریزی برای تأمین امنیت فردی کمک کنند.
- مهاجم یا فردی که ادعا شده مهاجم است را استنتاج کنند.
- صرف نظر از این که اتهامی وارد شده یا نه، گزارش تفصیلی از واقعه خشونت خانگی تهیه کنند. اطلاعات باید در سیستم اطلاعات خدمات پلیس برای رجوع در آینده وارد شود.

پاراگراف ۸ راهبردهای نمونه اتخاذ چنین سیاست‌هایی و پاسخ هماهنگ و استاندارد پلیس را به وقایع خشونت خانگی تشویق می‌کند. این سیاست‌ها شامل رویه‌های پلیس از جمله تصمیم برای دستگیری، حبس، و شرایط هر نوع آزادی متخلف، در نظر گرفتن نیاز قربانی و سایر وابستگان خانوادگی، اجتماعی و دیگران برای امنیت است. سپس مطرح می‌کند که این رویه‌ها از وقوع خشونت‌های آینده پیشگیری می‌کند و این که اختیارات پلیس و استفاده از آن باید مطابق با حاکمیت قانون و ضوابط اخلاقی باشد و پلیس برای هر نوع تخطی از آن مسؤول شناخته می‌شود.

بعضی واحدهای پلیس ممکن است فرم‌های تخصصی برای خشونت خانگی داشته باشند که باید افسر بازپرس آن را تکمیل کند. این فرم‌ها ممکن است شامل درخواست برای بازپرسی بعدی یا ارجاع قربانی به واحد تخصصی مددکاری باشد. برخی نهادهای دیگر ممکن است فرم ارزیابی خطر/احتمال خطر داشته باشند که هدف آن کمی کردن میزان خطر از طرف مهاجم به قربانی است. برخی دیگر از افسران بازپرس به قربانی کمک می‌کنند که خود ارزیابی از احتمال ادامه خطر را انجام داده و برای امنیت فردی برنامه‌ریزی کند.

در سال ۲۰۰۶، انجمن بین‌المللی فرماندهان پلیس نمونه سیاستی را برای تدوین راهنمای بین‌المللی پلیس برای پاسخ به خشونت خانگی اتخاذ کرد.^{۵۳} در خط مشی ارایه شده از افسران انتظار می‌رود:

- دستگیری و بازپرسی را ابزارهای ارجح پلیس در پاسخ به خشونت خانگی بدانند
- اقدامات مناسبی برای هر نوع تخطی دایم، موقت، یا غیرمنتظره از احکام حفاظتی اتخاذ کنند
- حفاظت و حمایت را برای قربانیان بزرگسال و کودک که قربانی خشونت خانگی شده‌اند فراهم کنند
- امنیت مجریان قانون را که به وقایع خشونت خانگی رسیدگی می‌کنند بهبود بخشند
- با همکاری ذی‌نفعان اجتماعی و با هدف پیشگیری از سوءاستفاده و آزارهای بعدی، حمایت و مساعدت لازم را برای قربانیان و شاهدان خشونت خانگی فراهم کنند
- تحقیقات را کامل کرده و بعد از تعیین علت احتمالی، مهاجمان اصلی را دستگیر کنند

خط مشی فراتر می‌رود و عواملی را که ممکن است افسران در تصمیم برای دستگیری در نظر نگیرند مشخص می‌کند؛ عواملی مانند وضعیت تأهل، حقوق مالکیت یا اجاره‌داری، تعهد کلامی در مورد توقف خشونت، وضعیت هیجانی قربانی، جراحات‌های آشکار و پنهان، انکار خشونت خانگی توسط هریک از طرفین، باور به این که دستگیری منجر به محکومیت نمی‌شود، عواقب اقتصادی دستگیری برای هریک از طرفین، وضعیت نژادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، یا حرفه‌ای یا جهت‌گیری جنسی قربانی یا مظنون، استفاده از الکل یا مواد یا هردو توسط هریک از طرفین، یا فهمیدن تمایل هریک از طرفین برای شهادت یا مشارکت در فرایند قضایی.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در کشور متحد پادشاهی بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی، بعضی شهرها مکان‌های شبانه‌روزی را با عنوان "مهمان‌خانه وثیقه" باز کرده‌اند که وقتی کسی متهم به خشونت خانگی شده باید در زمان انتظار برای محاکمه در این محل اقامت کند. این شرایط به آن‌ها کمک می‌کند به جای زندانی شدن پیش از محاکمه به کار و کمک به حمایت از خانواده ادامه دهند. این مهمان‌خانه‌ها همچنین به قربانی و فرزندان او اجازه می‌دهند به زندگی خود در خانه ادامه داده و از خشونت‌های بیشتر در امان باشند.

اقداماتی هم صورت گرفته که به پلیس اجازه می‌دهد گزارش‌های شخص ثالث را در مورد خشونت خانگی به‌خصوص در مواردی که قربانی خیلی هراسان است یا مایل به اظهار چیزی نیست بپذیرند. ابتکاری با نام "دیدهبان امنیت" نیز پیشنهاد شده که همسایگان را تشویق می‌کند موارد مظنون خشونت خانگی را به پلیس گزارش کنند.

ت. تحقیق در مورد اعمال خشونت‌بار علیه زنان

در پاراگراف ۸ (ب) راهبردهای نمونه، از کشورها مصرانه خواسته می‌شود که در مسایل مربوط به پلیس سازوکارهای تحقیقی با استانداردهای بالا برای جمع‌آوری بهترین شواهد تدوین کنند که برای زنان در معرض خشونت تحقیرآمیز نبوده و همراه با حداقل دخالت در زندگی آنان باشد. این امر مستلزم تدوین و اتخاذ روندهای حساس به ماهیت منحصر به فرد جرم و قربانی، هردو است.

⁵³ Available from www.iacp.org.

تحقیق تمرین منظم حل مشکل است که متضمن شناسایی تخلف با بررسی حقایق و شرایط حاکم در یک واقعه و شناسایی راه حل اجرایی با توجه به حقایق و شرایط است. با توجه به پیچیدگی‌ها و ماهیت پر فعل و انفعال خشونت خانگی تحقیق در این موارد ویژگی‌های منحصر به فرد خود را دارد اما هدف و اصول راهنما عمدتاً همانند سایر موارد است.

هدف تحقیق عبارت است از:

- تشخیص این که آیا تهاجمی اتفاق افتاده یا رد این ادعا
- شناسایی قربانیان و شاهدان
- جمع‌آوری و حفظ همه شواهد مرتبط
- کشف علت، شیوه، و محل یک تخلف
- اثبات هویت فرد/افراد مظنون یا مسؤل
- هرجا مقدور بود، فراهم کردن زمینه ایراد اتهام
- مکتوب‌سازی تحقیقات و شواهد، و آماده کردن شواهد برای ارایه در محاکمه
- پیشگیری از قربانی شدن بیشتر (شامل قربانی و دیگر کسانی که ممکن است تحت تأثیر قرار گیرند مانند کودکان)

معمولاً تحقیق وقتی مؤثر است که بازپرس:

- در هنگام بازپرسی منش حرفه‌ای، بی‌طرف، و هدفمند داشته باشد
- در زمان جمع‌آوری شواهد مربوط به آسیب بدنی و ثبت اظهارات دقیق و جدی عمل کند
- همیشه شأن و احترام طرفین درگیر را حفظ کند
- اگر تخلفی رخ داده، فرد (افراد) مسؤل را شناسایی و شواهد کافی برای اثبات مورد در دادگاه جمع‌آوری کند
- در جهت تأمین امنیت همه طرف‌های درگیر اقدام کند

یک بازپرس خوب:

- درک خوبی از ترتیب مراحل کار دارد و اهمیت آن را در فرایند بازپرسی می‌داند
- تمام حقایق بازپرسی را دقیق و کامل مکتوب می‌کند
- به شواهد احترام می‌گذارد (چه چیزی مدرک تلقی می‌شود، چه ارزشی دارد، چگونه جمع‌آوری، حفظ و مکتوب می‌شود)
- رویکردی تحلیلی و خلاق در حل مشکل دارد
- تمام ابزار و منابع موجود بازپرسی را به نحو مؤثر استفاده می‌کند

با این که در گذشته و حتا در حال حاضر گزارش‌های زیادی از عملکرد ضعیف پلیس در پاسخ به خشونت خانگی وجود داشته، کارهای زیادی برای پاسخ بهتر به چنین خشونت‌ها و رسیدگی به نیازهای قربانیان انجام شده است.

در موارد خشونت خانگی گاهی قربانیان از شکایت به پلیس، ایراد اتهام، یا شهادت در جریان محاکمه ابا دارند. در برخی کشورها تصمیم‌گیری در مورد طرح اتهام را از دست قربانی خارج کرده و سیاستی اتخاذ کرده‌اند که وقتی شواهد کافی به نفع اتهام وجود دارد طرح اتهام اجباری است. در چنین مواردی، از پلیس خواسته می‌شود بازپرسی کاملی در مورد تمام ادعاهای مربوط به خشونت خانگی انجام داده و مهاجم را دستگیر کند. کشورهایی که چنین سیاستی را اتخاذ کرده‌اند باور دارند این کار در جهت بهترین منفعت قربانی است و به این ترتیب می‌توان به افزایش امنیت او در آینده کمک کرد.

در کشورهایی که در طرح اتهام نیاز به همکاری قربانی است، او ممکن است از پیش بردن اتهام به دلایل مختلف اکراه داشته باشد. احتمال دارد از انتقام فرد مهاجم و خانواده او، یا طرد اجتماع هراس داشته باشد و یا بترسد اگر فرد آزارگر از خانه دور شود تنها بماند. در چنین شرایطی لازم است پلیس توجه ویژه‌ای به ترس‌های قربانی و کمک به کاهش آن نشان دهد و در جهت حفاظت از او قدم بردارد. این کار ممکن است شامل انتقال قربانی به سرپناه، و هر جا قانون اجازه دهد تا زمانی که با قربانی برای برنامه‌ریزی امنیت شخصی کار می‌شود صدور احکام ممانعتی برای مهاجم باشد. همه‌ی این‌ها باید همراه با تحقیقات کامل پلیس، شامل مصاحبه دقیق با قربانیان و شاهدان، استنتاج مهاجم و جمع‌آوری شواهد باشد.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

گروه دیانا توسط نیروی پلیس محلی در سویل اسپانیا تشکیل شد.

در سال ۲۰۰۲، به دنبال پروتکلی که بین اداره مساوات و دفتر دولت محلی شورای شهر سویل امضا شد، یک واحد تخصصی در نیروی پلیس محلی برای رسیدگی به خشونت مرتبط با جنسیت تشکیل شد. تشکیل واحد تخصصی، گروه دیانا، بعد از این بود که تشخیص داده شد هر چند زنان در معرض سوءاستفاده مکرر از خدمات پلیس استفاده می‌کنند، اغلب پلیس را دور از خود می‌دانند. در نتیجه، گروه دیانا سازمان‌دهی شد تا از قربانی شدن ثانویه جلوگیری کند و حمایت لازم را برای بازماندگان از طریق مراقبت تخصصی فراهم آورد و به این ترتیب بازماندگان به جای برخورد با مسؤولان متعددی که از شرایط کلی آنان آگاهی ندارند، توسط گروهی با تعلیمات ویژه که مشکلات خاص آنان را می‌دانند دیده خواهند شد.

شناخت فعل و انفعالاتی که در این نوع خاص از جرایم وجود دارد و تأثیری که می‌تواند بر زندگی قربانیان داشته باشد مبنای معیارهای مداخله خواهد بود که این معیارها عبارت است از: فوریت، نزدیکی، و تداوم. برای این که واحد پلیس محلی به بازماندگان نزدیک‌تر شود، نامی را برگزید که خلاصه چیزی نبود و عنوان رسمی تلقی نمی‌شد، و برای این که تا حد امکان خدمات ارائه شده مؤثر باشد افسران آن لباس فرم نمی‌پوشیدند.

Amnesty International, *Spain: More than words—Making Protection and Justice a Reality for Women who Suffer Gender Based Violence in the Home* (London, 2005), p. 27.

پاسخ پلیس: عمومی

وظیفه پلیس پیشگیری و تحقیق در مورد جرایم جدی است؛ این امر شامل مسؤولیت انجام تحقیقات فراگیر در مورد همه جرایم خشونت خانگی و برخورد با همه افراد درگیر با رعایت شأن و احترام آنان است.

تحقیق در مورد جرم یک فرایند است و به‌طور خلاصه موارد زیر را شامل می‌شود:

- پاسخ اولیه و سریع به همه مواردی که به‌عنوان خشونت خانگی اعلام شده است
- تضمین امنیت همه افراد درگیر
- شناسایی جرم و همه کسانی که مستقیماً در آن درگیرند (قربانی، شاهد، مرتکب(ان))

- بهره‌گیری از همه ابزارهای ممکن بازپرسی (برای مثال اثر انگشت، متخصصان، پزشکان)
- گردآوری منظم همه شواهد مرتبط (برای مثال اظهارات قربانی و شاهد، اسلحه، نامه، نوشته، مو)
- مکتوب‌سازی تحقیق و تهیه گزارش دادگاه
- تدارک و فراهم آوردن حمایت برای شاهد طی روند دادگاه⁵⁴

پاسخ پلیس به وقایع خشونت خانگی بر مبنای اصول اعلام شده آن و بر اساس نحوه اولویت‌بندی خشونت علیه زنان که همه این موارد در راهنماهای عملیاتی تعریف شده است.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

سازمان همکاری فرماندهان پلیس جنوب آفریقا یک بسته آموزشی جامع برای ارایه به پلیس منطقه تهیه کرده است. این بسته که راهنمای آموزشی SARPCCO: خشونت علیه زنان و کودکان نام دارد شامل درس‌نامه آموزشی و راهنمای شرکت‌کنندگان است. مواد آموزشی بر انواع مختلف خشونت علیه زنان و کودکان تمرکز دارد که شامل تجاوز، آزار جسمی، سوءاستفاده جسمی، قاچاق زنان و کودکان، خشونت در زمان نزاع مسلحانه، و رویه‌های آسیب‌رسان سنتی است. راهنماهای پیشنهادی که در آموزش گنجانده شده برای اقدام و پیشگیری پلیس است و اکنون در سراسر جنوب آفریقا ارایه می‌شود.

پاسخ اولیه (افسران گشت پلیس)

به نخستین افسرانی که در صحنه خشونت خانگی حاضر می‌شوند توصیه می‌شود که:

- سریعاً قربانی را از مهاجم جدا کرده و از امنیت او اطمینان حاصل کنند. چون این موقعیت اغلب توأم با اعمال قدرت و کنترل است، افسران لازم است در عین این که همواره امنیت خود را در اولویت قرار دهند، اطمینان حاصل کنند که طرفین دعوا نمی‌توانند یکدیگر را ببینند و صدای هم را بشنوند.
- برای حفاظت از همه افراد حاضر، مشخص کنند اسلحه‌ای در صحنه وجود دارد یا نه و همه را خلع سلاح کنند.
- اگر مهاجم حضور دارد او را جدا کرده، و جستجوی بدنی کرده تا مطمئن شوند خطری ندارد و سپس از صحنه دور کنند.
- درمان پزشکی برای افراد مجروح فراهم کنند
- حقایق اولیه در مورد واقعه را معلوم کرده و تخلف را مشخص کنند
- شروع به شناسایی و جمع‌آوری شواهد بالقوه در رابطه با تخلف کنند
- مصاحبه اولیه با قربانی را انجام دهند (ممکن است مصاحبه عمیق که شامل ثبت رسمی اظهارات است بعداً انجام شود)
- با همه شاهدان مصاحبه کرده و در صورت لزوم اظهارات را مکتوب کنند

⁵⁴ Adapted from the SARPCCO Training Manual ..., p. 132.

- برای هرگونه پیگیری/بازپرسی ثانویه برنامه‌ریزی کنند (برای مثال پزشکی قانونی، معاینه پزشکی)
- برای کمک به مراقبت و حمایت از قربانی با خدمات ویژه قربانی (اگر موجود باشد) تماس برقرار کنند
- تحقیق را مکتوب و گزارش رسمی از شواهد و اظهارات تهیه کنند.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در اتریش، قانون تفکیک به پلیس اختیار لازم را برای انتقال فرد مرتکب خشونت خانگی به محلی دیگر برای ۱۰ روز می‌دهد. زنان می‌توانند برای تمدید حکم به دادگاه درخواست دهند. قوانین مشابهی در آلمان و سوئیس اجرا می‌شود. بسیاری از حوزه‌های قضایی امکان احکام محافظتی را، شامل اخراج مهاجم از خانه مشترک فراهم می‌کنند. اجزای دیگری می‌تواند مکمل این احکام باشد که شامل دسترسی به سرپناه، محافظت از قربانی/شاهد، و قوانین منع آزار و تحت نظر گرفتن است. این موارد روشن می‌کند که چگونه قوانین با همراهی پلیس، دادگاه و حمایت اجتماع می‌تواند به ایجاد حاشیه امن برای زنان در برابر خشونت آینده کمک کند.

تضمین امنیت قربانی

در راهبردهای نمونه، پاراگراف ۸ (c) از کشورهای عضو مصرًا خواسته می‌شود که در رویه‌های پلیس نیاز برای امنیت قربانی و دیگر وابستگان خانوادگی، اجتماعی و غیره را در نظر بگیرند. این رویه‌ها شامل تصمیم برای دستگیری، حبس، و شرایط آزادی مهاجم و همچنین پیشگیری از اعمال خشونت‌بار آینده است.

تحقق حقوق قربانی و ایجاد نظامی که حریم، کرامت، و اختیار آنان را محترم شمارد اصول عملکرد خوب و نمونه پلیس است.^{۵۵}

در برخی کشورها پلیس محدودیت‌هایی دارد. حتی اگر همسایه‌ها پلیس را خبر کرده و تأیید کنند فریادها و صداهایی شنیده‌اند که نشان‌گر واقعه‌ای خشونت‌بار بوده است، آن‌ها نمی‌تواند متوسل به زور شده یا بدون حکم جستجو به منازل مسکونی وارد شوند. در برخی کشورها افسران پلیس تنها در صورتی می‌توانند وارد ملک خصوصی افراد شوند که یکی از ساکنان به آن‌ها مجوز داده باشد.

افسران مجری قانون می‌توانند در شرایطی مانند آنچه در بالا ذکر شده بدون نقض حق حفاظت از املاک شخصی و حقوق فردی رویه‌هایی را اتخاذ کنند که عبارتند از:

- پلیس به همه تماس‌ها صرف نظر از این که از طرف چه کسی است (قربانی، کودکان، همسایه‌ها) پاسخ دهد. به همه تماس‌ها حتی در مواردی که هیچ سابقه‌ای از خشونت یا مداخله پلیس در خانواده وجود ندارد رسیدگی خواهد شد.
- در زمان ورود به صحنه‌ی وقوع تهاجم، افسران پلیس باید خود را معرفی و با ساکنان خانه صحبت کنند (احتمال دارد فردی که با او صحبت می‌شود خود مهاجم باشد چرا که او می‌خواهد بر این که چه کسی وارد خانه می‌شود کنترل داشته باشد)، و علت حضور خود را در خانه آنان توضیح دهند.
- افسران پلیس برای ورود با آن منزل مسکونی درخواست مجوز کرده و بررسی کنند که همه چیز مرتب است. آن‌ها همچنین باید با همه ساکنان آن محل صحبت کرده تا مطمئن شوند همه در امنیت هستند.

- ثر صورت وجود مقاومت، پلیس باید آن را گزارش و مشخصات ساختمان و جزئیات مکالمه با ساکنان را شرح دهد. مهم است که برای مهاجم احتمالی روشن کنند که واقعه توسط پلیس گزارش خواهد شد و ممکن است اقدامات قانونی علیه او به کار رود.
- همچنین لازم است افسران پلیس اطلاعاتی از همسایه‌ها، به‌خصوص در مورد جزئیات واقعه، جمع‌آوری کنند (مشاجره، فریاد، تخریب اشیا). افسران پلیس باید دقت کنند هنگام مصاحبه با همسایه‌ها آن‌ها را در معرض خشونت قرار ندهند.
- وقتی افسران پلیس مجوز ورود به محل مسکونی را دارند و موفق می‌شوند با قربانی حرف بزنند یا او را ببینند، مهم است که بتوانند ارزیابی کلی خطر در مورد سلامت جسمی او انجام دهند. پلیس باید بررسی کند که آیا قربانی آسیب‌دیده از نظر روان‌شناختی وضعیت گوش به زنگ را نشان می‌دهد (سطح بالای استرس، حالت شوک، افسردگی)، آیا وسایل خانه یا اشیای دیگری شکسته شده، و آیا در ساختمان اسلحه وجود دارد.
- افسران پلیس باید با قربانی و مهاجم جداگانه صحبت کنند و به دنبال شواهدی برای کمک به طبقه‌بندی آن واقعه به‌عنوان جرم باشند.

پاسخ ثانویه (بازپرسان)

- برحسب جرم، شدت، و پیچیدگی آن و نیازهای منحصر به فرد قربانی و خانواده او، ممکن است سطح دومی از پاسخ پلیس از طرف بازپرسان، سرپرستان، و یا یک تیم چند چندحوزه‌ای وجود داشته باشد. در برخی کشورها واحدهای پلیس که وظیفه تحقیق وقایع خشونت خانگی را دارند بخشی از واحد بزرگتر رسیدگی به جرایم هستند. این ساختار تعهد نهاد پلیس به ریشه‌کنی این شکل از جرم و تضمین حفاظت از زنان را نشان می‌دهد.
- برای تضمین پاسخ منظم پلیس که بتواند به بهترین نحو نیازهای محافظتی را، به‌خصوص در موارد خشونت خانگی برآورده کند، یکی از نقش‌های بازپرسان ثانویه اداره کلی مورد است. این امر شامل در جریان گذاشتن قربانی از سیر رسیدگی به مورد، حکم آزادی/حبس مهاجم، و نحوه دسترسی به خدمات بیشتر است.
- "اداره مورد" که به آن "اداره پرونده" نیز گفته می‌شود، فرایندی است که در ادامه‌ی "اداره" یک تحقیق اتفاق می‌افتد، و شامل هماهنگی در گردآوری شواهد، مصاحبه با قربانی و شاهد، پیگیری، شناسایی و توقیف فرد متخلف است. در بسیاری از موارد بازپرسان با چالش‌های زیادی مواجه می‌شوند که شامل:

- اداره زمان
- خستگی بازپرس
- اداره تقاضاهای زیاد برای خدمات و منابع
- هدایت و اداره بازپرسی‌های متعدد
- طبقه‌بندی و تحلیل معنی و ارزش حجم زیاد اطلاعات
- پیگیری مدارک، شواهد، و اظهارات قربانی/شاهد

- شناسایی و مصاحبه با همه شاهدان و قربانیان مرتبط
- شناسایی و یافتن محل متخلف(ان)
- تضمین امنیت آینده قربانی
- ثبت یافته‌ها در پرونده و در جریان گذاشتن مسؤولان از ارزشیابی‌های انجام شده در مورد موضوع و پیشرفت مورد

اداره مورد می‌تواند برای به حداقل رساندن مداخله در زندگی قربانی باشد که یکی از راه‌های آن کاهش نیاز به انجام مصاحبه‌های بیش‌تر است.

اغلب به‌جای استفاده از پرونده الکترونیک بیش‌تر کارهای مربوط به اداره مورد/تحقیق دستی و توسط قلم و کاغذ انجام می‌شود. کمبود منابع، ثبت نامناسب پرونده‌ها، اطلاعات جابجا شده یا گم‌شده همه می‌توانند منجر به اشتباهاتی در تحقیق، تأخیر در حل و فصل یک مورد، عدم شناسایی ارتباط با سایر موارد و خلأ در حفاظت از قربانی شود. هر مشکلی می‌تواند سطح آسیب وارد شده به قربانی یا شاهد را افزایش داده و منجر به ادامه‌ی کارهای متخلف شود.

اداره مورد همان‌قدر که به اداره افراد و منابع مرتبط است به اداره داده‌ها و شواهد نیز ربط دارد. اداره مورد بر تعیین و محول کردن وظایف/کارکرد تحقیق، مسؤلیت‌پذیری، ابداع سیستم‌ها و رویکرد نظام‌مند به اداره داده‌ها تمرکز دارد که هدف کلی همه این‌ها حل و فصل موارد و پیشگیری از ادامه قربانی شدن یا وقوع آن در آینده است.

گروه‌های چندحوزه‌ای اغلب در موارد پیچیده، به‌خصوص در تحقیق موارد بزرگ و با آسیب بالا استفاده می‌شود که معمولاً در این شرایط پلیس ممکن است ابزارهای تخصصی، دانش یا منابع برای رفع همه نیازهای قربانیان را نداشته باشد؛ برای مثال در مورد جرایمی که قربانی آن‌قدر آسیب‌دیده که نمی‌تواند چیزی اظهار کند، از نوعی اختلال شناختی/روانی رنج می‌برد، یا نیاز به کمک مترجم وجود دارد. در تمام این موارد ممکن است لازم باشد بازپرسان با مشاوران، مددکاران اجتماعی، روان‌شناسان، یا دیگران همکاری کنند تا مساعدت تخصصی را برای کمک به قربانی و بازپرسان هر دو فراهم آورند.

واحدهای بازپرسی تخصصی، حمایت و خدمات

برحسب نوع نهاد پلیس، تعدادی گروه‌های تخصصی وجود دارند که درگیر کار با خشونت علیه زنان، و به‌ویژه خشونت خانگی هستند. این‌ها عبارتند از:

- واحدهای بازپرسی که منحصراً در خدمت پاسخ به وقایع خشونت خانگی است. این واحدها همه جنبه‌های بازپرسی و اطمینان از امنیت قربانی را شامل می‌شود. در برخی نهادها این واحدها کاملاً یا عمدتاً از بازپرسان زن تشکیل شده است.
- واحدهای جنایی ویژه‌ی آزار/تحت نظر گرفتن برای مواردی که آزار یا جرم محرز شده ادامه می‌یابد. این موارد را گاهی "تحت نظر گرفتن" تعریف می‌کنند.
- واحدهای ارزیابی تهدید که ممکن است در حفاظت از قربانی پیش از محاکمه و بعد از آن دخیل باشند.
- واحدهای پزشکی قانونی/صحنه جنایت که شواهد را جمع‌آوری و تحلیل می‌کنند.

- خدمات ویژه قربانیان که شامل کارکنان حقوق‌بگیر و داوطلب است که به صحنه جرم فرا خوانده می‌شوند تا جانشین بازپرسان در کمک به قربانیان و تسلی آنان شوند. این افراد دسترسی به خدمات حمایتی بیشتر و هرجا مقدور بود جبران مالی را تسهیل می‌کنند. آن‌ها همچنین ممکن است به‌عنوان نوعی حامی همراه قربانی در دادگاه حاضر و او را از جریان محاکمه و نتیجه آن مطلع نگهدارند.

برخی از این واحدهای تخصصی به دادگاه‌ها، زندان‌ها، خدمات اجتماعی و سایر نهادهای دولتی و اجتماعی وابستگی دارند که همگی مرتبط با تحقیق، محاکمه یا امنیت قربانی است. همه آن‌ها در حل و فصل مورد و ایجاد امنیت برای قربانی سهیم هستند.

نهادهای پلیس که در فکر راه‌اندازی واحدهای پلیس متشکل از زنان هستند باید در نظر بگیرند که خطر تبدیل آن به واحد اقلیت‌ها وجود دارد. به این معنی که با تشکیل گروه‌هایی تماماً زنانه، این واحدها به حاشیه رانده می‌شوند و اثربخشی یا برداشتی که از سودمندی آن‌ها وجود دارد کاسته می‌شود. در عوض باید تقویت موضع، اهمیت، و جایگاه این واحدها را در نظر گرفت. وضعیت مطلوب این است که آن‌ها را واحدهای برگزیده در نظر گرفت که ورود به آن دشوار است، به تعلیمات عالی و ابزار پیشرفته دسترسی دارد، و در خدمت هدفی مهم است.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

برزیل از کشورهایی بود که در استفاده از واحدهای تخصصی پلیس برای حمایت از زنان قربانی خشونت خانگی پیشقدم شد. در سال ۱۹۸۵، پلیس برزیل در یک ایالت اولین پاسگاه تخصصی پلیس را برای رسیدگی به وضعیت زنان قربانی خشونت خانگی و خشونت جنسی راه‌اندازی کرد. ریشه راه‌اندازی این تسهیلات در تشخیص این حقیقت بود که هرچند خشونت در جامعه شیوع گسترده‌ای داشت اما گزارش‌های کمی از این وقایع به پلیس و متعاقباً موارد کمی به دادگاه می‌رسید و محاکمه می‌شد.

سازمان‌های طرفدار حقوق زنان که از اوایل دهه ۷۰ میلادی در خدمت ارابه حمایت‌های حقوقی و روان‌شناختی به قربانیان خشونت خانگی بودند، گزارش کردند افسران تعلیم‌نדיده مجری قانون موجب دل‌سردی معدود زنانی می‌شدند که شهادت مراجعه به پلیس و ثبت شکایت علیه شوهران بدرفتار خود را داشتند. برای مثال حرف زنان را باور نمی‌کردند، گاهی آن‌ها را تحقیر کرده و باعث می‌شدند آن‌ها در آن اتفاق خود را مسوول حس کنند، و گاهی سؤال‌هایی می‌پرسیدند که تجاوز به حریم خصوصی زنان تلقی می‌شد. در نهایت، ندرتا شکایتی ثبت می‌شد و زنان را نصیحت می‌کردند که بهتر است به خانه برگردند و وضعیت را با "پختن یک غذای خوشمزه برای شوهرشان و راه نینداختن یک دعوای دیگر" آرام کنند.

در بیشتر موارد سوءاستفاده جنسی تحقیر از این هم بدتر بود و قربانی اغلب متهم می‌شد که خود مقصر بوده است.

برای تغییر این وضعیت دولت ایالت سائوپائولو اولین واحد حمایتی را برای زنان راه‌اندازی کرد. در پروژه اولیه کمک منحصرًا توسط افسران پلیس زن ارائه می‌شد زیرا این باور وجود داشت که قربانیان راحت‌تر می‌توانند درباره تهاجم رخ داده صحبت کنند. با توجه به پیچیدگی‌های موضوع آزار همسر، لازم بود واحدها علاوه بر خدمات پلیس، حمایت روان‌شناختی، اجتماعی، و قانونی نیز ارائه کنند. برای اطمینان از رفتار محترمانه با قربانیان، لازم بود تمام کارکنان واحد دوره‌های آگاه‌سازی در مورد مسایل جنسیتی و سایر دوره‌های تخصصی را بگذرانند.

این تجربه رشد کرد. در حال حاضر در برزیل ۳۶۰ واحد حمایتی تخصصی پلیس برای زنان قربانی خشونت خانگی و خشونت جنسی وجود دارد. این واحدها تبدیل به مرجعی برای زنان در معرض خشونت شده‌اند و تعداد موارد گزارش‌شده به پلیس هر سال در حال افزایش است.

جمع‌آوری شواهد

شواهد می‌تواند مادی (برای مثال اسلحه، سند، یا عکس) یا کلامی باشد (برای مثال اظهارات یک شاهد). شواهد می‌تواند فرد را متهم یا تبرئه کند و برای محکومیت متهم در دادگاه لازم است.

در جریان یک تحقیق پلیس باید:

- در جستجوی چیزهایی باشد که می‌تواند به‌عنوان مدرک استفاده شود
- بتواند تشخیص دهد آن مدرک چقدر محکم است و چه فایده‌ای دارد
- مستند کند که شواهد مادی در چه شرایطی جمع‌آوری، کجا و توسط چه کسی یافت شده است
- اطمینان حاصل کند که شواهد مادی همیشه در مالکیت پلیس خواهد بود
- با توجه و مراقبت از شواهد مادی در برابر مفقود شدن، تخریب، یا زوال حفاظت و نگهداری کنند
- اهمیت، مفهوم، و مرتبط بودن شواهد را تحلیل کند

"استمرار شواهد" به این معنی است که بازپرس بتواند به درستی و صحت در دادگاه شهادت دهد که شواهد ارائه‌شده حقیقتاً همان‌هایی هستند که در ابتدا یافت شدند و هنوز همان شرایط اولیه‌ی زمان جمع‌آوری را دارند. بازپرس باید بتواند شهادت دهد که شواهد به چه کسی تسلیم شد و چه کسی در فاصله بین لحظه ارائه در دادگاه و در اولین لحظه یافت شدن به آن دسترسی داشت. برای اثبات استمرار شواهد مادی، بازپرس باید یادداشت کاملی در مورد آن و شرایط یافتن آن تهیه و توصیف کاملی از آن مورد ارائه دهد و مشخص کند که مدرک در چه وضعیتی قرار داشته، کجا، توسط چه کسی و در چه زمانی یافته شد، در کجا نگهداری شد و چگونه حفاظت از آن در پاسگاه پلیس تأمین شد. هدف از همه مراحل ذکر شده این است که نشان داده شود مدارک در طول زمان و هنگام ارائه به دادگاه قوت و قدرت خود را حفظ کرده‌اند.

هنگام تحقیق در مورد خشونت خانگی و سایر اشکال خشونت علیه زنان، علاوه بر اظهارات شاهد، پلیس باید از دامنه اشکال مختلف شواهد آگاه باشد که عبارت است از:

- علایم جراحت (برای مثال زخم، خراشیدگی، کبودی، شکستگی، خفگی، کنده شدن مو) که می‌توان از آن عکس گرفته شود یا به تأیید پزشک معاینه‌کننده برسد
- لباس پاره
- ناخن شکسته
- پیام‌های ضبط شده در پیام‌گیر
- پیام‌های ضبط شده در پیام‌گیر بخش اورژانس پلیس
- یادداشت‌های روزانه، نامه‌ها، یادداشت‌ها- چه توسط مظنون یا توسط قربانی که نشان‌گر جزییات اعمال خشونت- بار و سوءاستفاده در گذشته است
- اسلحه
- وسایل شکسته‌ی خانه که نشان‌گر واقعه خشونت‌بار است
- مشاهده‌ی همسایه‌ها، دوستان و خانواده
- اظهارات کسانی که در حوادث خشونت‌بار قبلی خدماتی را ارائه کرده‌اند

- گزارش‌های پلیس از حوادث قبلی
 - پرونده‌های پزشکی که جزییات جراحات‌های قبلی را ثبت کرده‌اند (فقط با اجازه قربانی می‌تواند استفاده شود)
 - شواهد مربوط به احکام دادگاه، شامل احکام ممانعتی یا محدودکننده با وثیقه و ضمانت
 - شواهد مربوط به استفاده مهاجم از الکل یا مواد
 - سابقه/پرونده جنایی قبلی متهم و سایر افراد مظنون
 - دی‌ان‌ای
 - پیام‌های کامپیوتری، اینترنتی، و تلفنی و سایر اشکال شواهد الکترونیکی
- در برخی موارد قربانی ممکن است در اثر خشونت فوت کرده باشد که در این شرایط خود جسد مدرك تلقی می‌شود.
- هر مورد باید با دقت جمع‌آوری، حفظ، و یک به یک مکتوب شود.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در کانادا، پلیس سوار نظام سلطنتی کانادا پاکتی با عنوان "راهنمای بازپرسان در مورد شواهد پزشکی قانونی" تهیه کرده است که می‌تواند مورد استفاده تمام افسرانی قرار گیرد که فعالیت میدانی دارند. این راهنمای مرجع، ۱۶ صحنه شایع جنایت را که ممکن است یک افسر پلیس در آن حاضر شود و معمول‌ترین مدارکی که در این صحنه‌های یافت می‌شود را فهرست می‌کند. راهنما همچنین ۷۶ مورد از شایع‌ترین اشکال شواهد را فهرست کرده و نحوه جمع‌آوری، حفظ، و تحویل آن را شرح می‌دهد. در تمام طول راهنما از عکس‌ها و نمودارهای ساده برای به تصویر کشیدن نکته‌ها و روندهای کلیدی استفاده شده است.

شواهد خشونت جنسی/تجاوز

خشونت‌های جنسی، شامل تجاوز، وقایع آسیب‌زایی هستند که تحمل آن برای هر کسی بسیار دشوار است حتا اگر آن را شریک جنسی و فردی نزدیک مرتکب شده باشد. تمام زنان حق گفتن "نه" به رابطه جنسی را دارند که این نه به همسر و رابطه در حریم خصوصی خانه نیز برمی‌گردد. متأسفانه هنوز هم‌ه‌ی کشورها تجاوز و خشونت جنسی را در محدوده ازدواج به عنوان جرم به رسمیت نشناخته‌اند. در چنین مواردی وقتی "جرمی" برای تحقیق پلیس وجود ندارد، حداقل می‌توان نیاز به ارایه نوعی حفاظت از قربانی را مطرح کرد.

در این نوع تحقیقات و جمع‌آوری شواهد مرتبط، بازپرسان باید حساسیت زیادی به خرج دهند. باید به‌گونه‌ای قدم برداشت که به قربانی، حریم خصوصی او، و آسیبی که متحمل شده احترام گذاشته شود و دخالت در زندگی خصوصی او به حداقل برسد.

چنین اعمالی معمولاً شواهد مشخصی برای بازپرسان به‌جا می‌گذارند که شامل اثر گاز گرفتن، بزاق، خون، منی، بخشی از بافت بدن زیر ناخن‌ها، تسمه‌های خاص، مو و پارچه است. خود مهاجم هم ممکن است حاوی برخی شواهد میکروسکوپی از صحنه جرم مانند لکه، مو، و پارچه باشد و به همین شکل و در حالی که این‌ها به لباس او چسبیده‌اند محل را ترک کند. جمع‌آوری چنین شواهدی می‌تواند در مرتبط کردن متخلف به آن صحنه جرم کمک‌کننده باشد. ممکن است لازم باشد همه این شواهد در آزمایشگاه پزشکی قانونی معاینه شوند.

"معاینه پزشکی قانونی" در مورد شواهد به این معنی است که فرایندها و دانش علمی برای بررسی چیزی با هدف حقوقی انجام می‌شود. بر اساس این تعریف "مدارک پزشکی قانونی" معمولاً به معنی نوعی مدرک مادی از یک جرم مانند خون، منی، یا پارچه است که مورد معاینه علمی قرار خواهد گرفت. علم پزشکی قانونی متضمن دانشی است که از حوزه‌های مختلف علم تا فرایندها و مباحثات پزشکی قانونی برگرفته شده است.

بازپرس خوب باید بداند که چگونه علم پزشکی قانونی می‌تواند در یک تحقیق کمک کند و بداند در محل خدمت او چه محدودیت‌هایی در استفاده از آن وجود دارد.

هنگام انجام یک بازپرسی مهم است که:

الف) همه مدارک پزشکی قانونی فوراً برای شناسایی بعدی در دادگاه نشانه‌گذاری شود که شامل این موارد است:

- (i) زمان ضبط؛
- (ii) از چه کسی/توسط چه کسی؛
- (iii) توصیف دقیق مدارک؛
- (iv) شیوه بسته‌بندی؛
- (v) برچسب نشان‌گر زمان تحویل و محل امنی که آن مدرک برای نگهداری تحویل داده شده؛
- (vi) محل حفظ؛

ب) همه مدارک جداگانه بسته‌بندی شود؛

پ) برای جلوگیری از آلودگی و آسیب شواهد اقدام شود؛

ت) استمرار در حفظ شواهد رعایت شده و روند آن ثبت شود؛

ث) گزارش کتبی مشروح از همه شواهد تهیه شود که شامل تحلیل پزشکی قانونی برای هر مورد است.

وقتی مدرک مربوط به تحلیل دی‌ان‌ای است (برای مثال لباس خونی، لباس زیر که حاوی منی و مو است و چیزهایی که حاوی بزاق است)، بازپرس باید:

الف) مدرک را به‌گونه‌ای جمع‌آوری، حمل، و بسته‌بندی کنند که آسیب نبیند:

- (i) هنگام حمل مدرک باید از دستکش‌های تمیز لاتکس یا نیتریل استفاده شود. اگر مدرک با دستکش برداشته و حمل می‌شود باید برای مورد بعدی دستکش را عوض کرد؛
- (ii) تا حدی که از نظر منطقی ممکن است، مدارک باید جداگانه بسته‌بندی شود. (به‌خاطر داشته باشید که نباید در پاکت را با زبان بچسبانید وگرنه ممکن است آن را با دی‌ان‌ای خود آلوده کنید!)
- (iii) اشیاء مرطوب مانند بافت و پارچه خاکی، لباس زیر لکه‌دار، و لباس خونی را باید جداگانه در پاکت‌های کاغذی گذاشت (هر مورد در یک پاکت)؛
- (iv) چیزهایی که خیلی مرطوب است مانند لباس یا بستر آغشته به خون، باید قبل از بسته‌بندی کاملاً خشک شود. آن مورد را با دقت در یک پاکت پلاستیکی بسته‌بندی کنید و به "اتاق خشک کردن" که محلی مطمئن و امن برای خشک کردن است منتقل کنید. سهل‌انگاری در این کار ممکن است منجر به تخریب و تجزیه زیست-شناختی چنین شواهدی شده و بنابراین فرصت برای تحلیل دی‌ان‌ای از بین می‌رود؛

(v) شواهدی غیر از موارد ذکر شده در بالا را می‌توان درون یک پاکت مهرموم کرد و سپس بازپرس باید حروف اول اسم خود را روی در پاکت ثبت کند؛

(vi) مدارکی که قابلیت تجزیه دارند، مانند کیت‌های تهاجم جنسی، باید تا زمان استفاده در آزمایشگاه در یک یخچال امن حفظ شود.

(vii) در همه این موارد لازم است شواهد جمع‌آوری شده از مظنون با آن‌هایی که از قربانی یا صحنه جرم جمع شده تماس پیدا نکند؛

ب) تمام مدارک، غیر از آن‌هایی که در زیرپاراگراف الف (iv) ذکر شد، باید برای بررسی به آزمایشگاه جنایی محلی فرستاده شده یا برچسب زده شده و در اداره اموال پلیس ضبط شود؛

پ) گزارش‌های تکمیل شده باید شامل این موارد باشد:

(i) توصیف هر مورد؛

(ii) محل ضبط هر مورد؛

(iii) شرایط ضبط آن؛

(iv) محلی که ذخیره می‌شود؛

(v) ویژگی‌های هر یک از آزمایش‌های درخواست شده، شامل قابلیت دسترسی نمونه‌های متناسب ("نمونه معلوم"، یعنی نمونه‌ای که مشخصاً از خون قربانی یا مظنون گرفته شده و می‌تواند برای مقایسه با شواهد صحنه جرم استفاده شود).

یک رویکرد برای جمع‌آوری مدارک در تحقیق موارد تجاوز یا سایر اشکال سوءاستفاده جنسی استفاده از پروتکل و جعبه-ابزار اختصاصی است. تمهیداتی که در این پروتکل‌ها در نظر گرفته شده اغلب به‌گونه‌ای است که تنها بازپرسان و کارکنان زن و با استفاده از تسهیلات پزشکی اختصاصی می‌توانند این مدارک را جمع‌آوری کنند.

در بسیاری از کشورها، کارکنان پزشکی (که اغلب در بیمارستان‌ها حضور دارند) برای جمع‌آوری شواهد از قربانیان تجاوز و تهاجم جنسی آموزش‌های ویژه‌ای دیده‌اند. این پزشکان اغلب از جعبه‌ابزارها و فرم‌های تخصصی برای جمع‌آوری و ثبت شواهد یافت شده استفاده می‌کنند. نمودار نشان دادن جراحات قربانی بخشی از این ابزارها است.

از آنجایی که قربانی ممکن است دربرگیرنده شواهد متعددی در لباس یا بدن و همچنین داخل بدن خود باشد، پروتکل‌های ویژه‌ای برای جمع‌آوری شواهد لازم است. این پروتکل‌ها عبارت است از:

- در حالی که آن زن روی ملافه کاغذی بزرگ و تمیز ایستاده، لباسش را به‌آهستگی و با دقت یکی بعد از دیگری درآورد. آن کاغذ هر مو، پارچه، یا هر چیز جزئی دیگر از شواهد را که ممکن است بیفتند جمع می‌کند. هر بخش از لباس باید با دقت تحویل افسر بازپرس شود تا یکی یکی بسته‌بندی و برچسب زده شود.
- افسر بازپرس یا کارکنان پزشکی باید با دقت از تمام نشانه‌ها، کبودی‌ها، و سایر جراحات‌هایی که ممکن است هنوز در بدن زن وجود داشته باشد عکس گرفته (ترجیحاً رنگی) و آن را ثبت کنند. یک رویکرد برای انجام این کار استفاده از نمودارهای عمومی ثبت آسیب است (ضمیمه | نمونه‌ای از این نمودارها را نشان می‌دهد).
- هر نوع بافتی از مهاجم یا قربانی که ممکن است در اثر چنگ زدن زیر ناخن‌های قربانی باقی مانده باشد جمع‌آوری شود.
- در غیاب پلیس، کارکنان پزشکی می‌توانند معاینه بدنی کامل از آن زن را انجام داده و ثبت کنند که شامل ذکر همه جراحات و شواهد خشونت جنسی به واژن و مقعد، معاینه همه منافذ برای جمع شواهدی از منی و شواهد

دیگری از این دست است. همچنین باید برای ثبت هر نوع نشانه‌ای از خفگی دقت کرد. جمع‌آوری شواهد هم-چنین شامل شانه کردن دقیق موی قربانی (سر و زهار) برای جمع کردن هر مویی است که ممکن است از مهاجم باقی مانده باشد.

در بسیاری کشورها پلیس و کارکنان پزشکی جعبه‌ابزارهای تخصصی برای جمع‌آوری شواهد تجاوز و تهاجم جنسی در اختیار دارند. این جعبه‌ابزارها معمولاً همراه با انواع مختلف ظرف‌های مهروموم شده و یکبار مصرف جمع‌آوری شواهد بوده و دستورالعمل توصیفی گام به گام و مهرهای لازم هم در آن گنجانده شده است.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در انگلیس، پلیس کلان‌شهر لندن رویکرد "متمرکز بر قربانی" را برای تحقیق در مورد تجاوز اتخاذ کرده که شامل تأسیس سه "پناهگاه" در لندن است. خدمات پناهگاه برای قربانیان دسترسی به درمان پزشکی، معاینه پزشکی قانونی، و خدمات حمایتی را بدون آشکار شدن هویت فرد فراهم می‌کند. آن‌ها همچنین دسترسی به افسران تحقیق خشونت‌های جنسی را فراهم کرده و به قربانیان کمک می‌کند بتوانند بدون آشکار شدن هویت مشاوره بگیرند. هر جا که شواهد پزشکی قانونی از گزارش‌ها بی‌نام ثابت می‌شود، می‌توان با واسطه متخصصان پزشکی با قربانی تماس گرفت تا او را از یافتن شواهد تأییدآمیز یا شواهد مرتبط با تهاجم‌های دیگر مطلع کرد. این فرایند حمایتی می‌تواند منجر به پیگرد مواردی شود که پیش‌تر گزارش نمی‌شد. هرگونه تخلف پلیس از رازداری در ارائه خدمات یا در پناهگاه‌ها می‌تواند لطمه شدیدی به اعتماد قربانیان به خدمات این پناهگاه‌ها و پلیس کلان‌شهر بزند.

مساعادت پزشکی/معاینه قربانی

یک راه اطمینان از سلامت زنانی که خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند، ارائه سریع خدمات پزشکی است. مطلوب است کارکنانی که به قربانی زن، به‌خصوص در مورد خشونت جنسی یا تجاوز، کمک می‌کنند خود زن باشند. این امر ممکن است به کاهش احساس معذب بودن زنان در سیر درمان کمک کند.

در موارد خشونت خانگی و خشونت جنسی/تجاوز، کارکنان پزشکی می‌توانند خدمات متعددی را ارائه کنند که شامل درمان جراحات، مشاوره و ارجاع برای مشاوره، و کمک به جمع‌آوری و ثبت شواهد جرم است. در موارد تجاوز، آن‌ها همچنین می‌توانند به خطر بیماری‌های منتقل‌شونده از راه جنسی و اچ‌آی‌وی/ایدز رسیدگی کنند که شامل مشاوره، آزمایش، و درمان پیشگیرانه است.

کارکنان پزشکی که در جمع‌آوری شواهد به پلیس کمک می‌کنند باید تا حدی آموزش و راهنمایی لازم را در مورد جمع‌آوری شواهد، نحوه آن، و شیوه‌های مناسب ثبت شواهد دریافت کرده باشند. در تمام معاینات پزشکی که شواهد پزشکی قانونی جمع‌آوری می‌شود، باید حریم و رازداری در مورد قربانی مراعات شده و تنها اطلاعاتی به پلیس تحویل داده شود که مرتبط با انواع شواهد ذکر شده در بالا است.

پلیس باید نام و اطلاعات تماس کارکنان پزشکی را که درگیر مورد بوده‌اند ثبت کند تا در صورت لزوم از شهادت آن‌ها در دادگاه استفاده شود.

مصاحبه با قربانیان و اظهارات آن‌ها

پلیس با قربانیان مصاحبه می‌کند تا از آنچه رخ داده اطمینان حاصل کند، شواهد را جمع‌آوری کند و به تصمیم برای طراحی اقدامات پیشگیرانه از خشونت‌های بعدی کمک کند. مصاحبه با زنان قربانی خشونت نیاز به مراقبت، صبر، و حساسیت دارد. برخی ممکن است از ارائه جزئیات کامل اکراه داشته یا در مرتبط کردن حقایق با یکدیگر مردد باشند، یا

هر زمان ممکن است اظهارات خود را پس بگیرند. به علاوه، قربانیان حق دارند از حرف زدن امتناع کرده یا در زمان دیگری اطلاعات را اظهار کنند.

مصاحبه پلیس با قربانیان ممکن است در خانه، سرپناه، بیمارستان، یا پاسگاه پلیس باشد. صرف نظر از محل، پلیس لازم است همه این نوع مصاحبه‌ها را با احترام و با حفظ حریم و رازداری قربانی انجام دهد.

هر مصاحبه پلیس با یک زن قربانی خشونت خانگی باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی امنیتی فردی قربانی را دربرگیرد (بخش ث در پایین را ملاحظه کنید).

چون گزارش به پاسگاه پلیس برای زنان اقدامی دشوار است، اغلب وجود یک همراه حس بهتری به آن‌ها می‌دهد. بنابراین مهم است که قربانیان اجازه‌ی همراه داشتن فردی مورد اعتماد را داشته باشند.

بسیاری از زنان در زمان ورود به پاسگاه پلیس آنقدر عصبی هستند که به سختی می‌توانند اول، وسط، و آخر صیت‌شان را به هم مرتبط کنند. چنین وضعیتی استرس‌آور است و ممکن است افسران پلیس را بی‌قرار کند و یا منجر به نگرشی همراه با بی‌اعتنایی، تحقیر یا حتا اهانت در آنان شود. برای غلبه بر این موقعیت‌ها، خوب است که افسران پلیس یا داوطلبانی که کار پذیرش را انجام می‌دهند، آموزش‌های حساس به جنسیت دیده باشند تا با زنان محترمانه رفتار کرده، مشخص کنند چه موضوعی آنان را به پاسگاه کشانده، بررسی کنند آیا جراحی وجود دارد که نیاز به مداوای پزشکی داشته باشد، و اطمینان حاصل کنند آن‌ها در وضعیت مناسبی برای توضیح آنچه رخ داده هستند.

اغلب زنان اگر از پلیس کمک بگیرند و ترجیح می‌دهند هنگام گزارش گمنام باقی بمانند چون می‌ترسند حریم و رازداری مراعات نشود. آن‌ها به خاطر آنچه اتفاق افتاده، به خصوص در موارد تجاوز و سوءاستفاده جنسی، شرم‌منده و خجل هستند. بسیاری از زنان می‌ترسند فرد آزارگر به گزارش پی برده و آن‌ها را بکشد، یا اگر خانواده و اجتماع از آن مطلع شود مورد شتمانت قرار گیرند.

افسران باید بدانند که برای کمک آنجا هستند نه برای قضاوت و باید همیشه بدون پیش‌داوری و تبعیض با زنان برخورد کنند. مصاحبه با زنان تنها وقتی باید انجام شود که از امنیت آنان و مداوای هر نوع جراحی اطمینان حاصل شده است.

مطلوب است پاسگاه‌های پلیس محوطه‌ای آرام و خصوصی برای مصاحبه با قربانیان داشته باشند. اتاق استنطاق محل مناسبی برای این مصاحبه‌ها نیست. این محل باید نزدیک به محوطه پذیرش در جلوی پاسگاه اما دور از انظار عمومی باشد.

رویکرد حفاظتی برای مصاحبه با قربانیان یک برنامه اختصاصی را دنبال می‌کند که می‌تواند مانند مورد زیر باشد:

یک محل مناسب انتخاب بسته به موقعیت، اگر مصاحبه با قربانی و شاهد در خانه او باشد بیش‌تر از پاسگاه پلیس اطلاعات ارایه می‌کند. از سوی دیگر، برخی از زنان ممکن است از صحبت در خانه بسیار هراسان بوده و مصاحبه می‌تواند در بیمارستان یا سرپناه زنان انجام شود. از زنان قربانی یا شاهد پرسید کجا برای اظهارات خود بیش‌تر احساس راحتی می‌کنند.

در مورد حضور دیگران مطلوب است که یک افسر پلیس باتجربه و تعلیم‌دیده مصاحبه با قربانی را انجام دهد.⁵⁶ یک افسر دیگر هم می‌تواند برای کمک و مراقبت از قربانی حاضر باشد.

در مواردی که خشونت منجر به جراحات شدید شده، پلیس باید ثبت مصاحبه با ابزار صوتی و تصویری را مد نظر داشته باشد.

⁵⁶ There is some international debate over the preferred gender of the officer who conducts the interview. Some suggest that women officers should interview women victims, while others suggest that this is sexism and that experienced officers with relevant training, regardless of gender may conduct interviews.

مصاحبه با قربانی هیچ‌گاه نباید در حضور مهاجم یا در اتاق مخصوص استنتاج باشد.

سؤال‌هایی که می‌خواهید مطرح کنید طراحی کنید بازپرس لازم است قبل از مصاحبه مشخص کند چه سؤال‌های کلیدی قرار است پرسیده شود (برای مثال، چه کسی، چرا، کجا، کی، چگونه).

معرفی اگر مصاحبه ضبط می‌شود، ساعت، تاریخ، و محل ثبت را اعلام کنید. به‌علاوه، بازپرس باید خود را با ذکر نام به قربانی معرفی کند.

قواعد مصاحبه بازپرس برای ایجاد احساس راحتی در زنان کمک‌های زیر را در نظر بگیرید:

- "من اینجا برای کمک هستم نه برای قضاوت و متهم کردن"
- "اگر منظور شما را اشتباه متوجه شدم لطفاً بگویید. لازم است بدانم و لازم است آن را درست بفهمم."
- "اگر چیزی که می‌گویم متوجه نمی‌شوید لطفاً بگویید. دوباره سعی می‌کنم آن را بگویم."
- "اگر هر زمان احساس کردید راحت نیستید لطفاً بگویید یا علامت توقف را به من نشان دهید (یک دست را در حالی که کف آن به سمت فرد دیگر است بالا آورید)."
- "حتا اگر فکر می‌کنید ممکن است من چیزی را از قبل بدانم دوباره آن را بگویید"
- "اگر درباره جوابی مطمئن نیستید، لطفاً حدس نزنید، بگویید در مورد آن مطمئن نیستید."
- "لطفاً به‌خاطر داشته باشید شما دارید ماجرای را شرح می‌دهید که من در زمان وقوع آن حضور نداشتم. هر قدر بیشتر درباره آن به من بگویید، بیشتر می‌توانم بفهمم چه رخ داده است."
- "لطفاً به‌خاطر داشته باشید من از دست شما عصبانی یا ناراحت نمی‌شوم."
- "تنها در مورد چیزهایی که درست است و واقعا اتفاق افتاده صحبت کنید."

شرح حال آزاد این بخش می‌تواند مهم‌ترین و تفصیلی‌ترین بخش مصاحبه باشد که در آن قربانی جزئی‌ترین اطلاعات را آشکار می‌کند.

از آن زن بخواهید با زبان خود بگوید چه چیزی را تجربه کرده، دیده و شنیده است. او باید با بیان خود واقعه و شرایط آن را با بیش‌ترین جزییات ممکن بازسازی کند. مایل هستم از ابتدا هر چیزی در مورد واقعه به‌خاطر می‌آوری به من بگویی." صحبت او را قطع نکنید.

اگر آن زن صحبت را متوقف کرد، بپرسید "بعد چه اتفاقی افتاد؟" یا، "داشتید می‌گفتید که [آخرین گفته او را دوباره تکرار کنید]". او را با صداهایی مانند آها، یا اوهم به حرف زدن تشویق کنید.

بازپرس تمام داستان را بدون ایجاد وقفه یا طرح پرسش گوش می‌کند. اگر زن مکث کرد، بازپرس او را به ادامه تشویق کند (مثلاً "و بعد چه اتفاقی افتاد"). بازپرس گوش می‌کند، صبور است و جزییات را کاملاً ثبت می‌کند.

به‌خاطر داشته باشید برخی قربانیان خشونت یا سوءاستفاده ممکن است از صحبت در

مورد آنچه رخ داده اکراه داشته باشند. ممکن است مهاجم آن‌ها را تهدید به آسیب یا مرگ کرده باشد.

سؤال‌های آزاد

ساختار سؤال انتها- باز به‌گونه‌ای است که بدون جهت‌دهی به صحبت، ارایه پیشنهاد، یا در فشار گذاشتن، به فرد امکان ارایه اطلاعات بیشتر را می‌دهد. سؤال‌های انتها- باز به فرد اجازه کنترل بر جریان اطلاعات را داده و این خطر را که بازپرس ناخواسته دیدگاه شخصی خود را در مورد واقعه تحمیل کند به حداقل می‌رساند.

در این‌جا، بازپرس سؤال‌های باز مشخصی می‌پرسد (سؤال‌هایی که نمی‌تواند با "بلی" یا "نه" آن را جواب داد). برای مثال:

- "در مورد آن به من بگو . . ."
- "بعد چه اتفاقی افتاد؟"
- "و بعد چه دیدی؟"
- "به من بگو بعد چه چیزی را به‌خاطر می‌آوری؟"
- "و بعد چه اتفاقی افتاد؟"
- "چه چیز دیگری دیدی؟"

بازپرس از این سؤال‌ها برای روشن کردن نکات مبهم در شرح حال تفصیلی استفاده می‌کند و در عین حال به ثبت دقیق همه نکته‌ها ادامه می‌دهد.

برای اجتناب از هرگونه ابهام و کمک به یادآوری بیشتر مسایل، بازپرس باید در هر زمان تنها یک سؤال بپرسد.

هدف از این مرحله روشن کردن و بسط پاسخ‌های قبلی با شیوه‌ای غیر هدایتی است. این‌جا بازپرس سؤال‌های بسته و مستقیم را برای روشن کردن جزئیات نامعلوم یا واضح کردن نکات کلیدی می‌پرسد. اطمینان حاصل کنید که نکات کلیدی در مورد چه کسی، چه، کجا، کی، چگونه، و چرا پوشش داده شده‌اند. بازپرس به برداشتن یادداشت ادامه می‌دهد.

سؤال‌های اختصاصی

از سؤال‌های چندگزینه‌ای خودداری کنید اما اگر مجبور شدید سعی کنید آن را به دو پاسخ ممکن محدود کنید. کمی بعدتر سؤال را تکرار کنید اما جمله‌بندی را اندکی تغییر دهید و ترتیب سؤال‌ها را عوض کنید.

اگر تناقضی در گفته‌های زن بود در پایان مصاحبه به آن بپردازید.

برای بحث در مورد برنامه‌ریزی امنیت شخصی به بخش ۳ در پایین مراجعه کنید. این بخش باید در هر مصاحبه‌ای با زنی که خشونت خانگی را تجربه کرده گنجانده شود.

طرح تأمین امنیت

به‌عنوان بخشی از برنامه امنیت شخصی (که شامل امنیت جسمی و روانی است)، پلیس می‌تواند از این مرحله‌ی مصاحبه برای ارجاع آن زن به سایر خدمات/کمک‌ها مانند مراقبت سلامت، مشاوره یا نوعی از خدمات اجتماعی استفاده کند.

در انتهای مصاحبه، وقتی بازپرس به این باور می‌رسد که تمام اطلاعات لازم را کسب کرده، می‌تواند سؤال‌هایی از این قبیل بپرسد "آیا چیز دیگری در مورد حادثه باقی مانده که فکر می‌کنید من باید بدانم؟" یا، "چیز دیگری هست که شما بدانید و من نپرسیده باشم؟"

نتیجه‌گیری

از فردی که مصاحبه شده بپرسید سؤالی دارد؛ اگر بله، سعی کنید بهترین جواب را

ارایه کنید. به آن‌ها اطلاع دهید که ممکن است بعداً مصاحبه دیگری لازم باشد.
توضیح دهید که بعداً چه اتفاقی می‌افتد اما هیچ قولی ندهید.
از آن زن برای کمک و همکاری تشکر کنید.^{۵۷}

به‌خاطر داشته باشید که زن قربانی است نه مظنون و بنابراین نباید شیوه‌هایی بازپرسی پلیس را برای او به‌کار برد. در برخی حوزه‌های قضایی، به‌خصوص اگر قربانی جراحات‌های شدیدی برداشته باشد، پلیس از او می‌خواهد اظهارات خود را امضا کند یا در مورد آن قسم بخورد. اگر قربانی به‌خاطر ترس یا سایر ملاحظات اظهارات اولیه خود را در جریان محاکمه پس بگیرد، در بعضی کشورها این اظهارات امضا شده یا سوگند یاد شده به‌عنوان شاهد پذیرفته می‌شود. به‌علاوه، اگر زن ناپدید شود یا بعداً به قتل برسد، بسته به قوانین ملی، دوباره این شواهد ممکن است در جریان محاکمه به‌عنوان شاهد پذیرفته شود.

نکاتی در مورد صحبت با کودکان

بر حسب سن و آسیبی که کودکان به‌عنوان شاهد خشونت متحمل شده‌اند، ممکن است لازم باشد پلیس مراقبت و حساسیت زیادی در هنگام مصاحبه با آن‌ها نشان دهد.

کودکان بزرگسالان کوچک نیستند. آن‌ها به شیوه خود و متناسب با سن و قابلیت‌هایشان که در حال تکامل است حوادث را تجربه کرده و در مورد آن فکر، صحبت، و رفتار می‌کنند. اگر می‌خواهیم کودکان مشارکت معنی‌داری در فرایند دادرسی داشته باشند و از آسیب بیش‌تر حفظ شوند، لازم است هنگام برقراری ارتباط با آن‌ها از زبان و رفتار مناسب استفاده کنیم.

بازپرسان همیشه ترغیب می‌شوند از زبان ساده استفاده کنند، سن و بلوغ ظاهری و تکامل فکری کودکی که در برابر آن‌ها است را در نظر بگیرند، بررسی کنند که هر کلمه‌ای که می‌گویند کودک واقعا درک می‌کند.

اجتناب کنید	استفاده کنید
● جمله‌های طولانی	● جمله‌های کوتاه
● جمله‌های پیچیده	● جمله‌های ساده
● فعل مجهول ("آیا او توسط آن مرد کتک زده شد؟")	● بیان فعال ("آیا آن مرد او را کتک زد؟")
● جمله‌هایی با بیش از یک معنی	● جمله‌های مثبت/هدایت‌گر (آیا تو به کسی گفتی؟)
● نفی دوگانه ("آیا مادر به تو نگفت بیرون نروی؟")	● جمله‌هایی که تنها یک معنی دارد
● وضعیت‌های فرضی ("اگر خسته هستی به من بگو")	● منفی ساده ("آیا مادر به تو گفت بیرون نروی؟")
	● رویکرد مستقیم ("آیا خسته هستی؟") ¹

¹ Adapted from Mark W. LaLonde, Yvon Dandurand and Siegliende Malmberg, *Commercial Sexual Exploitation of Children: Police Training Manual and Training of Trainers*, (Viet Nam, United Nations Children's Fund, 2007).

⁵⁷ Adopted from Mark W. LaLonde, Yvon Dandurand and Siegliende Malmberg, *Commercial Sexual Exploitation of Children: Police Training Manual and Training of Trainers* (Viet Nam, United Nations Children's Fund, 2007).

باز پرس باید زبان بدن را در نظر بگیرد که عبارت است از:

- حواس‌تان باشد اخم نکنید زیرا نشانه قضاوت منفی است.
- تماس چشمی مناسب و همراه با علاقه برقرار کنید و خود را هم‌سطح نگاه کودک قرار دهید.
- از وضعیت بدنی که نشان‌گر تنش است خودداری کنید. به‌خاطر داشته باشید که وضعیت بدنی شما به شکل خودکار منجر به ایجاد پاسخ در کودک می‌شود.

وقتی از یک کودک سؤال می‌کنید، به‌خصوص کودکی کم‌سن‌وسال (یعنی زیر ۱۰ سال)، بهتر است دستورالعمل زیر را دنبال کنید:

- قبل از شروع پرسش در مورد واقعه، اول برای برقراری ارتباط با کودک و ایجاد احساس راحتی در او وقت بگذارید.
- به کودک اطمینان دهید که اگر نزد پلیس برده می‌شود به این معنی نیست که به دردسر افتاده یا ممکن است کسی را به دردسر اندازد.
- به کودک اطمینان دهید که افسران پلیس در مورد موضوع‌هایی شبیه آن با کودکان زیادی صحبت می‌کنند.
- به کودک اطمینان دهید که تنها نیست.
- با احترام، توجه، دلسوزی، آرامش، و صبر با کودک برخورد کنید.
- کودک را با زبان بدن، حالت چهره، و لحن صدا تشویق کنید.
- در جایی با کودک مصاحبه کنید که احساس راحتی و امنیت کند.
- هم‌سطح آن‌ها بنشینید و تماس چشمی برقرار کنید.
- مرتب آن‌ها را با اسم صدا کنید و خود را با اسم، نه با لقب یا رتبه معرفی کنید.
- سؤال‌ها کوتاه و ساده با زبانی متناسب با سن کودک باشد.
- هیچ‌وقت فرض نکنید کودک سؤال و زبانی را که به‌کار می‌برید درک می‌کند (همیشه اطمینان حاصل کنید که درک کرده یا نه).
- به خاطر داشته باشید ممکن است کودکان عادت نداشته باشند ماجرای را از اول تا آخر و بدون وقفه برای بزرگسالان تعریف کنند. ممکن است لازم باشد سؤال‌های اختصاصی بپرسید.
- اگر کودک نتواند ماجرا را تعریف کند، به‌خاطر داشته‌باشید که ممکن است به‌خاطر ترس یا خجالت باشد.
- به خاطر داشته‌باشید که کودک ممکن است ماجرا را کوتاه تعریف کند حتی اگر ترسیده یا خجالت‌زده نباشد.
- به خاطر داشته‌باشید که کودکان، بسته به تکامل حافظه و زبان، اغلب برخی نکات کلیدی را در شرح ماجرا جا می‌اندازند.

- مطالعات نشان می‌دهد که کودکان ممکن است اطلاعات مرکزی را خوب به‌خاطر آوردند اما اطلاعات محیطی را فراموش کنند.
- آن‌ها را هول نکنید.
- یک سؤال را مرتب تکرار نکنید. در عوض آن را به شکل دیگری مطرح کنید.
- سؤال‌های خوب ساده، اختصاصی و روشن بوده و مستقیماً با هدف مصاحبه مرتبط هستند.
- از گفتن "چرا؟" اجتناب کنید. این سؤال اغلب سرزنش تلقی شده و می‌تواند منجر به واکنش دفاعی شود.
- درک کودک از سؤال را بررسی کنید. اگر مطمئن نیستید، از آن‌ها بخواهید خودشان بگویند چه سؤالی پرسیده شده یا بپرسید به‌منظر آن‌ها معنی سؤال چیست.
- توجه جدی به حالت چهره و زبان بدن کودک داشته باشید تا نشانه‌های سردرگمی یا خستگی را متوجه شوید.
- بپرسید "بیش‌تر در مورد آن به من بگو".
- آرام باشید و لحن صدای‌تان آرام و یکنواخت باشد.
- آسوده و غیررسمی باشید.
- به وفاداری کودک به والد آزارگر احترام بگذارید. از والد انتقاد نکنید، او را قضاوت و تحقیر نکنید.
- به کودک فرصت دهید هر چیز دیگری که هنوز پرسیده نشده است را بگوید.
- قولی ندهید که نمی‌توانید عمل کنید.
- دوباره به کودک اطمینان دهید که والد توقیف شده صحیح و سالم است.
- همه مصاحبه‌ها را با پرسش از کودک در مورد این که سؤالی دارد یا نه و تشکر از او به‌خاطر همکاری‌اش خاتمه دهید.^{۵۸}

مصاحبه موفق با کودک، به‌خصوص اگر او به‌خاطر آنچه شاهد بوده یا تجربه کرده هراسان و آسیب‌دیده باشد، نیاز به صبر و مراقبت دارد. همان‌طور که در راهنماهای دادرسی در مسایل مرتبط با کودکان قربانی و شاهد جرم در سال ۲۰۰۵ مطرح شده، خوب است بازپرسان متخصص در کار با کودکان شاهد یا آسیب‌دیده، به‌دنبال آموزش، تمرین، و گسترش مهارت خود باشند. به‌علاوه، در راستای این راهنماها صندوق کودکان ملل متحد، UNODC، و دفتر بین‌المللی حقوق کودک مدل حقوقی، کتاب راهنما، و بسته‌ی آموزشی آن‌لاین تدوین کرده‌اند که در وب‌سایت UNODC قابل دسترسی است: (www.unodc.org/unodc/en/frontpage/unodc-and-unicef-partner-to-help-child-victims-.html)

⁵⁸ Canada, Department of Justice and Royal Canadian Mounted Police, *A Handbook for Police Responding to Domestic Violence* (London, Ontario, Centre for Children and Families in the Justice System of the London Family Court Clinic, 2004), p. 14.

مکتوب‌سازی: یادداشت‌ها، عکس‌ها، گزارش و خلاصه دادگاه

مکتوب‌سازی تحقیقات پلیس از طریق یادداشت‌برداری، عکس گرفتن، جمع‌آوری شواهد و از جمله گرفتن اظهارات مظنون، قربانی، و شاهد است.

یک بازپرس خوب یادداشت‌های روزانه دارد که دقیقاً و کاملاً هر یک از تحقیقات انجام شده را مکتوب می‌کند. در کتابچه یادداشت بازپرس، یادداشت‌های خوب این‌گونه هستند:

- روشن
- کامل
- موجز
- صحیح

یادداشت‌های پلیس به این منظور استفاده می‌شود:

- کمک به یک تحقیق خوب
- نوشتن گزارشی که کاملاً فرایند بازپرسی را مکتوب می‌کند
- کمک به شهادت درست در دادگاه
- انعکاس سطح حرفه‌ای‌گری و پاسخ‌گویی پلیس

هنگام انجام تحقیق افسران ممکن است یادداشت‌هایی درباره موارد زیر بردارند:

طبقه	نمونه سؤال
چه کسی	<ul style="list-style-type: none">• شاکی/قربانی بود؟• گزارش کرد؟• تخلف را کشف کرد؟• چیز مهمی دید یا شنید؟• فیلمی از زمان ارتکاب جرم داشت؟• مرتکب تخلف شد؟• به متخلف کمک کرد؟• مصاحبه شد؟• روی مورد کار کرد؟• شواهد را علامت‌گذاری کرد؟

	<ul style="list-style-type: none"> • شواهد را دریافت کرد؟
چه	<ul style="list-style-type: none"> • نوع تخلفی رخ داده است؟ • اعمالی را متخلف مرتکب شده و از چه شیوه‌هایی استفاده کرده است؟ • چیزی شاهد درباره آن می‌داند؟ • شواهدی کسب شده است؟ • کاری با شواهد انجام شده است؟ • ابزار یا اسلحه‌ای استفاده شده است؟ • اقداماتی آن‌ها انجام داده‌اند؟ • چه اقدامات بیشتری لازم است؟ • نهادهای دیگری مطلع شده‌اند؟
کجا؟	<ul style="list-style-type: none"> • تخلف رخ داده است؟ • ابزارها و اسلحه‌ها پیدا شده‌اند؟ • مظنون دیده شده است؟ • شاهدان حضور داشتند؟ • تخلف کشف شده است؟ • متخلف زندگی می‌کند یا مرتب رفت‌وآمد دارد؟ • الان متخلف حضور دارد؟ • بیش‌تر احتمال دارد متخلف آن‌جا برود؟ • متخلف مستقر شد/توقیف شد؟ • شواهد علامت‌گذاری شد؟ • شواهد نگهداری شد؟
کی	<ul style="list-style-type: none"> • تخلف اتفاق افتاد؟ • تخلف گزارش شد؟ • شما وارد شدید؟ • شما با شاهد تماس گرفتید؟ • متخلف در محلی مستقر شد/توقیف شد؟ • کمک رسید؟
چگونه؟	<ul style="list-style-type: none"> • ارتکاب تخلف رخ داد؟ • متخلف به صحنه رسید و از آن خارج شد؟

-
- متخلف اطلاعات لازم را برای ارتکاب تخلف کسب کرد؟
 - ابزارها و اسلحه‌ها را به‌دست آورد؟
 - شما اطلاعات خود را در رابطه با تخلف به‌دست آوردید؟
-

چرا

- تخلف رخ داد؟
 - آن ابزارها یا اسلحه‌های خاص استفاده شدند؟
 - تخلف گزارش شد؟
 - شاهدان از صحبت اکراه داشتند؟
 - شاهد مایل بود که متخلف را معرفی کند؟
 - در گزارش تخلف تأخیر شد؟
-

چقدر/چند

- اطلاعات برای ارتکاب تخلف لازم بود؟
 - آسیب وارد شده بود؟
 - وسیله مفقود شده بود، اگر اصلاً چنین چیزی بود؟
 - بردن آن وسایل با در دسر بوده است؟
 - اطلاعات وجود دارد که شاهدان از دادن آن مضایقه می‌کنند؟
 - شاک/قربانی هست که از جلو آمدن خودداری می‌کند؟
 - شما اطلاعات بیشتری برای کمک به روشن کردن تخلف لازم دارید؟¹
-

¹ Based on C. R. Swanson, Neil C. Chamelin and Leonard Territo, Criminal Investigation, 6th ed. (New York, McGraw-Hill 1996), pp. 169-171.

یادداشت‌برداری باید یک فعالیت ثابت در طول فرایند تحقیق باشد؛ هر چیزی که در طی این دوره فهمیده شد باید یادداشت شود. باز پرس بی‌تجربه تمایل دارد که تنها حقایق اصلی را درباره آن مورد یادداشت کرده و به قدم‌هایی اشاره کند که نتایج مثبت همراه داشته است. اگرچه، حتی آن بخش‌هایی از تحقیق که منجر به کسب اطلاعات سودمندی نشده باید گزارش شود. هدف از این کار کامل کردن تحقیق است که می‌تواند مشخص کند در کدام حیطه‌ها تحقیق بیشتر احتمالاً بی‌فایده است.

هرجا مقتضی بود می‌توان یادداشت‌ها را با رسم طرح‌هایی ساده از صحنه جرم کامل کرد. دو نوع طرح می‌توان از صحنه جرم رسم کرد:

- طرح کلی و ساده‌ای که در دفتر یادداشت باز پرس رسم می‌شود
 - نمودار رسمی که در واقع مقیاسی حاوی اندازه‌گیری‌های صحیح است
- مزایای یک طراحی رسمی که به‌خوبی از صحنه جرم تهیه شده عبارت است از:
- ارایه توصیف صحیح از صحنه جرم
 - کمک به حافظه شاهد (تقویت عملکرد حرفه‌ای باز پرس)

• گذاشتن تأثیر مطلوب بر دادگاه

رسم يك طرح کلی در کتاب یادداشت افسر پلیس باید برای به تصویر کشیدن صحنه باشد (برای مثال، یک اتاق، مجموعه-ای از اتاق‌ها یا فضای بیرون خانه، جایی که اسلحه‌ای در آن قرار داده شده است). یک صفحه می‌تواند نمای صحنه باشد که در آن اعدادی برای مشخص کردن اجزای کلیدی (مانند یک جسد یا یک شاهد مادی) به‌کار رفته است. صفحه‌ی دیگر کتاب‌چه یادداشت می‌تواند حاوی فهرست این اعداد باشد و برای هر کدام از آن اجزا عنوان یا توصیفی بیاورد. شبیه یک نقشه، این صفحه دوم "کلید رمز" نمودار است.

نمودار با مقیاس رسمی شامل اندازه‌گیری‌های صحیحی است که برای تضمین صحت با متر نواری انجام می‌شود. نمودار با مقیاس رسمی شبیه نقشه ساختمان یا طرح معماری است.

به همین ترتیب می‌توان از عکس‌ها برای ثبت صحنه، و همچنین هر نوع جراحی که ممکن است قربانی برداشته باشد استفاده کرد. عکس‌های صحنه جنایت در خدمت دو هدف هستند:

الف) اولین هدف ثبت صحنه کلی جنایت است، که شامل عکس از نمای بیرونی و درونی ساختمان و/یا صحنه؛ راه‌های ورود، عبور، و خروج مظنون؛ و شواهد مادی یافت شده در صحنه جرم است؛

ب) هدف دوم عکس‌های صحنه جرم ثبت شواهد پزشکی قانونی است که سپس می‌تواند برای بازسازی صحنه جرم و شناسایی مظنون(ها) استفاده شود. شواهدی مانند تصاویر بزرگ شده از اسلحه‌ها، اثر انگشت و ابزارهای علامت‌گذاری شده نمونه‌ای از این نوع عکس است.

هنگام مستندسازی صحنه جرم با عکاسی، بازپرسان باید به‌خاطر داشته باشند که آن‌ها در اصل دارند داستانی را با تصویر برای کسانی تعریف می‌کنند که در صحنه جرم حضور نداشته‌اند. بنابراین، تصاویر نه‌تنها باید صحنه جرم و شواهد مرتبط را ثبت کند بل‌که باید زمینه گسترده‌تری را نیز نمایش دهد.

بازپرسانی که صحنه را با عکس‌ها مستند می‌کنند باید از سه فاصله عکس بگیرند:

الف) فاصله دور، و از زوایای مختلف (صحنه را مشخص کند، زمینه بزرگتر را با مقیاس مشخص کند، صحنه را در زمینه کلی مشخص کند)؛

ب) فاصله حدواسط؛

پ) نمای نزدیک (شواهد را به تصویر می‌کشد، کجا یافت شده است، در زمان یافت شدن چه شکل و وضعیتی داشته است).

برحسب صحنه و برحسب جرم فاصله برای هریک از این‌ها متفاوت خواهد بود. عکس‌های نمای نزدیک باید چیزی مانند یک خط‌کش را برای مشخص کردن مقیاس ضمیمه داشته باشد.

گزارش مکتوب نهایی است که همه این حقایق را یکجا و در یک سند جمع می‌کند. گزارش مکتوب را سرپرستان پلیس و کارکنان ارشد آن، دادستان‌ها، و گاهی دادگاه‌ها و دولت مطالعه می‌کنند. گزارش خوب تصویر مثبتی از بازپرس نمایش می‌دهد. به همین ترتیب، گزارش ضعیف می‌تواند مشکلاتی برای بازپرس، برای بازپرسانی که بعداً در آن مورد درگیر خواهند شد، و برای کسانی که خود شخصا از آن جرم آسیب دیده‌اند ایجاد کند. همچنان که در مثل آمده است "کار آن که

کرد که تمام کرد؛⁵⁹ این مسأله در مورد خیلی تحقیق‌های خوب صادق است چرا که به علت مستندسازی ناکافی هیچ‌گاه ارزش عملی پیدا نمی‌کنند.

"سند نهایی" همانند یادداشت‌های بازپرس باید کامل و روشن مکتوب کند که:

- چه رخ داد
- چه کسی درگیر بود (مظنون، قربانی، شاهد، بازپرسان)
- کی اتفاق افتاد
- کجا اتفاق افتاد
- چرا اتفاق افتاد⁵⁹
- چگونه اتفاق افتاد
- چه شواهدی جمع‌آوری شد، توسط چه کسی، چگونه، و چه کاری با آن انجام شد

در نوشتن گزارش یک واقعه، بازپرس باید در نظر بگیرد که:

- هدف از گزارش چیست
 - چه کسی گزارش را می‌خواند
 - آن‌ها چه چیزهایی را اختصاصاً نیاز دارند بدانند
- در نظر داشتن این سه نکته به بازپرس کمک می‌کند گزارش و محتوای آن را به‌گونه‌ای تهیه کند که نیازهای مصرف‌کننده (ها) گزارش را تأمین کند.

گزارش خوب پلیس این‌گونه است:

- منطبق بر واقعیت
- صحیح
- هدفمند، منصف، و بی‌طرف
- کامل
- موجز

⁵⁹ Investigators are cautioned that the “why” of an incident can be a very sensitive issue and asking “why” may be construed as an attempt to blame the victim for the violence that took place.

- دقیق
- روشن
- با سازمان‌دهی خوب
- شامل نتیجه‌گیری و توصیه‌هایی بر پایه حقایق

هنگام توصیف واقعه‌ی خشونت خانگی، گزارش باید شامل اظهارات قربانی و شاهد، جزییاتی در مورد جراحت‌ها، اسلحه‌ها، و حقایق مرتبط؛ اطلاعاتی در مورد عوامل خطر خاص برای زنان درگیر در واقعه که می‌تواند منجر به خشونت بیشتر شود، و توصیه‌هایی برای پلیس یا اقدام سازمان خدمات اجتماعی باشد.

اجزای اساسی گزارش خوب پلیس نه تنها نیاز کسانی است که گزارش را می‌خوانند در نظر می‌گیرد، بلکه دربرگیرنده مجموعه‌ای از پرسش‌ها در رابطه با تحقیق و چیزهایی است که باید برای مستند کردن کامل صحنه جرم و تحقیق پلیس ثبت شود. در وقایع خشونت خانگی، سؤال‌ها باید متمرکز بر عواملی باشد که ممکن است در آینده هر نوع خطری را متوجه زنی کند که درگیر واقعه است.

اطلاعات لازم	سؤال
<ul style="list-style-type: none"> • بایگانی پلیس/شماره واقعه • مظنون • شاکی/قربانی • شاهد(ان) • بازپرس(ان) اولیه • بازپرسان (بعدی) • خدمات مددکاری پلیس برای قربانی 	<p>چه کسانی در بازپرسی دخیل هستند و چگونه می‌توان با آن‌ها تماس گرفت؟</p>
<ul style="list-style-type: none"> • چه تخلفی رخ داده بود؟ • چه ارتباطی بین قربانی و مظنون وجود دارد؟ • چه جراحت‌های مشخصی ایجاد شده است؟ • چه شواهدی و توسط چه کسی به دست آمد؟ • شواهد به کجا منتقل شد؟ • شما چه اقدامی کردید؟ 	<p>چه اتفاقی افتاد؟</p>

<ul style="list-style-type: none"> • چه اقدام دیگری لازم است؟ • چه اطلاعاتی را شاهد می‌تواند فراهم کند؟ 	
<ul style="list-style-type: none"> • زمان (شروع و پایان) • تاریخ • روز هفته 	<p>هر واقعه ثبت شده در گزارش در چه زمانی رخ داده است؟</p>
<ul style="list-style-type: none"> • تخلف دقیقا کجا رخ داد؟ • آیا با همه قربانیان/شاهدان درگیر مصاحبه انجام شد و اظهارات رسماً ثبت شد؟ • آیا مظنون استنطاق شد؟ • آیا اسلحه‌ای استفاده شده بود و اگر بله، کجا توسط پلیس توقیف شد؟ • مدارک تخلف کجا یافت شد؟ • مدارک الان کجا است؟ • مظنون در کجا مستقر/توقیف شد؟ • مظنون الان کجا است؟ • شاهدان کجا بودند؟ • شاهدان الان کجا هستند؟ • شاکی/قربانی کجا بود؟ • شاکی/قربانی الان کجا است؟ • سابقه قبلی خشونت که در آن مظنون و/یا قربانی دخیل بودند • سابقه قبلی از مظنون در پلیس • سابقه دادگاه و/یا احکام ممانعتی 	<p>هر واقعه ثبت شده در گزارش کجا رخ داده است؟</p>
<ul style="list-style-type: none"> • اگر قابل اطلاق است، چرا تخلف فوراً گزارش نشد؟ • اگر قابل اطلاق است، چرا قربانی و/یا شاهد از پیش 	<p>چرا حادثه رخ داد؟</p>

آمدن اکراه دارند؟

- اگر قابل اطلاق است، چرا قربانی و/یا شاهد مایل به متهم کردن (یا متهم نکردن) کسی است؟
- چرا از آن شیوه برای ارتکاب تخلف استفاده شد؟

امنیت قربانی

- قدم‌هایی که برای تضمین امنیت قربانی برداشته شده، شامل ابداع طرح امنیت شخصی، ارجاع به سرپناه، یا تکمیل فرم پلیس برای ارزیابی خطر/تهدید
- اگر قابل اطلاق است، قدم‌های برداشته شده برای تضمین سلامت کودکان

حادثه چگونه رخ داد؟

- ارتکاب تخلف چگونه بود؟
- مظنون چگونه رفتار کرد؟
- شاکی/قربانی چگونه رفتار کرد؟^۱

^۱Based on Canada, Justice Institute of British Columbia, Police Academy, *Investigation and Patrol Manual*, 2004, pp. 11-13.

بسته به آن نهاد پلیس، گزارش تحقیق می‌تواند برای ارایه به دادگاه استفاده شود یا بازپرسان ممکن است برای مراحل دادستانی مجبور به تهیه سندی جداگانه شوند. خلاصه‌ی دادگاه می‌تواند شامل شرح کامل و همراه با جزئیات واقعه و تحقیق انجام‌شده، مستندات شفاهی اظهارات قربانی، شاهد، و مظنون، جزئیات همه شواهد جمع‌شده و این که توسط چه کسی جمع شده، و نسخه‌ی تکثیر شده از همه اظهارات قربانی، شاهد، و مظنون باشد.

گزارش می‌تواند شامل جزئیات تاریخچه‌ی جنایی مظنون و نسخه‌ی تکثیرشده احکام دادگاه، شرایط ضمانت یا احکام محدودکننده باشد. اگر هر کدام از این‌ها وجود داشته باشد، یک نسخه از فرم ارزیابی خطر/تهدید نیز باید ضمیمه شود چون این فرم در هر نوع ضمانت یا آزادی مشروطی تکمیل می‌شود.

در حقوق عرفی کشورها ممکن است تسلیم نسخه‌ی کامل از گزارش پلیس به شورای دفاع الزامی باشد. اگر چنین است، این کار اغلب از طریق دفتر دادستان انجام می‌شود.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

پلیس سلطنتی سوارمنظام کانادا، در بریتیش کلمبیا (کانادا)، یک راهنمای تحقیق خشونت خانگی تدوین کرده است که بخشی از آن در مورد نحوه جمع‌آوری اطلاعات برای ارزیابی خطر و گزارش به دادستان است. هدف از این اطلاعات کمک به رسیدگی به درخواست آزادی با ضمانت توسط فراهم آوردن اطلاعات لازم به دادگاه و کمک به شناسایی عوامل خطری است که می‌تواند قربانی را در معرض خطر بعدی خشونت قرار دهد. اطلاعات جمع‌آوری شده مربوط به قربانی و مظنون هر دو است و تاحدی شامل این جزئیات است:

- سابقه جنایی مظنون از خشونت
- سابقه قبلی مظنون از خشونت خانگی

- احکام دادگاه در ارتباط با مظنون و هرگونه سابقه‌ای از تخطی از این احکام
- سابقه سوءاستفاده مظنون از الکل/مواد
- سابقه مظنون از بی‌ثباتی شغلی یا مشکلات مالی
- سابقه مظنون از بیماری روانی
- سابقه مظنون از تهدید یا اقدام به خودکشی
- دسترسی مظنون به اسلحه، استفاده از آن یا تهدید با آن
- برداشت قربانی از امنیت خود
- برداشت قربانی از خشونت در آینده، یا خطر خشونت
- وضعیت فعلی روابط در خانه (مثلاً طلاق معوق شده)
- سابقه بالا گرفتن سوءاستفاده /خشونت در رابطه
- آیا بچه‌ها در موضوع درگیر هستند، در معرض خشونت قرار گرفته‌اند یا ممکن است قرار بگیرند
- سابقه تهدید قربانی، خانواده، دوستان، همکاران یا حیوان خانگی او توسط مظنون
- سابقه مظنون در اجبار قربانی به رابطه جنسی
- سابقه مظنون در نشان دادن حسادت، تعقیب مخفیانه، آزار قربانی یا شریک جنسی قبلی
- سایر اطلاعاتی که می‌تواند مرتبط باشد (برای مثال، آیا قربانی از نظر اجتماعی یا جغرافیایی منزوی است، مایل به ترک خانه نیست، به زبان محلی صحبت نمی‌کند (مهاجرت اخیر)، نوعی ناتوانی دارد، و غیره؟)

ارایه شواهد در دادگاه

تفاوت‌هایی در نحوه پیگرد قانونی در نظام دادرسی کیفری بین کشورها وجود دارد.

در برخی کشورها پلیس ممکن است به‌عنوان رییس دادگاه بخش عمل کرده و درخواست ضمانت را بررسی کند، یا در اولین جرم یک خلافکار، هدایت دادگاه را به دست گیرد. در سایر کشورها وقتی قرار است در مورد ضمانت تصمیم‌گیری شود، ممکن است افسر بازپرس شواهد را در اولین بار حضور متخلف ارایه کند.

در بیش‌تر کشورها پلیس لازم است که در محاکمه‌ی متخلف حاضر شود و شواهد را ارایه کند. در این‌جا افسران بازپرس اقدامات خود را در مورد آنچه دیده و شنیده‌اند بازگو می‌کنند، و به دادگاه همه شواهد مادی ضبط شده را به‌عنوان بخشی از تحقیق خود ارایه می‌کنند (برای مثال، یادداشت‌ها، اسلحه‌ها، لباس خونی).

در جریان محاکمه نقش پلیس اغلب ارایه هدفمند حقایق یافت شده در تحقیقات است. در واقع پلیس به‌عنوان شاهد برای دادستان حاضر می‌شود. یادداشت‌هایی که قبلاً از همه اقدامات، شواهد، مشاهدات، اظهارات و غیره برداشته شده می‌تواند ارایه صحیح مدارک توسط پلیس را بسیار تسهیل می‌کند. یادداشت‌های ضعیف اغلب منجر به شهادت ضعیف در دادگاه می‌شود.

پلیس اغلب در جریان محاکمه در ترتیب دادن حضور قربانی و سایر شاهدان و حفاظت از آنان نقش دارد.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

با کمک هیأت مأموریت ملل متحد در لیبیا (UNMIL) و صندوق کودکان ملل متحد، پلیس ملی لیبیا واحد حفاظت زنان و کودکان را در همه ۱۵ بخش کشور دایر کرده که تمرکز آن تحقیق در مورد قربانی شدن زنان و کودکان و پاسخ به آن است. ^۱ واحد مشابهی در سرفرماندهی پلیس رواندا ایجاد شده است. چنین واحدهایی اهمیت موضوع حفاظت از زنان و کودکان توسط دولت‌های متبوع را پررنگ می‌کند، و بنابراین تقویت اقدامات و خدمات را در همه حوزه‌های نظام دادرسی کیفری تشویق می‌کند.

۱ ملاحظه کنید: www.un.org/News/Press/docs/2009/wom1748.doc.htm

ث. ارزیابی تهدید و اداره خطر

در راهبردهای نمونه، در پاراگراف ۷ (h)، از کشورهای عضو مصرانه خواسته می‌شود اقداماتی را اتخاذ کنند که می‌تواند امنیت قربانیان و خانواده آنان را تضمین و آنان را از ارباب و انتقام حفظ کند. سپس در پاراگراف (۸) از کشورها مصرانه خواسته می‌شود که تضمین کنند رویه‌های پلیس، شامل تصمیم در مورد دستگیری، حبس، و شرایط هر نوع آزادی مهاجم با در نظر گرفتن امنیت قربانی و سایر وابستگان او از خانواده تا روابط اجتماعی باشد، و این رویه‌ها از خشونت‌های آینده نیز پیشگیری کند.

پلیس می‌تواند کارهای زیادی را برای پراختن به نیاز زنان قربانی خشونت خانگی به امنیت انجام دهد که شامل کاهش خطر خشونت در آینده است. این اقدامات شامل موارد زیر است:

- پیگیری برای گرفتن احکام محافظتی، احکام منع تماس، و غیره
- کار با قربانی برای شناسایی عوامل خطر و ابداع طرح امنیت شخصی
- ارجاع یا همراهی زنان به سرپناه
- اتخاذ سیاست دستگیری اجباری در همه موارد ادعا شده یا مظنون خشونت خانگی
- اگر لازم بود، درخواست شرایط آزادی سخت‌گیرانه برای متخلفان، شامل منع رفت‌وآمد شبانه، احکام منع تماس، پرهیز از الکل، منع داشتن اسلحه، و پیدا کردن مشاور و حضور در جلسه‌های مشاوره
- نظارت و اعمال شرایط ضمانت/آزادی و شرایط آزادی بعد از محاکمه
- مطلع ساختن قربانی قبل از آزادی متهم
- انجام ارزیابی خطر و اعمال طرح‌های اداره تهدید برای کاهش خطر حمله‌های آینده
- تحقیق در مورد گزارش زنان از دریافت تهدید

وقتی پلیس شروع به تحقیق در مورد خشونت خانگی، و ارزیابی و اداره‌ی تهدید می‌کند، مهم است به‌خاطر داشته باشد که هر وضعیتی منحصر به فرد است و بنابراین نباید به راحتی خود را تسلیم پاسخی ساده و فرمول‌وار کند. پیچیدگی‌ها و نکات ظریف در هر تهدید نیاز به پاسخی انفرادی دارد تا بتواند به بهترین شکل پاسخ‌گوی نیاز زنان درگیر در خشونت باشد.

رویکرد دیگر در حفاظت از قربانی سرپناه‌های خشونت خانگی است. این سرپناه‌ها در بسیاری از کشورها وجود دارد و اغلب توسط دولت محلی یا سازمان‌های مردم‌نهاد اداره می‌شود. آن‌ها محل اقامت امنی را برای زنان قربانی خشونت خانگی و کودکان آن‌ها فراهم می‌کنند. معمولاً در سرپناه‌ها مشاوره، حمایت از قربانی، مساعدت حقوقی، و سایر خدماتی که ممکن است قربانی نیاز داشته باشد در محل ارائه می‌شود.

همان‌گونه که اشاره شد یک رویکرد برای کار با زنان، شناسایی عوامل خطر، و ابداع طرح شخصی‌شده‌ی تأمین امنیت است. چنین طرح‌هایی می‌تواند با همراهی زنان و مددکاران، کارکنان سرپناه، مشاوران، یا پلیس تهیه شود. طرح‌ها بر شناسایی خطر و تخفیف آن تمرکز دارد و می‌تواند شامل حمایت‌ها و پاسخ‌های بین‌سازمانی، از قبیل پلیس، مشاوران، دادگاه، ناظران اعمال ضمانت، و ارائه‌دهندگان مراقبت سلامت باشد. این طرح شامل مروری نظام‌مند از همه حقایق است که بر امنیت یک زن (مثبت یا منفی) تأثیر دارد و منطبق با شرایط و نیازهای خاص زن درگیر شده در خشونت است.

طرح‌های تأمین امنیت ابزارهای پیشگیری هستند نه پیش‌بینی. آن‌ها برای کاهش خطر و افزایش امنیت طراحی شده و نمی‌تواند میزان احتمال خشونت یا احتمال خشونتی شدیدتر و مرگبار را در آینده را پیش‌بینی کند.

در ابداع طرح امنیت، به متخصصان خاطرنشان می‌شود زنی که درگیر در موضوع است خود متخصص در زندگی خود، و خطرات آن و "مالک" طرح است. نقش متخصصان تسهیل فرایند ابداع طرح همراه با قربانی، نه برای او است.

اطلاعات لازم برای ابداع طرح ممکن است از منابع مختلف تأمین شود چرا که اغلب همه اطلاعات مرتبط را از یکجا نمی‌شود به دست آورد. چون این اطلاعات حساس و شخصی است باید محرمانه تلقی و حفظ شود و کسانی که قرار است در حفاظت از آن زن نقش داشته باشند دسترسی محدودی به آن داشته باشند.

قدم‌های پیشنهادی در ابداع طرح امنیت شخصی، با همکاری و مشارکت زن درگیر در موضوع شامل این موارد است:

- بحث اولیه در مورد هدف و نقش طرح، از جمله محدودیت‌های آن
- گردآوری اطلاعات، شامل عوامل حمایت از امنیت (منابع حمایتی، اشکال حمایت) و عوامل خطر که مرتبط با فرد مهاجم است. یادآور شوید که ممکن است با منابع مختلف اطلاعات مشورت شود
- کار برای ابداع طرح امنیت، شامل راهبردهای خاصی برای تقویت حمایت‌ها و کاهش خطر، از جمله قدم‌هایی مانند نظارت نظام دادرسی بر فرد مهاجم، مداخلات لازم برای فردی که مورد آزار قرار گرفته، نحوه تقویت امنیت جانی زن (برای مثال، تغییر محل زندگی، شماره تلفن جدید، قدم‌هایی برای افزایش امنیت در خانه، محل کار و جامعه، برای زن و کودکان او)
- تعیین اولویت‌ها و قدم‌های بعدی، شامل آن‌هایی که نیاز به اقدام فوری دارد، و مرور بعدی طرح.⁶⁰

در ابداع طرح امنیت فردی، قدم دوم ذکر شده در بالا، یعنی در نظر گرفتن عوامل حمایت از امنیت، این موارد را می‌توان گنجانند:

⁶⁰ Based on Canada, British Columbia Institute Against Family Violence, *Aid to Safety Assessment and Planning (ASAP) Manual* (Vancouver, 2006).

- سطح حمایت شخصی قابل دسترسی برای آن زن
- شرایط فردی زندگی او
- میزان هراس او
- موانعی که به علت نگرش‌ها و باورهای شخصی آن زن، خانواده، جامعه یا فرهنگ در مسیر امنیت او ایجاد می‌شود
- تأثیراتی که آن آزار بر سلامت داشته
- وضعیت اشتغال یا مشکلات مالی
- ملاحظات مربوط به کودک
- سوءمصرف مواد/مسائل مربوط به سوءمصرف (الکل و/یا مواد، قانونی یا غیرقانونی)
- دسترسی و موجود بودن خدمات محلی و پاسخ‌دهی آن‌ها به نیازهای قربانی
- دسترسی و موجود بودن اطلاعات
- هماهنگی خدمات حمایتی

این عوامل در رابطه با متخلف می‌تواند منجر به افزایش خطر خشونت در آینده شود و باید آن را در نظر گرفت:

- سابقه خشونت (بدنی و جنسی)
- تهدید، فکر، قصد خشونت
- بالا گرفتن تهدید یا خشونت بدنی/جنسی
- تخطی از احکام دادگاه مدنی و جنایی
- سایر جرایم
- نگرش‌های منفی
- دسترسی به اسلحه، مانند سلاح گرم
- واکنش به تغییر در توازن قدرت و کنترل
- وضعیت اشتغال یا مشکلات مالی
- مصرف/سوءمصرف مواد (الکل و/یا مواد، هم قانونی و هم غیرقانونی)

- مشکلات سلامت روان

- سایر ملاحظات خاص در آن مورد⁶¹

هریک از عوامل را می‌توان بسط داد و در مورد جزییات آن با همراهی آن زن و متخصصانی که با او کار می‌کنند کاوش کرد. طرح شامل ارزیابی خطر و نیازهای قربانی، شناسایی منابعی که زن می‌تواند برای افزایش امنیت خود از آن استفاده کند، و اولویت‌بندی قدم‌های بعدی است.

طرح کامل شده باید منعطف و قابل انطباق با تغییر شرایط و عوامل خطر باشد. طرح همچنین باید منطبق با حقایق متفاوتی باشد که هر زنی با آن روبرو است و باید شامل ارزیابی واقع‌گرایانه هم از خطر و هم از خدمات حمایتی موجود باشد (برای مثال پاسخی که از پلیس و دادگاه انتظار می‌رود). در ابداع طرح باید عواملی که ممکن است نیاز به بازبینی را ایجاد کند مشخص کرد (برای مثال، تهدیدهای جدید از طرف متخلف یا سرپیچی از شرایط ضمانت).

در زمان اولیه بحران، یا وقتی زنی بار اول وارد سرپناه می‌شود، پیش از پرداختن به ابداع طرح امنیت شخصی، زمان کافی برای فروکش کردن سطح اضطراب، ترس، و استرس اختصاص دهید.

طرح‌های امنیت شخصی نمی‌تواند مشکلاتی که در سطح محلی و ناحیه‌ای در رابطه با منابع ناکافی حفاظتی و حمایتی وجود دارد حل کند، و همچنین نمی‌تواند بر موانعی که ممکن است در مسیر پاسخ هماهنگ پلیس، خدمات مراقبت سلامت، و سایر نهادها و سازمان‌ها در رسیدگی به نیازهای منحصر به فرد زنان درگیر وجود دارد فایده‌بخش باشد.

طرح امنیت به شناسایی و کاهش خطرات آینده و شناسایی راهبردهایی برای افزایش امنیت زنان کمک می‌کند. هرچند آن‌ها وقوع خشونت را در آینده پیش‌بینی نمی‌کنند. ابزارهای دیگری هست که می‌تواند در پیش‌بینی تهدیدهای آینده، ارزیابی آن و اداره خطر بالقوه آن کمک کند. پلیس و دیگر کسانی که تعلیم ویژه دیده‌اند از این ابزارها استفاده می‌کنند.

"خطر" احتمال وقوع چیزی است، در حالی که تهدید نشان‌گر یک عمل منفی است که ممکن است رخ دهد. خطر اغلب احتمال یک واقعه ضربدر عواقب زیان‌بار آن تعریف می‌شود. از دیدگاه دیگر، خطر به این معنی است که احتمال بالقوه وقوع جراحت و آسیب در آینده چقدر است. اگر احتمال دارد قربانی خشونت خانگی مجدداً مورد تهدید و آسیب قرار گیرد، بنابراین درجه‌ای از خطر وجود دارد. چالش در شناسایی، تحلیل، تأیید، ارزشیابی، و کمی کردن خطر(ات) است. خطر عاملی پویا است که به شرایط زمینه‌ای بستگی داشته و در پیوستاری از احتمالات قرار دارد.⁶²

متون، طرح‌ها، و ماتریس‌های نمره‌گذاری خطر به‌عنوان ابزار کمکی در تصمیم‌گیری پلیس طراحی شده‌اند و نمی‌توان از آن برای شناسایی و اندازه‌گیری قطعی و ملموس خطر در رابطه با هیچ وضعیت دیگری استفاده کرد. قرار نیست آن‌ها راهنمایی قطعی و غیرقابل انعطاف باشند. در عوض، باید راهنمایی برای تصمیم‌گیری بوده و دایما قابلیت‌پایش و انعطاف را داشته تا بتواند پاسخگوی نیازهای منحصر به فرد در هر یک از موقعیت‌ها باشند.

⁶¹ "Threats" are something the perpetrator says that indicate his intent to cause physical harm to the woman. "Ideation" means thoughts, urges and fantasies about causing physical harm to others, while "intent" is an expression of a desire or plan to cause harm to others.

⁶² Randy Borum and others, "Threat assessment: defining an approach for evaluating risk of targeted violence", *Behavioral Sciences and the Law*, vol. 17, No. 3 (1999), pp. 323-337.

طبق نظر گروهی از کارشناسان، ارزیابی خطر طراحی مجموعه‌ای از فعالیت‌های تحقیقاتی و عملیاتی برای شناسایی، ارزیابی، و اداره فردی است که می‌تواند تهدیدی را متوجه هدف‌های مشخصی کند.^{۶۳} این تحقیقات شامل تحلیل رفتار فرد و بررسی الگوهای رفتاری او است که می‌تواند منجر به حمله به هدف یا هدف‌های خاص شود.^{۶۴}

بیشتر تحقیقات مجریان قانون در مورد جرایم خشونت بعد از وقوع جرم انجام می‌شود. تنها در سال‌های اخیر، و عمدتاً در منابع آمریکایی، به ارزیابی سطح خطری که می‌تواند از طرف مهاجمان خشن تحمیل شود توجه شده است.^{۶۵} این تغییر جهت عمدتاً به دنبال پیشرفت‌هایی در قانون‌گذاری در زمینه خشونت خانگی و آزار جنایی و همچنین کار در مورد حمله‌های هدف‌گذاری شده به افراد تحت حفاظت بوده است.

توان پیش‌بینی مدل‌های ارزیابی خطر مطلق نیست. ابزارهای کمی کردن سطح خطر برای مثال از یک مقیاس ۱ تا ۱۰ استفاده می‌کند که اغلب ارزیابی ساده‌شده‌ای از خطر را ارائه می‌دهد و قادر به در نظر گرفتن ظرایف و ماهیت پویای هر تهدید خاص نیست.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

دولت بریتیش کلمبیا (کانادا) کارت‌هایی به اندازه کیف پول را رایگان توزیع می‌کند که حاوی نکاتی در مورد برنامه‌ریزی امنیت شخصی است. کارت‌ها برای زنان قربانی خشونت خانگی طراحی شده است و ۱۰ نکته در مورد افزایش امنیت شخصی را فهرست می‌کند. شماره تلفن برای دسترسی رایگان به خط اطلاعاتی ۲۴ ساعته برای قربانیان نیز در این کارت‌ها موجود است.

مدل‌هایی که برای ارزیابی احتمال سطح خطر و تهدید در موارد خشونت خانگی استفاده می‌شود اغلب تمرکز دارد بر:

- شدت و تواتر خشونت قبلی (شامل بالا گرفتن ماهیت/شکل خشونت و تجربه‌ای که قربانی با مهاجم داشته، شامل رفتارهایی مانند تحت نظر گرفتن یا آزار/تجاوز جنسی، و وقایع دیگری که احتمالاً مهاجم درگیر آن بوده است).
- عوامل مرتبط با قربانی (برای مثال، ناتوانی، حاملگی یا شیردهی، اجتناب از/یا تعلق خاطر به مهاجم یا خانواده، وابستگی مالی به مهاجم، متارکه اخیر با مهاجم، مسایل و حساسیت‌های فرهنگی، و غیره).
- عوامل مرتبط با مهاجم، مانند سابقه قبلی خود فرد در مورد خشونت با شریک جنسی (مانند سابقه در کودکی به-عنوان قربانی یا شاهد، سابقه از سوءاستفاده)، تخطی از احکام دادگاه، سابقه سایر اشکال خشونت، نگرش نسبت به خشونت خانگی و جزییات عملکرد روان‌شناختی و اجتماعی او (برای مثال سایر رفتارهای جنایی جدی، مشکلات ارتباطی، اشتغال و مشکلات مالی، سوءمصرف مواد و اختلال روانی).^{۶۶}

راهبردهای اداره خطر شامل پیش و نظارت بر شرایط آزادی متخلف، خدمات و برنامه‌های درمان متخلف، و برنامه‌ریزی امنیت قربانی است.

⁶³ Robert A. Fein, Bryan Vossekuil and Gwen A. Holden, "Threat assessment: an approach to prevent targeted violence", *National Institute of Justice: Research in Action*, July 1995.

⁶⁴ Ibid.

⁶⁵ Robert A. Fein and Bryan Vossekuil, "Preventing attacks on public officials and public figures: a secret service perspective", *The Psychology of Stalking: Clinical and Forensic Perspectives*, J. Reid Meloy, ed. (San Diego, California, Academic Press, 1998), pp. 176-191.

⁶⁶ Based on United Kingdom, London Metropolitan Police, *MPS Risk Assessment Model for Domestic Violence* (2003). Available from www.met.police.uk/csu/pdfs/Appendix III.pdf; P. Randall Kropp, Stephen D. Hart and Henrik Belfrage, "Structuring judgments about spousal violence risk and lethality: a decision support tool for criminal justice professionals", *Just Research*, vol. 13, 2005. Available from www.justice.gc.ca/eng/pi/ts/rep-rap/jr/jr13/p5c.html.

صرف نظر از این که چه رویکرد یا ابزاری استفاده شود، پلیس لازم است در خط مقدم حفاظت از قربانی، دایما با او در تماس باشد تا اطمینان حاصل کند آیا تغییر اساسی در شرایط او یا مهاجم که می‌تواند مؤثر بر امنیت و کاهش خشونت در آینده باشد رخ داده است یا خیر.

مدل‌های پیش‌بینی برای اندازه‌گیری سطح خطر و احتمال وقوع یک تهدید استفاده می‌شود. پلیس می‌تواند از این اطلاعات برای اداره خطر از طریق رفع آن (حبس مظنون)، برنامه‌ریزی تأمین امنیت شخصی، احکام محافظتی دادگاه، یا پذیرش خطر (برنامه‌ریزی چندسازمانی، نظارت پلیس بر مهاجم، دادگاه و نهادهای تأدیبی) استفاده کند.⁶⁷

در برنامه‌ریزی برای امنیت قربانی خشونت خانگی یا ارزیابی خطر آینده، پلیس باید در نظر داشته باشد که سایر اعضای خانواده، دوستان و همکاران قربانی و مهاجم، هردو، می‌توانند در آینده در معرض خشونت باشند. از پلیس خواسته می‌شود این احتمال را در برنامه‌ریزی و پاسخ‌هایش در نظر داشته باشد.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

راهنمای کمک به ارزیابی و برنامه‌ریزی امنیت در سال ۲۰۰۶ توسط مؤسسه بریتیش کلمبیا (کانادا) علیه خشونت خانوادگی^۱ (ASAP) منتشر شد. این راهنما بخشی از مجموعه دستورالعمل‌ها و ابزارهایی بود که برای کاهش خشونت علیه زنان در روابط طراحی شده بود. مدکاران با کمک این راهنما به زنان در ارزیابی امنیت و برنامه‌ریزی امنیت شخصی کمک می‌کنند. ASAP بر اساس این فرض است که اگر راهبردی برای ارزیابی مداوم خطر تحمیل‌شده از طرف فرد آزارگر و برنامه‌ریزی تأمین امنیت شخصی وجود داشته باشد، می‌تواند به افزایش سطح کلی امنیت آنان کمک کند. برنامه‌ریزی امنیت فرایندی پیچیده است و راهنماهای ASAP بهترین اطلاعات تجربی و تحقیقاتی موجود را برای رسیدگی به طیف وسیعی از نیازهای امنیت زنان فراهم می‌کند. استفاده از راهنما ضمن کمک به هدایت یک رویکرد کامل، نباید جایگزین تفکر نقادانه و تحلیل شرایط منحصر به فرد هر مورد شود.

^۱ The Aid to Safety Assessment and Planning (ASAP)

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در آلبرتای کانادا، دولت محلی واحد ارزیابی تهدید خشونت خانوادگی را راه‌اندازی کرده است که در آن متخصصان دانشگاهی، کارشناسان حقوق خانواده، مددکاران مداخله در موارد کودک، پلیس، و بازپرسان عضو هستند. ابتکار آلبرتا در ارزیابی و اداره تهدید در روابط، در جهت هماهنگی تلاش‌های مسئولان قضایی با نهادهای اجتماعی است تا پاسخ مؤثری به تهدید خشونت، روابط پرخطر و موقعیت‌هایی که در آن زنی تحت‌نظر قرار می‌گیرد، داده شود. این ابتکار بیش‌تر به‌عنوان مرجعی برای پلیس، سرپناه‌های زنان، مسئولان تأدیبی، مددکاران سلامت روان، و جوامع در سراسر استان است.^۱

^۱ See p. 161.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

برای مرور جامع ابزارهای موجود ارزیابی خطر موارد زیر را ملاحظه کنید:

۱. فرم کوتاه ارزیابی خطر تهاجم به شریک جنسی^۱ (B-SAFER). این ابزار را پی‌رندال کراپ، استفان دی. هارت، و هنریک بلفریچ طراحی کرده‌اند. این ابزار چک‌لیست یا راهنمایی برای ارزیابی خطر تهاجم به شریک جنسی در شرایط دادرسی مدنی و جنایی (مثلاً برای پزشکی قانونی) است. هدف از B-SAFER کمک به متخصصان هنگام انجام ارزیابی

⁶⁷ See. MPS Risk Assessment Model ...

حرفه‌ای میزان خطر است؛ این ابزار جایگزین تشخیص حرفه‌ای نیست. قصد آن معرفی چارچوبی نظام‌مند، استاندارد شده و عملیاتی برای گردآوری اطلاعات و در نظر گرفتن آن هنگام تصمیم‌گیری برای ارزیابی خطر است. این ابزار مستقیماً از متون علمی و تخصصی در مورد ارزیابی خطر خشونت علیه شریک جنسی و برنامه‌ریزی برای امنیت قربانی برگرفته شده است.

¹ Brief Spousal Assault Form for the Evaluation of Risk (B-SAFER)

۲. فرم ارزیابی خطر تهاجم خانگی انتاریو (ODARA)². ODARA ابزار عمومی تجسس خشونت است که به موارد تکرار خشونت می‌پردازد. خود این ابزار اختصاصاً به احتمال مرگ‌آفرین بودن خشونت نمی‌پردازد. فرم شامل ۱۳ سؤال است که در آن به پاسخ "بله" یک نمره داده می‌شود. اگر نمره‌ی کسی بین ۷ تا ۱۳ باشد احتمال این که او خشونت دیگری را مرتکب شود ۷۰ درصد است. این ابزار می‌تواند برای تجسس کلی در مورد خشونت ارزش بالایی داشته باشد و چراغ خطر را در مواردی که قربانی در خطر بالقوه خشونت در آینده است روشن کند.

2 Ontario Domestic Assault Risk Assessment (ODARA).

۳. ابزار ارزیابی خطر^۳. DA-2 توسط ژاکلین دی. کمپل از دانشکده پرستاری دانشگاه جانز هاپکینز، ایالات متحده، طراحی شد. در این ابزار ابتدا از قربانی خواسته می‌شود مثال‌های مشخصی از سوءاستفاده را روی یک تقویم ثبت کند. ابزار سپس ۲۰ سؤال درباره مرگ‌آور بودن مطرح می‌کند که جواب "بله" یا "نه" باید به آن داده شود. ابزار الگویی از تواتر و شدت خشونت طی سال گذشته فراهم می‌کند. این ابزار در برنامه‌ریزی امنیت شخصی به‌خصوص برای قربانیانی که اغلب سطح خطر را کوچک می‌شمارند اهمیت دارد.^a

3 Danger Assessment Instrument

۴. مدل ارزیابی خطر خشونت خانگی MPS (۲۰۰۳) توسط پلیس کلان‌شهر لندن طراحی شد. این ابزار که آن‌لاین قابل دسترسی است نوعی کمک‌حافظه برای پلیس‌هایی محسوب می‌شود که به وقایع خشونت خانگی پاسخ داده و در مورد آن تحقیق می‌کنند. این ابتکار یک رویکرد اطلاعاتی است که توسط قربانی هدایت می‌شود و برای کمک به اولویت‌بندی در کارها و تقاضاهای موجود استفاده می‌شود تا از قربانیانی که در خطر خشونت بیش‌تری هستند بهتر محافظت شود.^b

^a Available from www.dangerassessment.org/WebApplication1/default.aspx. Canada, Alberta Justice Communications, *Domestic Violence Handbook for Police and Crown Prosecutors in Alberta*, 2008, p. 95 to p. 159.

^b United Kingdom, London Metropolitan Police, *MPS Risk Assessment Model for Domestic Violence* (2003). Available from www.met.police.uk/csu/pdfs/AppendixIII.pdf.

ج. خدمات موجود برای قربانی و محافظت از شاهد

خدمات قربانیان و محافظت از قربانیان و شاهدان، هردو، همزمان با شروع تحقیقات پلیس آغاز شده و در تمام مراحل آن ادامه می‌یابد. این خدمات شامل توجه به نیازهای قربانیان و شاهدان از جمله تضمین امنیت فوری همه افراد درگیر، گوش کردن به قربانیان و شاهدان و ایجاد ارتباط با آن‌ها، و اقدام در جهت ارزیابی خطر خشونت آینده برای قربانیان و شاهدان است. گرچه این‌جا تنها پلیس نیست که نقش بازی می‌کند.

این روزها متداول است که مددکاران تعلیم‌دیده و متخصص (برخی از آن‌ها ممکن است از داوطلبان اجتماعی باشند) خدمات مختلفی را برای کمک به قربانیان خشونت خانگی ارائه دهند. این مددکاران ممکن است مرتبط با پلیس باشند و توسط پلیس به صحنه فراخوانده شوند، یا ممکن است از طریق دادگاه کار کنند و مساعدت خود را پیش از محاکمه، طی آن، و یا بعد از آن ارائه دهند. کمک آن‌ها ممکن است ارجاع به خدمات دیگر مانند مراقبت‌های تخصصی سلامت، مشاوره، مساعدت مالی یا هرجا مقدور بود جبران مالی باشد. برخی ممکن است به برنامه‌ریزی تأمین امنیت کمک کنند یا برای پاسخ‌گویی به سؤال‌های قربانیان در دسترس آن‌ها باشند؛ سؤال‌هایی مانند سیر پیشرفت تحقیق پلیس، ادعای اتهام، محاکمه و فرایندهای مرتبط با آن، یا زمان آزادی مهاجم از بازداشت یا زندان، اگر احتمال آن وجود دارد.

زنانی که قربانی خشونت خانگی هستند اغلب در معرض تهدید، ارباب، و خشونت‌های آینده قرار می‌گیرند و بنابراین نیاز به اقدام‌هایی از طرف نظام دادرسی جنایی برای کمک به افزایش امنیت شخصی آن‌ها و کودکان‌شان وجود دارد.

در برخی نظام‌های حقوقی، ممکن است قربانیان برای تقاضا و گرفتن احکام ممانعتی برای مهاجم نیاز به مساعدت خاص داشته باشند. از آنجایی که بسیاری از زنان ممکن است از حقوق قانونی خود آگاه نباشند، حضور خدمات مساعدت قضایی می‌تواند به تحکیم امنیت شخصی آنان کمک کند. در سایر حوزه‌های قضایی، پلیس یا دادگاه ممکن است به زنان در گرفتن احکام محافظتی کمک کند.

پاراگراف ۷ (g) راهبردهای نمونه از کشورهای عضو مصرانه می‌خواهد، بر اساس قانون اساسی کشورشان، تضمین کنند که دادگاه‌ها صلاحیت صدور احکام ممانعتی و محافظتی را در موارد خشونت خانگی دارند. این احکام شامل خارج کردن مهاجم از خانه‌ی محل وقوع خشونت، منع تماس مهاجم با قربانی و سایر افراد تحت تأثیر خشونت، داخل و خارج از محل وقوع آن، و وضع مجازات‌هایی برای تخلف از این احکام است.

به‌طور معمول این احکام می‌تواند هم جنایی و هم مدنی باشد و سطح استاندارد اثبات نیاز به صدور چنین احکامی پایین‌تر از محکومیت جنایی است. تخطی از یک حکم، حتی اگر حکم مدنی باشد، تخلف جنایی است. احکام ممکن است به شکل قرارداد آشتی، احکام ممانعتی یا محدودیتی همراه با ضمانت باشد، زمان‌های مختلف داشته و شرایط مختلفی را برای مهاجم وضع کند.

پاراگراف ۷ (i) راهبردهای نمونه از کشورهای عضو مصرانه می‌خواهد تضمین کنند که هنگام صدور احکام غیرتأدیبی و نیمه تأدیبی، قرار ضمانت، آزادی مشروط، آزادی به قید التزام، و آزادی به شرط حسن رفتار، خطرات محتمل برای امنیت زنان قربانی در نظر گرفته شود.

چنین احکامی می‌تواند برای حفاظت از قربانیان و شاهدان در برابر مهاجمان استفاده شود. همه این احکام نیاز به پایش مستمر پلیس و ارزشیابی اثربخشی دارند.

بسته به آن کشور و جامعه خاص، ممکن است خدمات و اقدامات دیگری در دسترس باشد که می‌تواند از طرف سازمان‌های مردم‌نهاد، جامعه مدنی، نهادها و سرپناه‌های زنان، و گروه‌های مذهبی و فرهنگی ارائه شود. پلیس تشویق می‌شود که با این خدمات، ارائه‌دهندگان آن، و نحوه دسترسی به آن آشنا شود.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

نمونه‌های مختلفی از مراکز ارجاع تهاجم‌های جنسی وجود دارد. در بسیاری از کشورها مراکز در بیمارستان مستقر است و در برخی دیگر پایگاه‌های اجتماعی نزدیک به یک بیمارستان وابسته قرار دارد (مثلا در استرالیا). برخی کشورها مانند کانادا شبکه‌های گسترده دارند (هرچند توزیع نامساوی دارد)، در حالی که دیگران مانند آلمان، کانادا، سوئیس، و بریتانیا مراکزی دارند که اغلب در شهرهای بزرگ یا در محل‌هایی است که در آن گروه‌های زنان یا کارکنان پزشکی متعهد برای ارتقای ارائه خدمات محلی تلاش می‌کنند. هنوز در بعضی کشورها "مراکز عالی" منفردی وجود دارد (دانمارک، ایرلند، ایسلند، سوئد). هدف این مراکز فراهم آوردن خدمات جامع با استانداردهای بالا برای هرکسی است که اخیرا مورد تهاجم جنسی قرار گرفته است که می‌تواند شامل زنانی باشد که از طرف یک فرد آشنا مانند همسر مورد حمله قرار گرفته‌اند. بسیاری دیگر خدمات ۲۴-ساعتی دارند که با کمک کارکنان زن معاینه-های پزشکی قانونی را انجام داده و به پلیس در تحقیق و جمع‌آوری شواهد کمک می‌کنند.

با شناسایی ارتباط تجاوز و انتقال اچ‌آی‌وی/ایدز، بسیاری از مراکزی که به نیازهای زنان آسیب‌دیده از تجاوز می‌پردازند، در کنار خدمات مشاوره و آزمایش، درمان پیشگیرانه را طی ۷۲ ساعت از حمله فراهم می‌کنند.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در ونکوور کانادا، یک سازمان مردم‌نهاد که به جمعیت‌های اقلیت و مهاجر خدمت‌رسانی می‌کند، با گروه‌های مختلفی کار کرده است تا یک DVD تولید کند با هدف کمک به زنان، کودکان، و سالمندان تولید کند تا آن‌ها بتوانند درک کنند چه سوءاستفاده‌هایی ممکن است در خانه رخ دهد و چگونه می‌توان از آن خلاصی پیدا کرد. این DVD که به سه زبان (ماندارین، پنجابی، و اسپانیایی با زیرنویس انگلیسی) توسط انجمن چندفرهنگی خدمات حمایتی خانواده ونکوور و جزیره اصلی تحتانی منتشر شده است مجموعه‌ای از نمایش‌های اختصاصی را درباره خشونت در خانه ارائه می‌دهد که از نظر فرهنگی پذیرفته شده است؛ خشونت‌هایی مانند سوءاستفاده از کودک، خشونت خانگی، و سوءاستفاده از سالمندان.

چ. پاسخ به متخلفان

متخلفان مانند قربانیان حقوق مشخصی دارند. متخلف حق دارد انتظار برخورد توأم با احترام از طرف پلیس داشته باشد، در زمان دستگیری/توقیف فوراً علت به او گفته شود، فرض اولیه بر بی‌گناهی او باشد، در برابر خشونت‌های بی‌موردی که ممکن است از طرف مأموران دولتی رخ دهد محافظت شود (برای مثال، رفتار آزارگرانه پلیس)، مجرم قلمداد نشود، حریم و رازداری برای او رعایت شود، به مشاوره قانونی دسترسی داشته باشد، بتواند در مورد هر حکم توقیف تقاضای استیناف کند، و از محاکمه‌ای عادلانه برخوردار شود.

در بسیاری از کشورها، پلیس برای اعلام علت دستگیری به افراد الزام قانونی دارد، باید آنان را مطلع کند که حق داشتن وکیل و حق اختیار سکوت دارند، و باید این کار فوراً در زمان دستگیری و حبس انجام شود. این روند منطبق با اصل ۱۰ متن اصلی اصول محافظت از همه افراد تحت هر شکل از حبس یا زندانی شدن است (۱۹۹۸) که اظهار می‌دارد هرکس توقیف می‌شود باید در زمان دستگیری از علت آن مطلع شده و باید فوراً از هر نوع اتهامی که علیه او وجود دارد نیز آگاه شود.^{۶۸}

هرکس که به علت خشونت خانگی دستگیر می‌شود باید فوراً به بازداشتگاه پلیس منتقل شود مگر این که نیاز به مراقبت پزشکی داشته باشد، و باید توسط پلیس استنطاق شود. این کار به گردآوری شواهد بیش‌تر از جرم کمک می‌کند و به متخلف نشان می‌دهد که پلیس قضیه را جدی می‌گیرد.

به‌عنوان بخشی از گزارش دادگاه، پیشنهاد می‌شود هر جا که مقتضی است پلیس درخواست شرایط آزادی محدود (یعنی ضمانت) را داشته باشد که مستلزم دور ماندن متخلف از قربانی و شاهد است. این به معنی دور بودن از خانه، محل کار قربانی، و خانواده او است و این شرایط باید از نزدیک تحت نظارت قرار گیرد. شروط دیگر می‌تواند منع داشتن اسلحه، منع مصرف الکل و گزارش منظم به پلیس یا وجود یک ناظر ضمانت است. در برخی حوزه‌های قضایی متخلفان خشونت خانگی آزاد می‌شوند اما در خانه‌های بین‌راه که مختص این امر است سکنا داده می‌شوند یا اگر شرایط مناسب را داشتند تنها با یک پابند الکترونیکی که می‌تواند محل آن‌ها را مشخص کند آزاد می‌شوند تا اگر از آن خانه یا محدوده تعیین شده خارج شدند مقامات مطلع شوند.

باید در نظر داشت که اثربخشی اقدامات حفاظت از قربانی با در نظر داشتن حقوق کسانی که متهم به خشونت هستند و نیازهای حمایتی آنان افزایش خواهد یافت. به این ترتیب، توصیه می‌شود اقدامات محدودیت متخلف و انتقال او از خانه همراه با تدابیری باشد که تضمین کند متخلفان بدون سرپناه و مساعدت رها نشده‌اند. این مسایل با این فرض مطرح می‌شود

⁶⁸ General Assembly resolution 43/173, annex.

که نهاد پلیس در موارد خشونت خانگی سیاستی مبنی بر دستگیری اجباری متخلف ندارد یا متخلف با نوعی ضمانت یا تعهد از حبس آزاد شده است.

در مواردی که متخلف آزاد می‌شود باید از اقداماتی که برای تضمین امنیت قربانی و فرزندان او صورت گرفته، از جمله لزوم تبعیت از احکام ممانعتی و محافظتی و عواقب قانونی تخطی از آن مطلع شود.

مهم است که به مهاجمان برای کنترل رفتار خشونت‌بارشان مشاوره و کمک داد که می‌تواند به‌عنوان بخشی از آزادی پیش از محاکمه یا محکومیت بعد از آن باشد. این یکی از اقداماتی است که در جهت پیشگیری از تخلف مجدد و قربانی کردن صورت می‌گیرد.

در بسیاری از کشورها سازمان‌های تخصصی دایر شده‌اند که خدمات حمایتی به مردان بدرفتار ارائه می‌دهند. هدف چنین گروه‌هایی کارهای بنیادین در مورد رفتار خشن، کمک به مردان در شناخت مسؤلیت‌شان در قبال خشونت، و وسعت آسیمی است که ایجاد می‌کنند.

دامنه خدماتی که ارائه می‌شود متفاوت است و شامل مواردی از قبیل درمان وابستگی به الکل و مواد و اختلالات روانی تا مشکلات رفتاری، کنترل خشم، خویشنداری، و حل تعارض از طریق گفتگو و گروه‌های حمایتی است که به اعتماد به نفس و آگاهی در مورد جنسیت می‌پردازد.

لازم است که پلیس و دادگاه‌ها اثربخشی هر حکمی که برای حمایت از قربانی و شاهد تعلق قرار گرفته است را پایش و ارزشیابی کنند. این کار شامل نظارت پلیس در مورد پایبندی متخلف به همه اجزای حکم دادگاه است.

ح. حریم و رازداری

راهبردهای نمونه به‌طور کلی مطرح می‌کند که نیاز به اقداماتی برای حفاظت از قربانیان از طریق حفاظت از حریم و رازداری وجود دارد. آن‌ها کشورهای عضو را تشویق می‌کنند اقداماتی برای تضمین امنیت قربانیان و خانواده آن‌ها، و حفاظت از آن‌ها در مقابل ارباب و انتقام اتخاذ کرده و تضمین کنند در تصمیم برای آزادی مهاجم خطراتی که امنیت قربانی را تحت تأثیر قرار می‌دهد در نظر بگیرند.

ماده ۴ ضوابط رفتاری برای مجریان قانون تصریح می‌کند مسائلی که ماهیت محرمانه داشته و در مالکیت آنان قرار دارد باید محرمانه باقی مانده، مگر این که مشخصا انجام وظیفه یا نیاز به دادرسی غیر آن را الزام کند. این ضابطه همه جزییات، مدارک بایگانی، عکس‌ها، و گزارش‌ها در رابطه با هم‌قربانیان، شاهدان، و متخلفان در همه موارد خشونت از جمله خشونت خانگی را دربرمی‌گیرد.

باید در همه مراحل فرایند دادرسی جنایی تدابیری برای محافظت از حریم زنان قربانی خشونت خانگی و تضمین رازداری در این فرایند، و در مورد اطلاعات و گزارش‌های مرتبط اندیشیده شده باشد. این تدابیر می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

- از فنون بازپرسی استفاده شود که همراه با کمترین مداخله است و دخالت بی‌موردی در حریم خصوصی زنان ایجاد نمی‌کند (یعنی تنها اطلاعاتی که مستقیماً به تحقیق مرتبط است جمع‌آوری می‌شود)
- با قربانیان و شاهدان خصوصی و دور از دید عموم و مهاجم مصاحبه شود

- اسامی، نشانی‌ها، و سایر اطلاعات شناسایی قربانی/شاهد بدون رضایت آگاهانه آنان به رسانه‌ها داده نشود
- معاینه‌های پزشکی قربانیان توسط کارکنان پزشکی زن و در محلی خصوصی انجام شود
- هر جا شواهد پزشکی قانونی گردآوری می‌شود نتایج معاینه‌های پزشکی کاملاً محرمانه نگهداری شود و تنها مستقیماً برای همان جرم در حال بررسی گزارش شود
- گزارش‌های رسمی، شامل اظهارات قربانی و شاهد، تنها توسط مسؤولان دادرسی که مستقیماً درگیر آن مورد هستند ملاحظه شود

اقداماتی که برای حفاظت از حریم و رازداری قربانیان و شاهدان، از جمله کودکان، اتخاذ شده است، در عین تلاش برای کاهش آسیب وارد شده بر آنان و پیشگیری از قربانی شدن بیش‌تر در آینده، باید در پی شناسایی اطلاعات یا حقایق باشد که می‌تواند به اطلاع عموم برسد.

خ. پاسخ‌گویی و نظارت پلیس

در نظامی کارآمد، حداقل شش ستون مستقل نظارتی و کنترل در نظام دادرسی کیفی وجود دارد:

- نظارت داخلی
- کنترل اجرایی
- نظارت مجلس
- بازبینی قوه قضاییه
- بدنه‌های نظارتی مستقل
- نظارت جامعه مدنی⁶⁹

در این حیطه‌ها، ابزارها و راهبردهایی برای پاسخ‌گویی و نظارت بر نهادها و کارکنان پلیس وجود دارد. رویکردها می‌تواند و باید به این شکل‌ها باشد: نظارت داخلی، سیاست‌ها، پایش فعالانه، فرایندهای داخلی و خارجی رسیدگی به شکایت‌ها، ضوابط رفتار حرفه‌ای، مرور عملکرد، انتخاب/ارتقا بر مبنای امتحان و شایستگی، سازوکارهای گزارش‌دهی، توان تحقیق در مورد ادعای سوءاستفاده و/یا قصور، استماع و رسیدگی به ادعاها، مرور/تصویب بودجه، اعمال قوانین، بازدید/سرکشی تسهیلات، اقتدار احضاریه دادگاه، داوری در مواردی که علیه خدمات و کارکنان مطرح شده است، حفاظت از حقوق بشر، فراهم آوردن جبران‌های مناسب، انتساب داور، اقدام پلیس، تشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به شکایت‌ها از پلیس یا راه‌اندازی دفتر بازرسی کل، استماع شکایات عمومی، تضمین استفاده مناسب از بودجه عمومی، تضمین وجود

⁶⁹ Organization for Economic Cooperation and Development, *The OECD DAC Handbook on Security Sector Reform (SSR): Supporting Security and Justice* (Paris, 2007), p. 112.

رسانه‌های مستقل که می‌تواند خطاها را آشکار کند و حضور جامعه مدنی قدرتمند که می‌تواند برای تغییر و فراهم آوردن دیدگاهی جایگزین حمایت‌یابی کند.^{۷۰}

پلیس باید به‌عنوان بخشی از نظام دادرسی کیفری در برابر اعمال و تصمیم‌های خود به جامعه‌ای که در خدمت آن است، دولت، و افرادی که بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار است پاسخگو باشد. پاسخگویی پلیس اصل ضروری در آرمان سیستم انتظامی مدرن و دموکراتیک است.^{۷۱} این امر شامل اقداماتی برای کنترل و هدایت فعالیت‌های پلیس و حفظ پاسخگویی آن است.

در بسیاری از کشورها پلیس به دادر، کمسیون‌های حقوق بشر، استعلام موردی مجلس، بازرسان گماشته شده از سوی دادگاه و مقامات مستقل رسیدگی به شکایت‌ها، و همچنین به مجموعه‌ای از سازوکارهای نظارت داخلی که روز به روز پیشرفته‌تر می‌شود پاسخگو است. سازوکارهای جدید پاسخگویی از جایی به جای دیگر متفاوت است. هم در آفریقا و هم در بریتانیا، نهادهای دایمی ملی قدرت اجرای تحقیقات مستقل در مورد همه چیز از قتل‌های صورت‌گرفته توسط پلیس تا شکایت شهروندان در مورد خشونت و هتاک را دارد.^{۷۲} در برخی حوزه‌های قضایی، نهادهای زنان آمار مربوط به خشونت علیه زنان و پاسخ‌های پلیس و سایر افراد درگیر در نظام دادرسی کیفری را جمع‌آوری و منتشر می‌کنند.

پلیس در برابر اعمال، تصمیم‌ها، سیاست‌ها، و فرایندهایی که استفاده می‌کند پاسخگو است. در موارد خشونت خانگی این امر شامل دستگیری و متهم کردن و نکردن متخلفان، فرایندهای بازپرسی، اقدامات اتخاذ شده برای محافظت از زنان و فراهم آوردن خدمات برای قربانیان است. سیاست‌ها و رویه‌های عملیاتی پلیس باید پذیرای موشکافی و اظهارنظر همگان باشد. در برخی کشورها در مشاوره با نهادهای زنان و نهادهای حمایت‌یابی حقوقی، سیاست‌ها و رویه‌های عملیاتی در ارتباط با خشونت خانگی تدوین شده‌اند. اگرچه بسیاری از خرده‌فرهنگ‌ها در پلیس در برابر "مداخله" و کنترل بیرونی مقاومت دارد. پلیس ممکن است مانع از نظارت بیرونی و سازوکارهای حکومتی شده، دربارہ کارهایی که می‌کند و نحوه آن دروغ بگوید یا آن را پنهان کند، و ممکن است در برابر تلاش‌هایی که برای پاسخگو نگه داشتن آنان در برابر نتیجه این اقدامات صورت می‌گیرد مقاومت کند.^{۷۳}

باید راه‌هایی برای مراجعه و ساختارهایی برای حمایت از کسانی وجود داشته باشد که احساس می‌کنند به‌واسطه اعمال پلیس مورد ظلم واقع شده‌اند که این امر شامل زنان قربانی خشونت خانگی است که احساس می‌کنند حمایت پلیس از آن‌ها کافی نبوده است. در برخی کشورها، این فرایند از طریق ساختارهای دولتی رسیدگی به شکایت‌ها یا واحدهای تحقیقات داخلی پلیس انجام می‌شود که اغلب پاسخگویی و شفافیت ساختارهای خارجی را ندارند.

پلیس به‌عنوان نیرویی مسلح و منضبط، برای حاکمیت، به‌خصوص در کشورهای در حال گذار یا در وضعیت بعد از نزاع، نیاز به رویکردهای خاص دارد. ابداع نظام‌های انتظامی مؤثر در پلیس باید اولویت مقدم باشد.^{۷۴} سازوکارهای مؤثر، شفاف، و عادلانه، چه داخلی و چه خارجی، انضباط پلیس را ضمانت کرده و اعتماد جامعه را تأمین می‌کند.^{۷۵}

⁷⁰ Mark W. LaLonde, *Criminal Justice Reform in Post-Conflict States: a Guide for Practitioners*, United Nations Office on Drugs and Crime, Vienna, forthcoming.

⁷¹ David H. Bayley, *Changing the Guard: Developing Democratic Police Abroad*, Studies in Crime and Public Policy (New York, Oxford University Press, 2006).

⁷² Christopher Stone, "Tracing police accountability in theory and practice: from Philadelphia to Abuja and Sao Paulo", *Theoretical Criminology*, vol. II, No. 2 (2007), pp. 245-259

⁷³ Mark W. LaLonde and Darrell W. Kean, *Municipal Police Board Governance in British Columbia*, Canada, British Columbia, Ministry of Public Safety and Solicitor General (Victoria, Justice Institute of British Columbia, Police Academy, 2003).

⁷⁴ David H. Bayley, *Democratizing the Police Abroad: What to Do and How to Do It*, United States Department of Justice, Office of Justice Programs (Washington, D.C., National Institute of Justice, 2001)

⁷⁵ William G. O'Neill, *Police Reform in Post-conflict Societies: What We Know and What We Still Need to Know*, Security-Development Nexus Program Policy Paper (New York, International Peace Academy, 2005).

VI. آیین دادرسی

برخی کشورها هر جا که شواهد اجازه دهد سیاست دستگیری و اتهام اجباری را به عنوان رویکردی در برابر خشونت خانگی اتخاذ کرده‌اند. سایر کشورها سیاستی را اتخاذ کرده‌اند که هر جا خشونت خانگی گزارش می‌شود پلیس را ملزم به انجام و مستند کردن کامل تحقیق، و مصاحبه با قربانیان، شاهدان، و افرادی می‌کند که متخلف معرفی شده‌اند. هر رویکرد به شیوه خود در جستجوی اطمینان از اجرای اقداماتی برای حفاظت از قربانیان است.

در پاراگراف ۷ راهبردهای نمونه، از کشورهای عضو مصرانه خواسته می‌شود هر جا مقتضی بود رویه جنایی خود را مرور، ارزشیابی، و بازبینی کنند تا اطمینان حاصل شود که:

الف) هر جا که قوانین ملی الزام می‌کند، پلیس در موارد خشونت علیه زنان قدرت کافی برای ورود به اماکن، دستگیری، و ضبط سلاح را با مجوز قضایی دارد؛

ب) مسؤلیت اولیه برای آغاز فرایند بازپرسی در دست مقام‌های دادستانی است و به زنانی که در معرض خشونت بوده‌اند سپرده نمی‌شود؛

پ) زنانی که در معرض خشونت قرار گرفته‌اند، همانند سایر شاهدان فرصت شهادت در فرایندهای دادگاه را دارند و باید تدابیری برای تسهیل شهادت آن‌ها و حفاظت از حریمشان اندیشیده شود؛

ت) قواعد و اصول دفاع تبعیضی علیه زنان نمی‌گذارد و دفاعیه‌هایی مانند ادعای ناموس یا تحریک شدن به مرتکبان خشونت علیه زنان فرصت فرار از مسؤلیت جنایی را نمی‌دهد؛

ث) مرتکبان اعمال خشونت‌بار علیه زنان وقتی با اراده و خواست خود تحت تأثیر مواد یا الکل بوده‌اند از مسؤلیت جنایی یا سایر مسؤلیت‌ها مبرا نمی‌شوند؛

ج) سابقه‌ی مهاجم از اعمال خشونت‌بار، سوءاستفاده، تحت نظر گرفتن و بهره‌مندی، مطابق با قانون جنایی ملی، در روند دادگاه مد نظر قرار می‌گیرد؛

چ) دادگاه‌ها مطابق با قانون اساسی کشور، صلاحیت صدور احکام محافظتی و ممانعتی را در موارد خشونت علیه زنان دارند، که شامل جابجایی مهاجم از خانه، منع تماس بیش‌تر با قربانی و سایر افرادی که داخل و خارج محل وقوع خشونت، تحت تأثیر قرار گرفته‌اند، و وضع جرایمی برای تخطی از این احکام است؛

ح) هر جا لازم بود اقداماتی برای تضمین امنیت و حفاظت از قربانی و خانواده او در برابر ارباب و انتقام انجام شود؛

خ) در تصمیم برای احکام غیر تأدیبی و نیمه تأدیبی، پذیرش وثیقه، آزادی مشروط، آزادی با تعهد، و آزادی با شرط حسن رفتار، باید خطراتی که ممکن است متوجه امنیت قربانی شود در نظر گرفت.

بنابراین، از کشورهای عضو مصرانه خواسته می‌شود در فرایندها و قواعدی که مرتبط با شواهد است به حریم قربانی احترام گذاشته شده و شأن او را به گونه‌ای حفظ کنند که بی‌جهت بار مشکلات او را سنگین‌تر نکرده و او را بیش‌تر قربانی نکنند. این کار شامل اقداماتی مانند عمومی نکردن دادگاه در زمان ارایه شواهد توسط آن زن یا فرزندان او یا اجازه‌ی ارایه شواهد از پشت پرده است. به این ترتیب قربانی مجبور نیست با مردم یا مهاجم مواجه شود. برخی کشورها در موارد خاصی اجازه می‌دهند که شواهد از طریق تماس ویدیویی از اتاقی دیگر یا توسط اظهارات مکتوب ارایه شود. برخی هم-چنین به قربانیان اجازه می‌دهند که در صورت محکومیت اظهارات فشرده‌ای برای لحاظ کردن در حکم ارایه کنند.

پلیس در هر کشوری که هست لازم است از قوانین مرتبط با خشونت علیه زنان مطلع باشد و از آن تبعیت کند. این امر شامل اطلاع از الزامات مربوط به شواهد، استانداردهای پلیس در تحقیق و ارایه گزارش، اقدامات قانونی طراحی شده برای حفاظت از قربانیان و دفاعیه‌های مجاز طبق قانون است.

کشورهایی که میراث قانون عرفی را دارند ممکن است کاملاً بین فرایند تحقیق و فرایند پیگرد قانونی تفاوت بگذارند. پلیس معمولاً تحقیق را انجام می‌دهد و سپس دادستان باید بررسی هدفمندی درباره این که آیا شواهد برای پیگرد قانونی کافی است یا نه انجام دهد (این مدل همچنین ممکن است در قانون مدنی برخی کشورها دنبال شود). در عمل این تقسیم‌بندی کاملاً دنبال نمی‌شود و در برخی نظام‌ها دادستان با دادن مشورت حقوقی یا از راه‌های دیگر مستقیماً در فرایند تحقیق درگیر است. در چنین نظام‌هایی برای کسب برخی انواع شواهد باید از مسیر جداگانه‌ای به قوه قضاییه روی کرد که معمولاً از طریق صدور مجوز است. پیش از محاکمه یا طی آن ممکن است قانونی بودن شیوه کسب شواهد به چالش کشیده شود. دادستان باید ثابت کند که شواهد مطابق با قانون کسب شده و به حقوق متهم تجاوز نشده است. قاضی محاکمه باید در مورد قابل پذیرش بودن شواهد حکم دهد؛ اگر شیوه کسب شواهد مغایر با قانون بود، آن مدرک حذف می‌شود و نمی‌تواند برای تعیین مجرمیت استفاده شود.

در برخی کشورها، علاوه بر اظهارات قربانی، مدرک مستقل تأییدکننده‌ای برای اثبات موارد تجاوز/تهاجم جنسی لازم است. در سایر کشورها قاضی ممکن است به هیأت منصفه در مورد خطر محکومیت یک نفر تنها به دلیل شهادت یک زن هشدار دهد. چنین رویه‌هایی در جهت بهترین منافع زنان نیست و برخی کشورها آن را کنار گذاشته‌اند.

به همین منوال در برخی کشورها، سابقه قبلی تجاوز/خشونت جنسی به یک زن ممکن است به‌عنوان شهادی برای بی-اعتبار کردن آن زن به‌کار رود.

مصونیت همسر- این اصل که نمی‌توان یک شریک جنسی را مجبور کرد علیه دیگری شهادت دهد- در برخی کشورها استفاده می‌شود تا خشونت خانگی را امری خصوصی محسوب کند. حوزه‌های قضایی مختلف با دادن مجوز قانونی به دادستان برای شهادت اجباری به این امر رسیدگی کرده‌اند و بسیاری دیگر در حال حرکت در مسیر قانون موضوعه هستند.⁷⁶

راهبردهای نمونه از کشورهای عضو مصرانه می‌خواهد برای فرار از مسؤلیت جنایی دفاعیه‌هایی مانند تحریک شدن، دفاع از خود، یا مسمویت (با الکل یا مواد) را مجاز ندانند. در برخی از حوزه‌های قضایی، هیچ کدام از این موارد را به-عنوان دفاع قبول نمی‌کنند اما دیگران ممکن است مسمویت (با الکل یا مواد) را در ارزیابی سطح مجرمیت در نظر بگیرند.

⁷⁶ International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy, Model Strategies and Practical Measures on the Elimination of Violence Against Women in the Field of Crime Prevention and Criminal Justice: Resource Manual (Vancouver, 1999), p. 32.



VII. مشارکت و حمایت بین‌سازمانی

با این که تمرکز عمده این کتاب *راهنما* بر نقش پلیس است، اما قبول دارد که نهاد پلیس با وجود اهمیت تنها یکی از چند وجه پاسخ نظام‌مند به خشونت علیه زنان است. برای برآوردن مؤثر نیازهای قربانیان، دادگاه‌ها، متخلفان و جوامع، پلیس لازم است با دادستانی، دادگاه‌ها، زندان‌ها، ارائه‌دهندگان خدمات مراقبت سلامت و خدمات اجتماعی، سازمان‌های مردم-نهاد، جامعه مدنی، و جامعه محلی، و رهبران مذهبی مشارکت و همکاری داشته باشد. همه این‌ها می‌تواند از قربانی حمایت و محافظت از او را در آینده تضمین کند. این عوامل همچنین می‌تواند به متخلف کمک کند تا از اعمال خود درس گرفته و بازپروری اجتماعی را با موفقیت طی کند.

هر عامل در تقویت اثربخشی سایر عوامل، اشتراک اطلاعات (بر اساس پروتکل‌های مصوب که حریم و رازداری را در نظر می‌گیرد)، و هماهنگی و اشتراک منابع در جهت بیش‌ترین منفعت هم‌ه‌ی عوامل نقش دارد.

یک رویکرد به این مسأله انتخاب یک "قهرمان" داخلی در هر یک از سازمان‌های مرتبط است که نقش او محافظت از زنان و ارتقای مشارکت بین‌سازمانی است. این فرد را به نوبه خود یک قهرمان ارشد در سطح سیاست عمومی حمایت می‌کند.

راه دیگر ابداع یک مرکز ملی یا منطقه‌ای مبادله اطلاعات برای گردآوری، تحلیل، و توزیع داده‌ها و تحقیق‌های مرتبط است. راه دیگر می‌تواند راه‌اندازی مرکز خبری در سطح ناحیه باشد که برای قربانیان، پلیس، و سایر ارائه‌دهندگان خدمات قابل دسترسی است. این مرکز به انتشار اطلاعات در مورد سیاست‌ها و پروتکل‌ها کمک کرده و راهنمایی لازم در مورد بهترین نحوه دسترسی به خدمات محلی برای حمایت از قربانیان و متخصصان را ارائه می‌دهد.

برای برآوردن بهتر نیازهای قربانیان، شاهدان، و متخلفان، لازم است که نهادهای درگیر پروتکل‌های همکاری تدوین کنند تا امکان اشتراک اطلاعات، تلاش‌های هماهنگ، و اشتراک فرصت‌های یادگیری را فراهم آورند.

نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در بوسنی هرزگوین، برای کمک مؤثر به پاسخ‌گویی به خشونت علیه زنان، مقام‌های محلی در زنیکا برای خود یک گروه کاری خشونت خانگی ابداع کردند. این گروه پلیس، مدارس، دولت محلی شهری، دفتر دادستانی، دادگاه‌ها، مددکاران اجتماعی، خانه امن زنان، بیمارستان‌ها، و دیگران را در کنار هم جمع می‌کند.





نمونه‌ای از یک تجربه خوب

در سال ۲۰۰۰، پیوند دست‌ها علیه خشونت خانگی که یک رویکرد مشارکتی به آگاه‌سازی و اقدامات پیشگیری بود در آفریقای جنوبی آغاز به کار کرد. پروژه شامل مواد آموزشی و کارگاه‌های آموزشی برای صدها تسهیل‌گر بود که به نوبه خود دادستان‌ها و سایر متخصصان در حیطه خشونت خانگی را آموزش می‌دادند. در سال ۲۰۰۶ پروژه در اتیوپی گسترش پیدا کرد که در آنجا با مشارکت انجمن اتیوپیایی وکلای زن، آموزش برای پلیس، دادستان‌ها، و قاضی‌ها تدوین شد تا به آموزش این گروه‌ها در مورد مواد قانونی جدید قانون جنایی که به تازگی تدوین شده بود و به‌خصوص در ارتباط با خشونت خانگی کمک کند.^۱

^۱ Available from www.itstimeafrica.org. This project is funded by the Canadian International Development Agency and coordinated through the Sexual Offences and Community Affairs Team of the National Prosecuting Authority of South Africa (www.npa.gov.za), the Ethiopian Women Lawyers' Association (www.etwla.org) and the Justice Education Society (British Columbia, Canada) (www.justiceeducation.c

ضمیمه I. نمونه نمودار جراحت برای بازپرسان و متخصصان پزشکی

در زیر نمونه‌ای از نمودار جراحت که پلیس و متخصصان پزشکی می‌توانند برای توصیف جراحت‌های وارد شده بر زنان قربانی خشونت استفاده کنند آورده شده است. در موارد تجاوز یا سایر اشکال سوءاستفاده جنسی، نمودارهای تخصصی می‌تواند استفاده شود که تمرکز آن بر جراحت‌های ناحیه تناسلی است.

نمونه‌ای از نقشه محل جراحت (یا "نقشه بدن")	
با یک فلش از قسمت توضیح به تصویر بدن مشخص می‌کند کجا جراحت مشاهده شده است. تعداد جراحت‌ها از هر نوع را در فضای مشخص شده تعیین می‌کند. تمام کبودی‌ها، خراش‌ها، پارگی‌ها، نشانه گاز گرفتن، و غیره را علامت‌گذاری می‌کند.	
	<p>Encounters:</p> <p>Cuts _____ Punctures _____</p> <p>Bites _____ Abrasions _____</p> <p>Bruises _____ Bleeding _____</p> <p>Burns _____ Dislocations _____</p> <p>Bone fractures _____</p>
	
	
<p>Source: Carole Warshaw, Anne L. Ganley and Patricia R. Salter, <i>Improving the Health Care Response to Domestic Violence: A Resource Manual for Health Care Providers</i> (San Francisco, Family Violence Prevention Fund, 1995).</p>	

چنین نموداری باید همراه با گزارش کاملی باشد که ماهیت و وسعت هر جراحت، نحوه ایجاد و نوع سلاح استفاده شده، اگر سلاحی در کار بوده، را مشخص می‌کند و شامل اطلاعات معاینه‌ی پزشکی (ترجیحا توسط یک زن) در مورد جراحت‌های مشاهده‌شده است. همان‌طور که در مورد همه جزییات مرتبط با خشونت علیه زنان ذکر می‌شود، این نمودارها باید محرمانه تلقی شده و تنها به بازپرسان و مقامات دادرسی که مستقیما در مورد دخیل هستند ارائه شود.



ضمیمه II. منابع و وبسایت‌های آن‌لاین

این ضمیمه سایر منابع از جمله راهنماهایی که در مورد خشونت خانگی توسط نهادهای تخصصی و سایر ساختارهای ملل متحد تهیه شده است را فهرست کرده و همچنین منابعی در مورد سیاست‌ها، راهنماها، و طرح‌های امنیت جایگزین را ارائه می‌دهد.

الف. منابع آن‌لاین

Lise Addario, *Six Degrees from Liberation: Legal Needs of Women in Criminal and Other Matters*, Department of Justice Canada, Legal Aid Research Series (Ottawa, 2002). Available from www.justice.gc.ca/eng/pi/rs/rep-rap/2003/rr03_la20-rr03_aj20/index.html.

Megan Bastick, Karin Grimm and Rahel Kunz, *Sexual Violence in Armed Conflict: Global Overview and Implications for the Security Sector* (Geneva Centre for the Democratic Control of Armed Forces, 2007). Available from www.dcaf.ch/publications/kms/details.cfm?Ing=en&id=43991&nav1=4.

Economic and Social Council resolution 2006/29 of 27 July 2006 on crime prevention and criminal justice responses to violence against women and girls. Available from www.un.org/docs/ecosoc/documents/2006/resolutions/Resolution%202006-29.pdf.

Inter-Agency Standing Committee, *Guidelines for Gender-Based Violence Interventions in Humanitarian Settings: Focusing on Prevention of and Response to Sexual Violence in Emergencies* (Geneva, 2005). Available from www.humanitarianinfo.org/iasc/pageloader.aspx?page=content-subsi-tf_gender-gbv.

International Centre for Criminal Law Reform and Criminal Justice Policy, *Model Strategies and Practical Measures on the Elimination of Violence against Women in the Field of Crime Prevention and Criminal Justice: Resource Manual* (Vancouver, 1999). Available from www.icclr.law.ubc.ca/Publications/Reports/VAWMANUA.PDF.

Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, "Guidelines on international protection: gender-related persecution within the context of article 1 A (2) of the 1951 Convention and/or its 1967 Protocol relating to the Status of Refugees" (HCR/GIP/02/01). Available from www.unhcr.org/refworld/docid/3d36f1c64.html (accessed 8 October 2009).

Office of the United Nations High Commissioner for Refugees, *Sexual and Gender-Based Violence against Refugees, Returnees and Internally Displaced Persons: Guidelines for Prevention and Response* (2003). Available from www.unhcr.org/refworld/docid/3edcd0661.html.

Recommended Principles and Guidelines on Human Rights and Human Trafficking: report of the United Nations High Commissioner for Human Rights to the Economic and Social Council (E/2002/68/Add.1). Available from www1.umn.edu/humanrts/instree/traffickingGuidelinesHCHR.html.

Security Council resolution 1325 (2000) of 31 October 2000. Available from www.un.org/events/res_1325e.pdf. United Nations Children's Fund, *Domestic Violence against Women and Girls*, Innocenti Digest No. 6, June 2000. Available from www.unicef-irc.org/publications/pdf/digest6e.pdf

United Nations Development Programme, "Eight Point Agenda: practical, positive outcomes for girls and women in crisis". Available from www.undp.org/cpr/we_do/8_pa.shtml.

United Nations Development Programme and United Nations Development Fund for Women, "Gender sensitive police reform in post-conflict societies", Policy Briefing Paper (October 2007).

Available from www.undp.org/cpr/documents/gender/Gender_Sensitive_Police_Reform_Policy_Brief_2007.pdf.

United Nations Office on Drugs and Crime, *Compendium of United Nations Standards and Norms in Crime Prevention and Criminal Justice* (New York, 2006).

Available from www.unodc.org/pdf/compendium/compendium_2006.pdf.

United Nations Office on Drugs and Crime *Criminal Justice Assessment Toolkit*.

Available from www.unodc.org/unodc/en/justice-and-prison-reform/Criminal-Justice-Toolkit.html.

Jeanne Ward and Mendy Marsh, "Sexual violence against women and girls in war and its aftermath: realities, responses, and required resources", briefing paper prepared for the International Symposium on Sexual Violence in Conflict and Beyond, Brussels, 21-23 June 2006.

Available from www.unfpa.org/emergencies/symposium06/docs/finalbrusselsbriefingpaper.pdf.

World Health Organization, *Guidelines for Medico-Legal Care for Victims of Sexual Violence* (Geneva, 2003).

Available from www.who.int/violence_injury_prevention/publications/violence/med_leg_guidelines/en/ (accessed 8 October 2009).

World Health Organization, *Putting Women First: Ethical and Safety Recommendations for Research on Domestic Violence Research* (WHO/FCH/GWH/01.1)(Geneva, 2001).

Available from www.who.int/gender/violence/womenfirtseng.pdf.

World Health Organization, *WHO Ethical and Safety Recommendations for Interviewing Trafficked Women* (Geneva, 2003).

Available from www.who.int/gender/documents/en/final%20recommendations%2023%20oct.pdf.

ب. وبسایتها

Danger Assessment

(www.dangerassessment.org/WebApplication1/default.aspx).

Domestic Abuse Intervention Project (Duluth, Minnesota)

Available from www.theduluthmodel.org/domesticabuseintervention.php.

Domestic Violence Handbook (Oakland County, California)

Available from www.domesticviolence.org.

National Coalition Against Domestic Violence

(www.ncadv.org).

Provincial Association of Transition Houses and Services of Saskatchewan, Canada

(www.abusehelplines.org/index.php).

United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat), Safer Cities Programme

(www.unhabitat.org/safercities).